

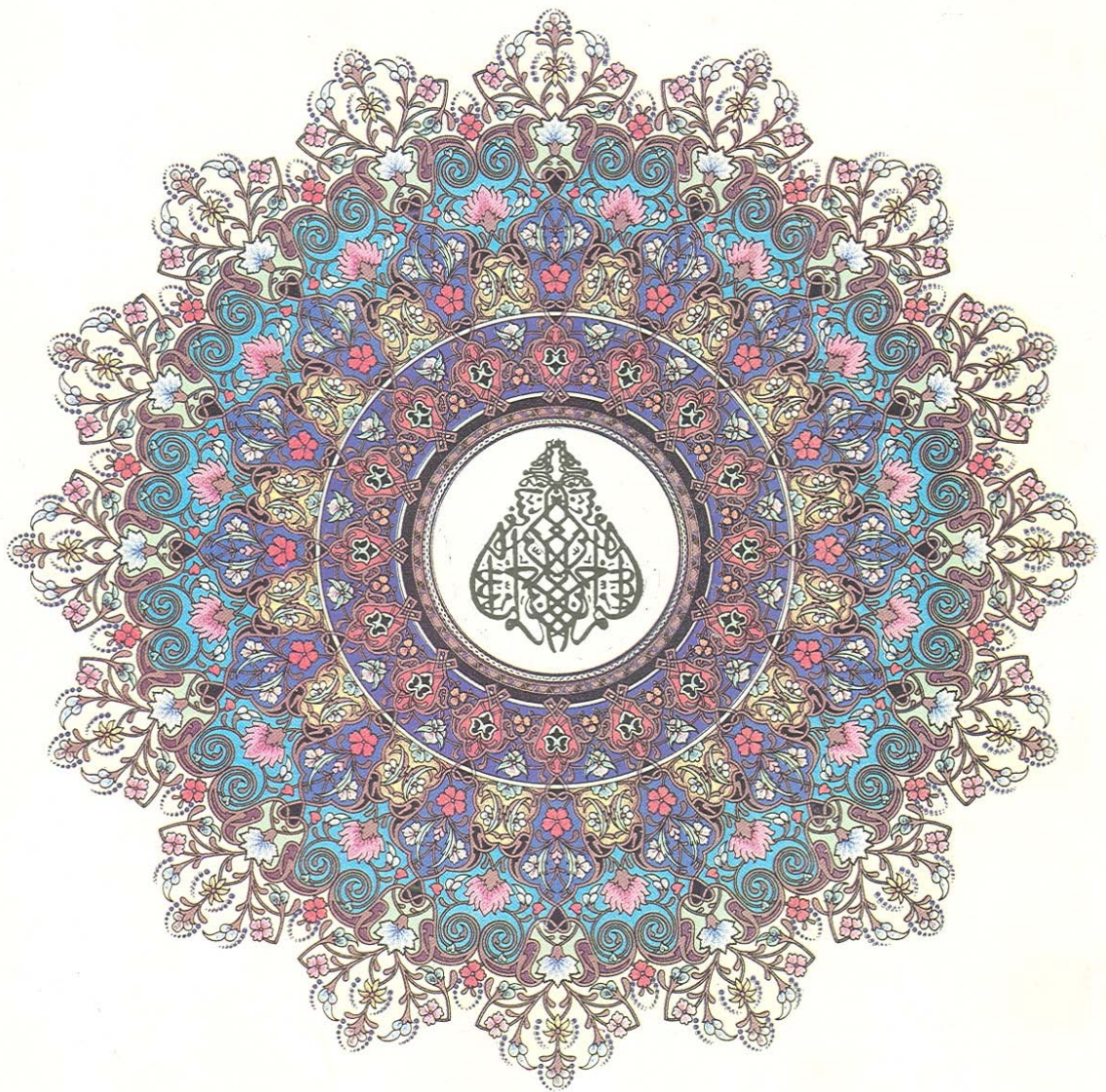
غیر قابل انتشار



مرکز تحقیقات و بررسی های اقتصادی

اقتصاد ایران

ارزیابی روند و برنامه عمل



شناسنامه گزارش:

عنوان گزارش: اقتصاد ایران، ارزیابی روند و برنامه عمل

مشاور: سید محمد جعفر مرعشی

ناظر: محمد علی تقی زاده

مجری: خانم‌ها امیرخانلو، خیری

همکاران مجری: خانم‌ها ابونبی، اصغرزاده، حاجی نوروزی،

فروچی و حقیقی‌وند

تاریخ انتشار: اردیبهشت ۱۳۹۲



فهرست

۵	مقدمه
۶	بخش اول - تحلیل روندهای موجود
۶	رشد اقتصادی
۹	اشتغال
۱۵	نقدینگی و تورم
۱۸	بودجه عمومی
۲۱	ارز
۲۲	یارانه‌ها و اصلاح قیمت انرژی
۲۵	نظام تأمین مالی
۲۶	محیط کسب و کار و اداره بنگاه‌های اقتصادی
۳۲	تعامل با دنیای خارج
۳۸	رقابت‌پذیری
۴۲	انحصار
۴۳	فساد
۴۶	عدالت اجتماعی
۴۹	سرمایه اجتماعی
۵۱	بخش دوم - رویکرد کلان : حوزه‌های نیازمند اصلاحات
۵۶	بخش سوم - راه‌کارها و پیشنهادهای
۶۴	پیوست - انتظارات فعالان اقتصادی از دولت آینده

عموماً وقتی بحث انتخابات مطرح می شود، همه توجهات و نگاه ها به سمت مسایل و مشکلات کشور معطوف می گردد. اگر برنامه ها، نقدها و چالش ها روشمند صورت پذیرد، این مواقع فرصت مناسبی برای رشد فرهنگ جامعه است. در غیر این صورت، چالش هایی اساسی در خصوص بدیهی ترین متغیرهای اقتصادی شکل خواهد گرفت و انتخابات ریاست جمهوری به مسابقه ای برای ارائه برنامه های عوام پسندانه بدون پشتوانه علمی بدل خواهد شد و این عارضه ای است که نهادهای مؤثر باید از آن جلوگیری کنند، زیرا کشیده شدن انتخابات ریاست جمهوری به این ورطه، مانع انتخاب آگاهانه و مدیریت بهینه منابع خواهد شد. از طرف دیگر وضعیت برخی متغیرهای کلان کشور در مرز هشدار قرار گرفته است که این مسأله، ضرورت مطالعات و نقدهای کارشناسی، اطلاع رسانی عمومی و توجه سیاست گذاران به این حوزه ها را می طلبد.

به همین دلیل اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران به عنوان نماینده بخش بزرگی از فعالان اقتصادی، بر آن شده است تا بر اساس یک متدولوژی روشمند و با بهره گیری از نظرات برجسته ترین متخصصان و کارشناسان اقتصادی کشور، تصویری واقعی از شرایط موجود کشور ارائه کند و مهم ترین و چالش برانگیزترین مشکلات اقتصادی - اجتماعی پیش روی کاندیداهای ریاست جمهوری را به تصویر کشد. گزارش حاضر به همین منظور در سه بخش با عناوین، تحلیل روندهای موجود، رویکرد کلان: حوزه های نیازمند اصلاحات و راه کارها و پیشنهادات تهیه گردیده است. در این گزارش اهم مشکلات پیش رو تبیین و از داوطلبان ریاست جمهوری، ارائه برنامه های شفاف و مدون برای حل این مشکلات درخواست گردیده است.

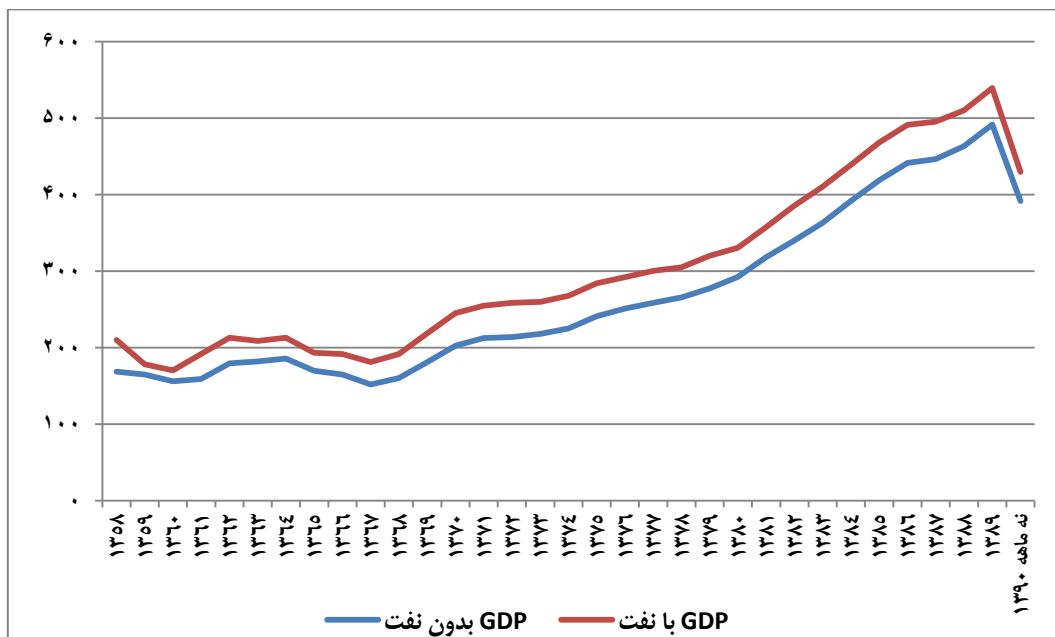
ارزیابی برنامه های اقتصادی کاندیداهای ریاست جمهوری برای سرفصل های ارائه شده توسط کارشناسان و خبرگان اقتصادی کشور، می تواند به عنوان قدم بعدی انجام گیرد تا عملی بودن وعده ها و برنامه های ارائه شده، مورد ارزیابی قرار گیرد. فرصت کنونی، مقطع زمانی بی نظیری برای ارتقای فرهنگ عمومی کشور در راستای ارزیابی عقلایی گفته های سیاست گذاران، یادگیری نقد علمی و مؤثر، اعتماد به تخصص و دانش و نقد برنامه ها و وعده های داوطلبان به جای پرداختن به هر مسأله دیگری است. امید است این گزارش به عنوان گامی مؤثر در تعامل میان اقتصاد و سیاست برای رفع معضلات اقتصادی باشد، تا در سایه تعامل سازنده میان فعالان اقتصادی و سیاست گذاران و مجریان دستگاه های اجرایی بتوان قدم هایی شایسته به سمت تحقق سند چشم انداز بیست ساله با راهبرد اقتصاد مقاومتی و بهره گیری از توان مردمی که مورد تأکید خاص مقام معظم رهبری است، برای حل مسائل برداشت.

بخش اول - تحلیل روندهای موجود

رشد اقتصادی

تولید ناخالص داخلی ایران به قیمت‌های ثابت همواره روبه افزایش بوده است. آمار سال ۱۳۹۰ مربوط به نه‌ماهه اول آن است، چنانچه نرخ رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۰ مثبت باشد، با اضافه شدن ارقام ارزش افزوده مرتبط با فصل آخر این سال، روند صعودی در تولید ناخالص داخلی در این سال نیز مشاهده خواهد شد (نمودار ۱).^۱

نمودار ۱- تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ (هزار میلیارد ریال)



منبع: آمارهای ملی و خلاصه تحولات اقتصادی ۱۳۹۰، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

مقایسه درآمد سرانه ایران با کشورهای منطقه نشان می‌دهد که کشورمان در زمینه درآمد سرانه در قیاس با سایر کشورهای منطقه (جز کشورهایی که هم‌اکنون درگیر جنگ و ناآرامی هستند) از جایگاه مناسبی برخوردار نیست (جدول ۱).

جدول ۱- مقایسه سرانه تولید ناخالص داخلی در ایران و برخی کشورهای منطقه (دلار).^۲

سال	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳
ایران	۴,۹۲۶.۵	*۵,۶۳۷.۹	۶,۵۹۸.۶	۷,۲۱۱.۲	۵,۵۶۷.۶
ترکیه	۸,۵۲۷.۶	۱۰,۰۱۷.۳	*۱۰,۴۷۱.۱	۱۰,۶۰۹.۲	۱۱,۲۳۶.۱
عربستان سعودی	۱۶,۰۹۵.۲	*۱۹,۱۱۳.۰	۲۳,۵۹۹.۱	۲۵,۰۸۴.۶	۲۵,۱۶۲.۵
امارات متحده عربی	*۵۱,۲۶۹.۹	۵۴,۴۱۱.۱	۶۳,۶۲۵.۷	۶۴,۸۴۰.۳	۶۴,۷۷۹.۹

^۱ طبق اظهارات کارشناسان منابع رسمی، عدد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۰ موجود است اما به علت محرمانه بودن به صورت رسمی منتشر نشده است.

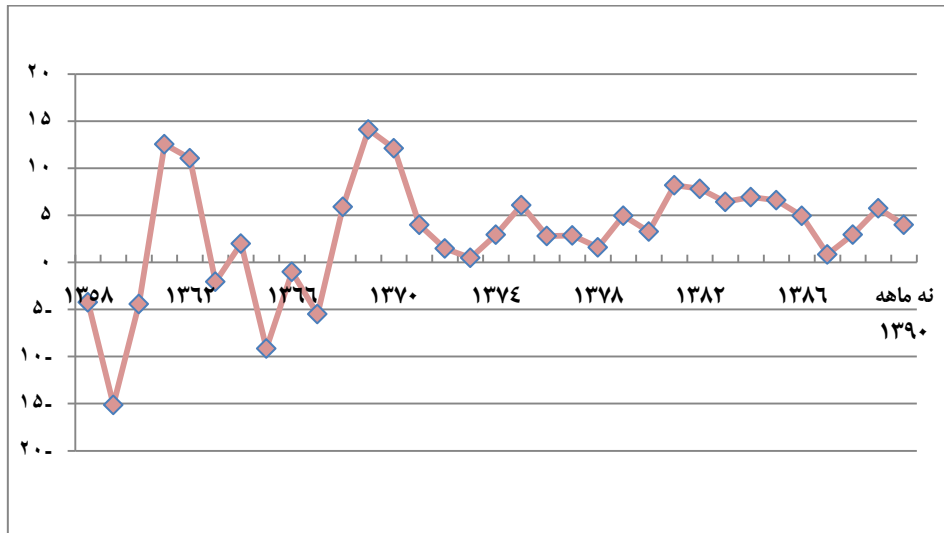
^۲ صندوق بین‌المللی پول

۴۴,۵۸۴.۸	۴۵,۸۲۴.۱	*۴۳,۷۲۲.۸	۳۳,۴۸۱.۲	۳۰,۴۰۹.۶	کویت
۲۴,۷۲۹.۱	۲۴,۷۶۴.۶	۲۳,۳۸۰.۰	۲۳,۳۵۰.۸	*۱۶,۷۳۳.۷	عمان
-	-	-	*۲,۸۰۲.۷	۲,۵۵۷.۳	سوریه
۳,۱۴۵.۶	۳,۱۱۱.۹	۲,۹۳۰.۱	*۲,۷۷۵.۸	۲,۴۵۲.۶	مصر

* از سالی که این علامت گذاشته شده است به بعد، ارقام پیش‌بینی هستند.

از سوی دیگر رشد اقتصادی کشور به‌خصوص در سال‌های اخیر با نوساناتی همراه بوده است. بر اساس اطلاعات بانک مرکزی، رشد اقتصادی ایران در سال‌های جنگ (۶۷-۱۳۵۹)، بجز سال‌های ۶۱، ۶۲ و ۶۴ عموماً منفی بوده است اما پس از سال ۶۷ در تمامی سال‌ها رشد اقتصادی مثبت را تجربه کرده‌ایم (نمودار ۲). در سال‌های ۷۳ و ۷۴ به‌علت اجرای سیاست تعدیل ساختاری، کشور در شرایط دشواری قرار داشت و در سال ۷۷ نیز شاهد افت شدیدی در قیمت نفت بودیم که متعاقب آن رشد اقتصادی کاهش یافت.

نمودار ۲- نرخ رشد اقتصادی (به قیمت پایه)



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

جدول ۲- نرخ رشد اقتصادی ایران طی سال‌های ۹۰-۱۳۵۸

سال	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹
نرخ رشد اقتصادی	-۴.۲	-۱۵.۱	-۴.۴	۱۲.۶	۱۱.۱	-۲.۰	۲.۰	-۹.۱	-۱.۰	-۵.۵	۵.۹	۱۴.۱
سال	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱
نرخ رشد اقتصادی	۱۲.۱	۴.۰	۱.۵	۰.۵	۲.۹	۶.۱	۲.۸	۲.۹	۱.۶	۵.۰	۳.۳	۸.۲
سال	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	نه ماهه ۱۳۹۰			
نرخ رشد اقتصادی	۷.۸	۶.۴	۶.۹	۶.۶	۵.۰	۰.۸	۳.۰	۵.۸	۴.۰			

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

با توجه به شرایط رکود تورمی که در سال‌های اخیر تجربه کرده‌ایم، برای دو سال اخیر که هنوز نرخ رشد اقتصادی آنها توسط منابع رسمی گزارش نشده است، بر اساس برآوردهایی که با استفاده از مدل‌های اقتصادسنجی وجود دارد^۱، رشد اقتصادی سال‌های ۹۱ و ۹۲ ارقامی منفی برآورد می‌شوند. همچنین بر اساس آخرین پیش‌بینی‌های صندوق بین‌المللی پول نیز^۲ نرخ رشد اقتصادی ایران در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ به ترتیب ارقامی معادل ۱,۸۸- درصد و ۱,۲۵- درصد خواهد بود (جدول ۳).

جدول ۳- رشد اقتصادی بر اساس آمارهای داخلی و بین‌المللی

منبع	شاخص	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	نه ماهه ۹۰
بانک مرکزی	رشد اقتصادی به قیمت ثابت ۷۶ با نفت (%)	۵,۰	۰,۸	۳,۰	۵,۸	۴
بانک مرکزی	رشد اقتصادی به قیمت ثابت ۷۶ بدون نفت (%)	۵,۴	۱,۲	۳,۷	۶,۱	۳,۸
منبع	شاخص	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳
صندوق بین‌المللی پول	رشد اقتصادی	۴,۰	۵,۹	۳,۰	۱,۹-	۱,۳-

حال این سؤال به وجود می‌آید که آیا وارد دوره‌ای از رشد منفی شده‌ایم یا وضعیت موجود، شرایطی گذرا است. شرایط گذرا در دنیا مسبوق به سابقه است. برای مثال در سال ۲۰۰۹ آمریکا و اکثر کشورهای اروپایی رشد اقتصادی منفی را تجربه کردند اما این یک دوره گذرا بود و از سال بعد، این کشورها رشد مثبت را تجربه نموده‌اند (جدول ۴).

جدول ۴- نرخ رشد اقتصادی در آمریکا و کشورهای مهم اروپایی^۲

کشور	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲*
آلمان	-۵,۱	۴,۰۲	۳,۰۹	۰,۸۶
فرانسه	-۳,۱	۱,۶	۱,۷	۰,۰۳
ایتالیا	-۵,۴	۱,۷	۰,۳۷	-۲,۳
هلند	-۳,۶	۱,۶	۱	-۰,۸۸
انگلستان	-۳,۹	۱,۷	۰,۹۱	۰,۱۶
امریکا	-۳,۰۶	۲,۴	۱,۸	۲,۲

*ارقام مربوط به سال ۲۰۱۲ برآورد هستند.

بر اساس آخرین پیش‌بینی‌های صندوق بین‌المللی پول، نرخ رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۱۴ مثبت و معادل با ۱,۰۹ درصد خواهد بود.

۱- با استناد به صحبت‌های دکتر مسعود نیلی، رئیس گروه اقتصاد دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف.

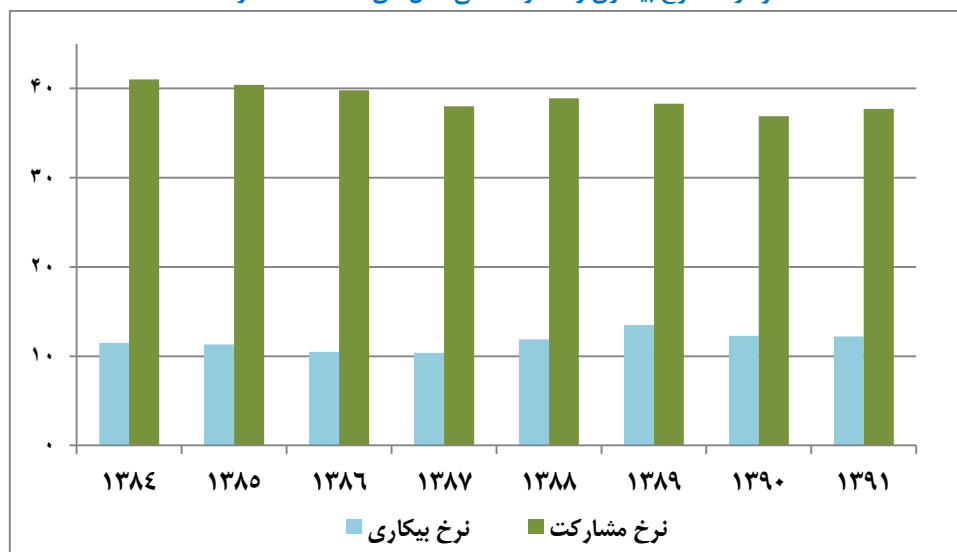
2-World Economic Outlook Database, April 2013

3- World Economic Outlook Database, April 2013

اشتغال

بیکاری و اشتغال از شاخص‌های اقتصادی هستند که به نوعی نشان‌دهنده عملکرد اقتصادی کشور هستند. ایجاد فرصت شغلی جدید مسأله‌ای نیست که سیاست‌گذار بتواند به‌طور مستقیم برای آن برنامه‌ریزی کند. هر فرصت شغلی بیان‌گر سرمایه‌گذاری و تولیدی است که در اقتصاد تحقق پیدا کرده است. بنابراین، وضعیت اشتغال و تا حدی بیکاری انعکاسی است از وضعیت اقتصادی کشور. نرخ بیکاری در ایران طی سال‌های ۹۱-۱۳۸۴ به‌طور متوسط ۱۱,۷ درصد بوده است. نکته جالب توجه این است که طی دوره زمانی مذکور، نرخ مشارکت اقتصادی کاهش یافته است (نمودار ۳).

نمودار ۳- نرخ بیکاری و مشارکت طی سال‌های ۹۱-۱۳۸۴ (درصد)



منبع: مرکز آمار ایران، نتایج طرح آمارگیری از ویژگی‌های اشتغال و بیکاری (۱۳۸۳-۱۳۷۶) و طرح آمارگیری نیروی کار (۱۳۸۴-۱۳۹۱)

جدول ۵- شاخص‌های نیروی کار (جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر)

شرح	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱
جمعیت فعال	-	-	۲۳.۶	۲۲.۹	۲۳.۸	۲۳.۹	۲۳.۴	۲۴.۱
جمعیت شاغل	-	-	۲۱.۱	۲۰.۵	۲۱	۲۰.۷	۲۰.۵	۲۱.۲
جمعیت بیکار	-	-	۲.۵	۲.۴	۲.۸	۳.۲	۲.۹	۲.۹
نرخ بیکاری (درصد)	۱۱.۵	۱۱.۳	۱۰.۵	۱۰.۴	۱۱.۹	۱۳.۵	۱۲.۳	۱۲.۲
نرخ مشارکت (درصد)	۴۱.۰	۴۰.۴	۳۹.۸	۳۸	۳۸.۹	۳۸.۳	۳۶.۹	۳۷.۷

منبع: نتایج آمارگیری نیروی کار مرکز آمار جمهوری اسلامی ایران در سال‌های مختلف

با بررسی نرخ بیکاری و مشارکت به تفکیک جنسیت ملاحظه می‌شود که طی سال‌های ۹۱-۱۳۸۴ علیرغم کاهش نرخ مشارکت زنان، نرخ بیکاری این دسته از افراد افزایش یافته است (جدول ۶).

جدول ۶- نرخ بیکاری و مشارکت به تفکیک جنسیت (۱۰ ساله و بیشتر)

شرح	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱
نرخ بیکاری زنان	۱۷.۱	۱۶.۲	۱۵.۸	۱۶.۷	۱۶.۸	۲۰.۵	۲۰.۹	۱۹.۹
نرخ مشارکت زنان	۱۷	۱۶.۴	۱۵.۶	۱۳.۶	۱۴.۵	۱۴.۱	۱۲.۶	۱۳.۸
نرخ بیکاری مردان	۱۰	۱۰	۹.۳	۹.۱	۱۰.۸	۱۱.۹	۱۰.۵	۱۰.۵
نرخ مشارکت مردان	۶۴.۷	۶۳.۹	۶۳.۵	۶۱.۹	۶۲.۸	۶۲.۱	۶۰.۷	۶۱.۶

منبع: نتایج آمارگیری نیروی کار مرکز آمار جمهوری اسلامی ایران در سال‌های مختلف

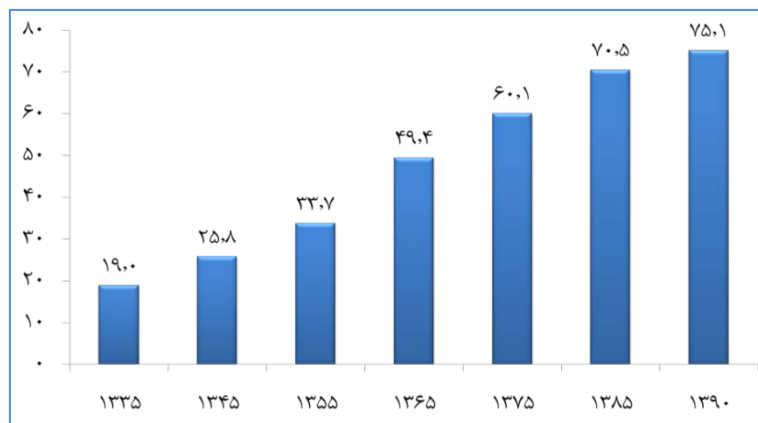
با مقایسه این آمارها چند ویژگی مشخص در بازار کار ایران قابل استخراج است. در خصوص جمعیت مردان این ویژگی مشاهده می‌شود که نرخ مشارکت، کاهش یافته و نرخ بیکاری آنان چندان تغییری نکرده است. در خصوص جمعیت زنان، نرخ مشارکت آنها در قیاس با مردان و نیز در مقایسه با میانگین نرخ مشارکت زنان در دنیا و خاورمیانه پایین است (جدول ۷). بر اساس آمار ILO^۱ در سال ۲۰۱۰ این نرخ در ایران، خاورمیانه و دنیا به ترتیب ۱۴.۱، ۱۸.۱ و ۵۱.۲ درصد بوده است. همچنین زنان در ایران با وجود نرخ مشارکت پایین، نرخ بیکاری بالایی دارند. با توجه به آمارهای جدول فوق، کاهش نرخ مشارکت در ایران طی سال‌های ۹۱-۱۳۸۴ بیشتر متأثر از کاهش نرخ مشارکت زنان می‌باشد.

 جدول ۷- نرخ بیکاری و مشارکت زنان در دنیا و خاورمیانه^۲

شرح	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲
نرخ بیکاری زنان در دنیا	۶.۵	۶.۱	۵.۷	۵.۸	۶.۴	۶.۳	۶.۲	۶.۲
نرخ بیکاری زنان در خاورمیانه	۱۹.۰	۱۸.۹	۱۸.۲	۱۸.۶	۱۸.۴	۱۹.۷	۱۹.۵	۱۹.۳
نرخ مشارکت زنان در دنیا	۵۲.۴	۵۲.۲	۵۲.۰	۵۱.۷	۵۱.۴	۵۱.۲	۵۱.۱	۵۱.۱
نرخ مشارکت زنان در خاورمیانه	۱۹.۰	۱۸.۷	۱۸.۵	۱۷.۷	۱۷.۸	۱۸.۱	۱۸.۴	۱۸.۷

آمارهای سال ۲۰۱۲ برآوردهای اولیه هستند.

نمودار ۴- جمعیت کشور بر اساس سرشماری‌ها (میلیون نفر)

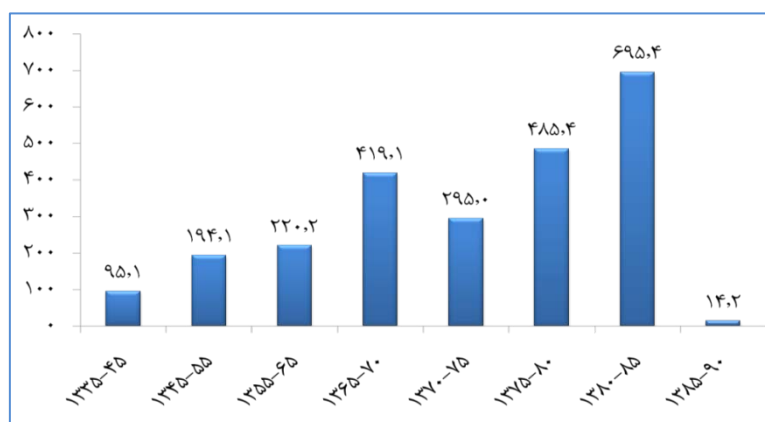


منبع: نتایج سرشماری نفوس و مسکن، مرکز آمار ایران

در دهه ۶۰ انفجار جمعیتی رخ داد که موجب شد طی دهه‌های ۶۵، ۷۵ و ۸۵ جمعیت فواصل سنی ۴-۰، ۱۴-۱۰ و ۲۴-۲۰ ساله با افزایش قابل توجهی مواجه شود (نمودار ۴). این تحولات جمعیتی نیازهای مختلفی را به صورت جهشی مطرح می‌کرد که دربرگیرنده برنامه‌ریزی در حوزه‌های تغذیه و آموزش کودک تا برنامه‌ریزی‌های بعدی نظیر ایجاد اشتغال و توسعه آموزش عالی می‌شد. از آنجایی که اوج جمعیتی ۲۴-۲۰ ساله مقارن با سال‌های برنامه سوم بود، برنامه‌ریزی‌های لازم در راستای ایجاد متوسط سالانه ۷۵۰ هزار شغل صورت گرفت تا پاسخگوی نیازهای شغلی این موج جمعیتی باشد.

همان‌طور که در نمودار ۵ مشاهده می‌شود طی سال‌های ۸۵-۱۳۶۵ به بعد در هر فاصله زمانی ۵ ساله چیزی در حدود ۴۰۰ هزار شغل ایجاد شده است. این در حالی است که طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ و درست در بازه زمانی که اوج جمعیت به سن اشتغال رسیده است، خالص اشتغال بسیار ناچیز (سالانه ۱۴ هزار شغل) بوده است. این امر پدیده نادری در اقتصاد کشور محسوب می‌شود که در زمان بسیار نامناسبی اتفاق افتاده است.

نمودار ۵- متوسط افزایش سالانه شاغلین کل کشور در دوره‌های مختلف - هزار نفر



منبع: نتایج سرشماری نفوس و مسکن، مرکز آمار ایران

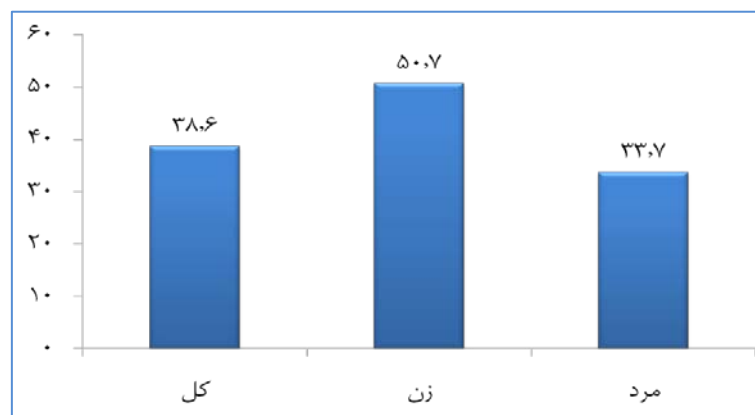
با نگاهی به وضعیت درآمدهای ارزی در جدول ۸ مشاهده می‌شود در دوره‌ای که منابع درآمدی بالایی داشته‌ایم این میزان ناچیز اشتغال‌زایی در کشور به‌وجود آمده است.

جدول ۸- درآمدهای ارزی حاصل از صادرات کالا و خدمات به قیمت ثابت سال ۹۰ (میلیارد دلار)

متوسط درآمد ارزی سالانه	درآمد ارزی کل دوره	دوره‌های زمانی
۵۲,۶	۱۰۰۰	۱۳۳۸-۵۶
۴۷,۳	۵۲۰	۱۳۵۷-۶۷
۳۴,۴	۵۵۱	۱۳۶۸-۸۳
۱۰۷,۱	۷۵۰	۱۳۸۴-۹۰

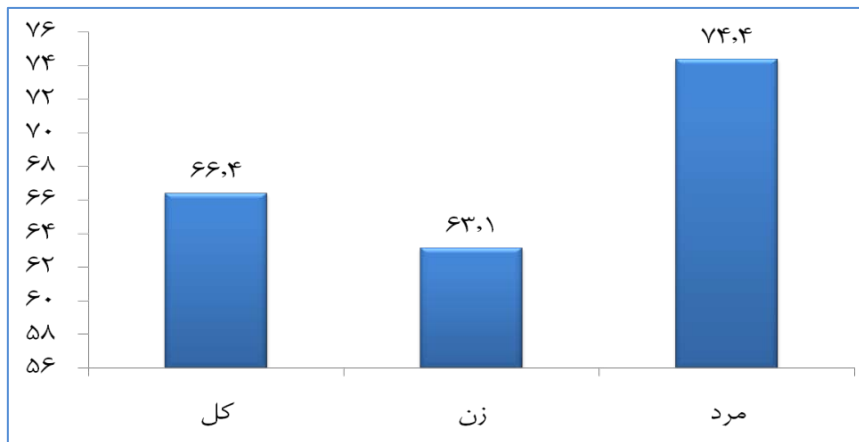
با بررسی آمار بیکاری بلندمدت مشاهده می‌شود که، در مورد زنان بیش از ۵۰ درصد و در مورد مردان حدود ۳۴ درصد از بیکاری، بیکاری بیش از ۱۲ ماه بوده است. این در حالیست که در کشورهای صنعتی بیکاری از نوع ۳-۶ ماه است و دائماً جمعیت بیکار در حال تغییر است اما در ایران عمده بیکاری از نوع بلند مدت است. همچنین مطابق نمودار ۷ مشاهده می‌شود که سهم بیشتر بیکاری بلندمدت در ایران به جمعیت جوان تعلق دارد که این مشکل بزرگی برای نیروی کار جوان ایران به حساب می‌آید.

نمودار ۶- سهم بیکارانی که بیش از یک سال بیکار بوده اند از کل بیکاران



منبع: نتایج طرح آمارگیری نیروی کار، مرکز آمار ایران

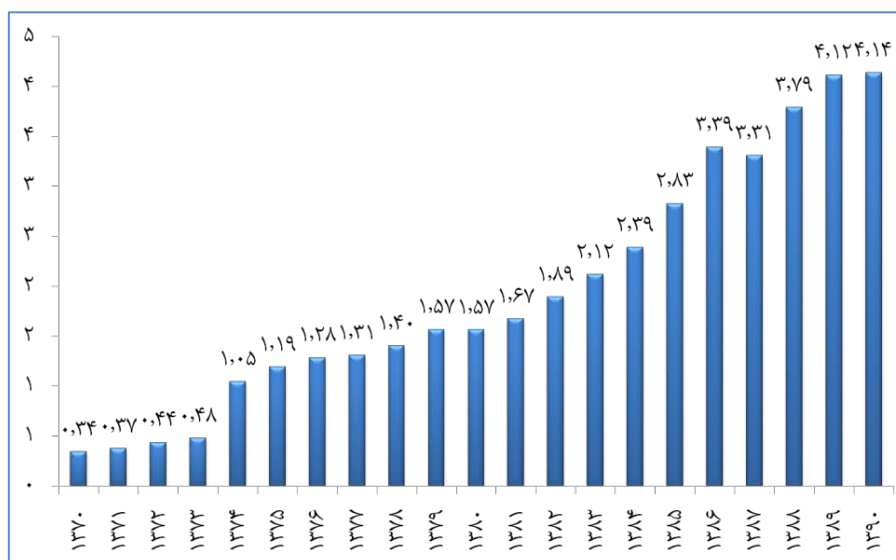
نمودار ۷- سهم جوانان بیکار (۱۵ تا ۲۹ سال) از کل بیکارانی که بیش از یک سال بیکار بوده اند



منبع: نتایج طرح آمارگیری نیروی کار، مرکز آمار ایران

با بررسی تعداد دانشجویان کشور در سال‌های مختلف ویژگی دیگر بازار کار ایران مشخص می‌گردد. به دنبال توسعه آموزش عالی توسط دولت، بخش قابل توجهی از جمعیت دیپلمه کشور به جای پیوستن به بازار کار تصمیم گرفته‌اند ورود خود به بازار کار را به تعویق انداخته و وارد آموزش عالی (دولتی و غیر دولتی) شوند که اگر این افراد نیز وارد بازار کار می‌شدند نرخ بیکاری افزایش می‌یافت (نمودار ۸). این در حالی است که در سال‌های گذشته حدود ۲۰-۱۵ درصد از افراد دیپلمه وارد دانشگاه‌ها و مابقی وارد بازار کار شدند. بنابراین انتظار می‌رفت که بخش عمده جمعیت در سن ۲۴-۲۰ ساله وارد بازار کار شود در حالی که توسعه آموزش عالی و شرایط نامساعد بازار کار در سال‌های اخیر موجب شده است که این بخش عمده وارد آموزش عالی شوند. با مقایسه تعداد دانشجو در ایران و سایر کشورهای دنیا ملاحظه می‌شود که تعداد دانشجو در ۱۰۰ هزار نفر جمعیت در سال ۲۰۱۰ برای ایران، ۵۲۰۰ نفر بوده است در حالیکه در ترکیه ۴۱۰۰ نفر، در مصر ۳۳۰۰ نفر، در برزیل ۳۱۰۰ و انگلستان ۳۹۰۰ بوده است.

نمودار ۸- تعداد دانشجویان کشور- میلیون نفر



منبع: آمارهای موضوعی مرکز آمار ایران

بنابراین ویژگی دیگر اقتصاد ایران تعداد بالای دانشجویان آن است که امری غیر طبیعی است. ضمن اینکه تحصیلاتی که در کشور توسعه پیدا کرده، مهارت شغلی ایجاد نمی‌کند و فقط سن ورود به بازار کار را به تعویق انداخته و جمعیتی را با انتظار استخدام در مشاغل دولتی ایجاد می‌کند. چراکه بخش خصوصی با ساختار تکنولوژی موجود، متقاضی نیروی کار تحصیل کرده نیست بلکه متقاضی نیروی کار ماهر است و افراد تحصیل کرده در ایران عمدتاً جذب بخش دولتی شده‌اند. اما با توجه به فشارهای مالی که دولت در آینده با آن مواجه خواهد شد امکان توسعه نیروی انسانی خود را نخواهد داشت و عدم تناسب میان عرضه و تقاضای نیروی کار تشدید خواهد شد. یعنی ویژگی ساختار عرضه بازار کار به سمت عرضه نیروی کار جوان و تحصیل کرده است که اکنون طرف تقاضای بازار کار به این سمت حرکت نمی‌کند. برآورد کارشناسان نشان می‌دهد که با احتساب فارغ التحصیلان دانشگاه و گروه غیرفعال که دارای تحصیلات دانشگاهی نبوده ولی پتانسیل ورود را دارند، در سال‌های آینده رقمی در حدود ۵,۵ میلیون تا ۸ میلیون نفر وارد بازار کار خواهند شد.

نکته مهم دیگر این است که تعداد شاغلین کشور به تعداد خانوارها بسیار نزدیک است (تعداد خانوارها اندکی بیشتر است). در ایران بعد خانوار به طور متوسط حدود ۳,۸ است. به این معنی که در کشور ما هر نفر به طور متوسط نان آور ۳,۸ نفر است. این در حالی است که در خاورمیانه و دنیا به ترتیب هر نفر ۲,۴ و ۱,۷ نفر را تأمین می‌کند. بنابراین مسأله اشتغال‌زایی و سیاست‌گذاری در حوزه اشتغال در کشور علاوه بر اهمیت اقتصادی از ابعاد سیاسی و اجتماعی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین باید چاره‌ای جدی برای اشتغال‌زایی در کشور اندیشید که با توجه به محدودیت‌های مالی پیش روی دولت آینده، اشتغال‌زایی برای این جمعیت عظیم نیازمند بسترسازی برای ایفای نقش پررنگ بخش خصوصی در اقتصاد جهت افزایش تولید و اشتغال می‌باشد.

نقدینگی و تورم

از سال ۸۸ به بعد، نرخ تورم مرتب رو به افزایش بوده است که روند آن بر اساس سال پایه ۸۳ در نمودار ۹ نشان داده شده است.^۱ همچنین اوایل سال ۱۳۹۲، سال پایه مرتبط با محاسبات تورم در بانک مرکزی از ۸۳ به ۹۰ تغییر نمود و بر اساس سال پایه جدید، نرخ تورم سال ۱۳۹۱، ۳۰٫۵ درصد اعلام گردید. نکته قابل توجه اینکه بر اساس آمار منتشرشده در گزارش "چشم‌انداز اقتصاد جهانی"^۲ صندوق بین‌المللی پول منتشرشده در آوریل ۲۰۱۳، در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ ایران به‌لحاظ تورم رتبه چهارم در دنیا را داشته است. در سال ۲۰۱۱ ایران به‌لحاظ تورم پس از کشورهای بلاروس، اتیوپی و ونزوئلا قرار گرفته و در سال ۲۰۱۲ نیز پس از کشورهای بلاروس، سودان جنوبی و سودان رتبه چهارم در دنیا را به خود اختصاص داده است (جدول ۹). بنابراین در خصوص تورم سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا این تورم‌های بالا در ایران ماندگار است یا وضعیت کشورمان در زمینه این متغیر اقتصادی در آینده بهبود خواهد یافت. بر اساس پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول، ایران در سال ۲۰۱۳ پس از سودان و ونزوئلا سومین کشور در زمینه تورم در دنیا را خواهد داشت.^۳

جدول ۹- رتبه و نرخ تورم در کشورهای دارنده بدترین وضعیت تورم^۴

سال	۲۰۱۱		۲۰۱۲		پیش‌بینی ۲۰۱۳	
	رتبه در دنیا	نرخ تورم (%)	رتبه در دنیا	نرخ تورم (%)	رتبه در دنیا	نرخ تورم (%)
سودان جنوبی	-	-	۲	۴۵٫۰۸	۶	۱۵٫۵۳
بلاروس	۱	۵۳٫۲۳	۱	۵۹٫۲۲	۴	۲۰٫۵
اتیوپی	۲	۳۳٫۲۳	۵	۲۲٫۷۵	۲۶	۸٫۲۸
ونزوئلا	۳	۲۶٫۰۹	۷	۲۱٫۰۷	۲	۲۷٫۳۴
ایران	۴	۲۱٫۴۸	۴	۳۰٫۶	۳	۲۷٫۲
سودان	۱۰	۱۸٫۰۹	۳	۳۵٫۵۵	۱	۲۸٫۴۴

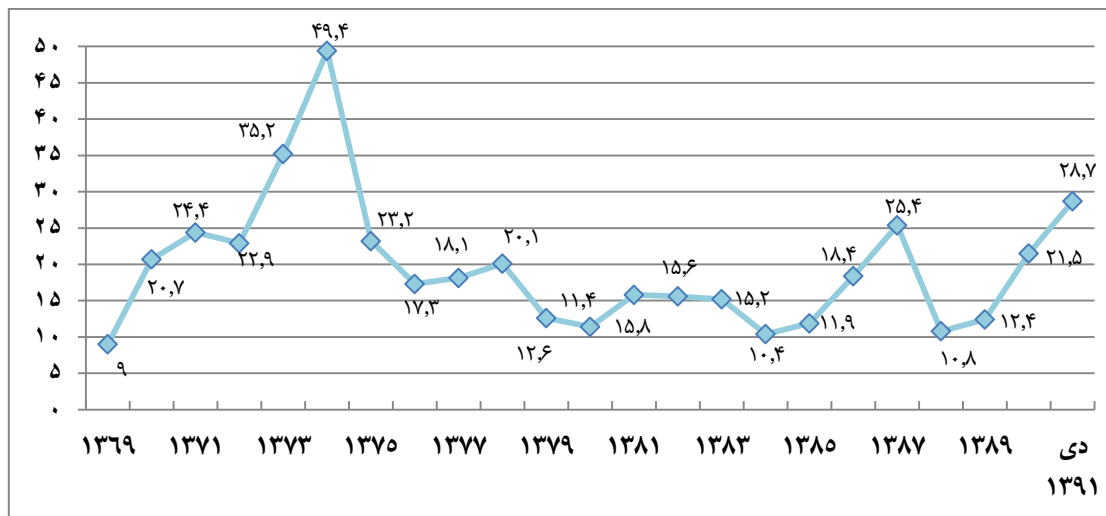
۱- مرکز آمار ایران نرخ تورم سال ۱۳۹۱ را بر اساس سال پایه ۱۳۸۱، ۳۱٫۵ درصد اعلام کرده است. همچنین با توجه به تغییر سال پایه در این مرکز به سال ۱۳۹۰، نرخ تورم سال ۱۳۹۱ بر اساس سال پایه جدید معادل با ۳۲٫۵۴ درصد است.

2- World Economic Outlook Database. April 2013

۳- آمار کشور سوریه به‌علت در دسترس نبودن اطلاعات، در سایت صندوق بین‌المللی پول قرار نگرفته است.

4- World Economic Outlook Database, April 2013

نمودار ۹- روند تغییرات نرخ تورم (سال پایه = ۱۳۸۳)



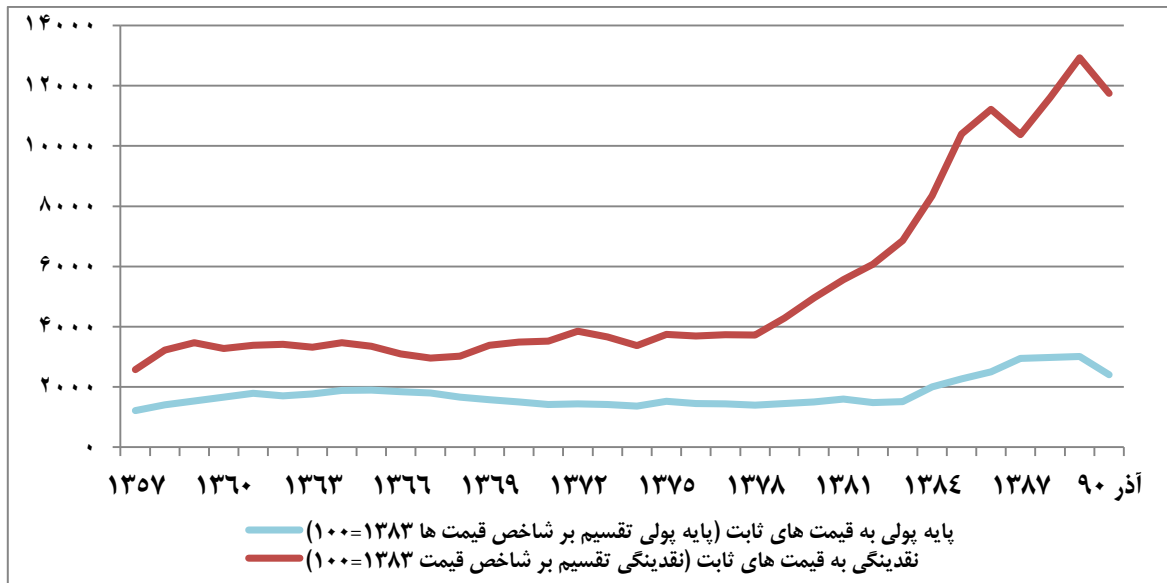
منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

با مشاهده آمار مربوط به نقدینگی ملاحظه می‌شود که طی دوره ۹۱-۱۳۸۴ این متغیر اقتصادی رشد قابل ملاحظه‌ای را تجربه نموده است. به طوری که بر اساس آمارهای بانک مرکزی، نقدینگی به قیمت جاری در این دوره زمانی ۵ برابر شده (در فاصله سال ۱۳۸۴ تا پایان نهمه اول سال ۱۳۹۱، نقدینگی به قیمت ثابت، ۱٫۵ برابر شده است) و از ۹۲۱ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۸۴ به ۴۶۴۰ هزار میلیارد ریال در پایان سال ۱۳۹۱ رسیده است. این میزان افزایش نقدینگی طی ۷ سال پدیده‌ای در اقتصاد ایران محسوب می‌شود.

در نمودار ۱۰، نقدینگی به قیمت ثابت مشاهده می‌شود. در فاصله زمانی سال‌های ۸۰-۱۳۵۷ روند نقدینگی تقریباً خطی افقی است. این به آن معنا است که در فاصله زمانی ذکر شده آهنگ رشد نقدینگی و تورم تقریباً برابر بوده است. اما همان‌طور که در نمودار ملاحظه می‌شود در دو بازه زمانی یعنی شوک‌های اول^۱ و دوم نفتی (در سال‌های اخیر)، روند تغییرات نقدینگی به قیمت‌های ثابت افزایشی بوده و دیگر به صورت خط افقی نیست یعنی در این دو دوره سرعت رشد نقدینگی از تورم بیشتر یا نرخ رشد تورم کمتر از آهنگ رشد نقدینگی بوده است. علت این امر نیز کنترل تورم از طریق واردات بوده است. به عبارت دیگر علیرغم رشد نقدینگی، از طریق افزایش قابل توجه حجم واردات، تورم بخش قابل توجهی از کالاهای کشور، تورم وارداتی (که نرخ پایینی داشته است) بوده که این امر سبب کاهش نرخ کلی تورم شده است. به عبارت دیگر بخشی از نقدینگی به سوی بازار مسکن و بازارهای مشابه روان شده است.

۱- شوک اول نفتی مربوط به سال ۱۳۵۲ است که در آن چهارمین جنگ اعراب و اسرائیل، در فاصله سال‌های ۷۴-۱۹۷۲ قیمت نفت بیش از پنج برابر شد و از ۱٫۹ دلار به ۱۰٫۴۱ دلار رسید.

نمودار ۱۰- نقدینگی و پایه پولی به قیمت ثابت سال ۱۳۸۳ (میلیارد ریال)



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

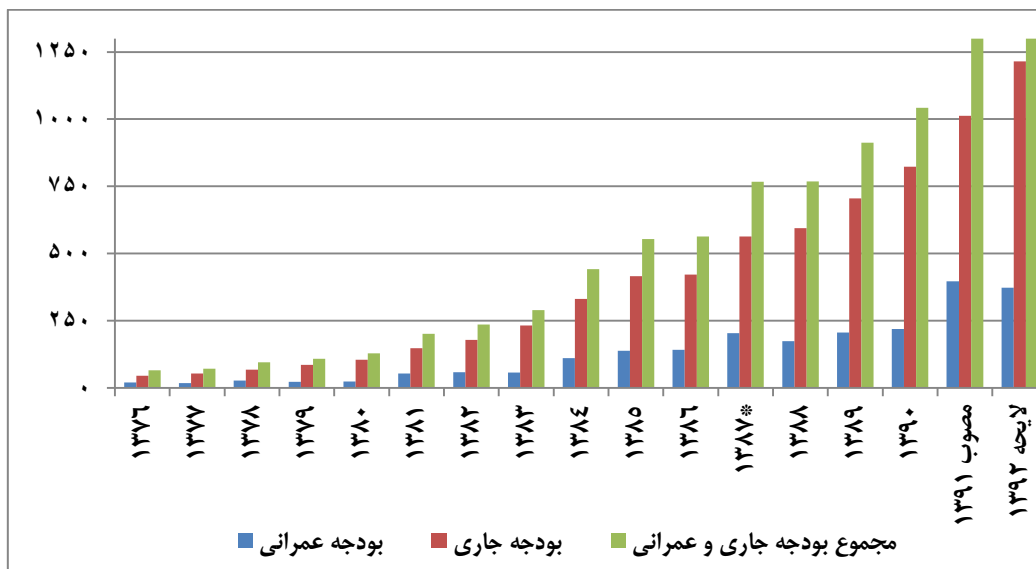
در حال حاضر با جهش قابل توجه نرخ ارز در قیاس با گذشته، این افزایش در سطح عمومی قیمت ها انعکاس می یابد و نتیجتاً شاخص نقدینگی به قیمت های ثابت کاهش خواهد یافت و به سطوح قبلی بازخواهد گشت. به عبارت دیگر انباشتی از تورم در اقتصاد وجود دارد که این انباشت، همزمان با افزایش نرخ ارز به تدریج آزاد می شود و پدیده ای را رقم می زند که ظرف یک سال گذشته شاهد آن بوده ایم. در مدت یک سال گذشته قیمت بخش عمده ای از کالاها و خدمات افزایش چشمگیری داشته که این امر به علت تورم انباشته شده در این فاصله زمانی بوده است.

تورم آثاری منفی بر اشتغال و رشد اقتصادی دارد چراکه همان گونه که در سال های اخیر و در حین اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها شاهد بوده ایم، معمولاً دولت در مواجهه با تورم، بنگاه ها را مقصر می داند و از طریق قیمت گذاری و کنترل قیمت به این بنگاه ها فشار می آورد. این امر سبب می شود بنگاه ها که اتفاقاً می بایست در این شرایط از طریق تقویت تولید اثر تورم را تعدیل کنند در تنگنا قرار گرفته و مشکلاتشان دوچندان شود که این امر اثری منفی بر روی سرمایه گذاری دارد.

بودجه عمومی

بودجه عمومی کشور در چند مقطع رشد بالایی را تجربه کرده است. یکسان سازی نرخ ارز در سال های ۷۲ و ۸۱ جهش هایی در ارقام بودجه ایجاد کرد که علت محاسباتی داشت و به دلیل تغییر در مبنای بودجه ایجاد شد. اما طی سال های ۸۴-۸۵ و ۸۶-۸۵ افزایش بودجه جاری و عمرانی شدت گرفته است (نمودار ۱۱).

نمودار ۱۱- ارقام عملکرد بودجه طی سال های ۹۰-۱۳۷۶ (هزار میلیارد ریال)

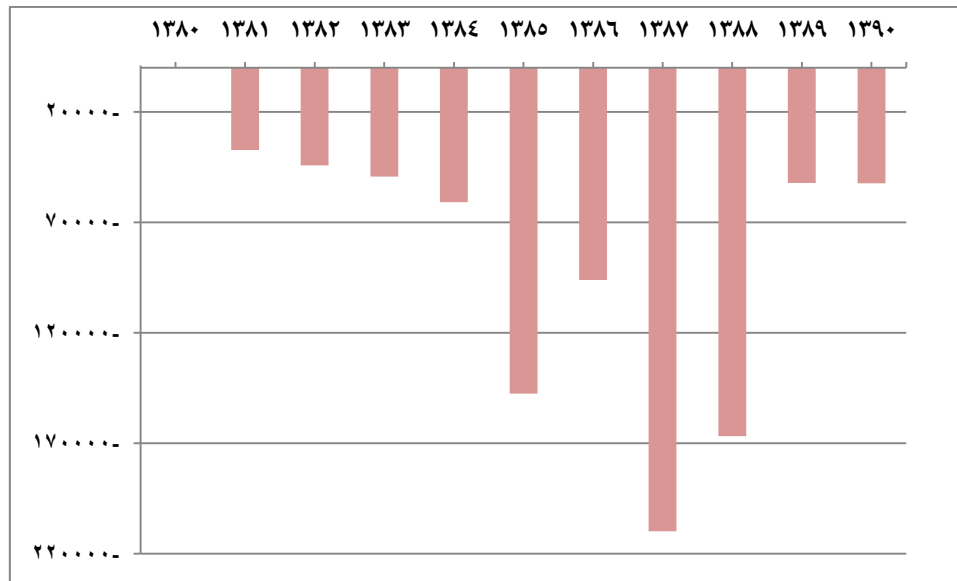


منبع: گزارش " بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۹۱، فصل طرح های تملک دارایی های سرمایه ای، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی و گزارش "ارزیابی لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ از منظر بخش خصوصی"، اتاق ایران

نتیجه این افزایش در بودجه، افزایش تعهدات دولت بوده است که عمدتاً با اتکاء به درآمدهای نفت رخ داده است چراکه طی سال های اخیر همواره با کسری بودجه مواجه بوده ایم.^۱ نکته اصلی و مهم در مورد بودجه این است که با توجه با افزایش قابل توجه تعهدات دولت با اتکا به درآمدهای نفتی و کاهش یکباره این درآمدها، نقشی که دولت از طریق بودجه در اقتصاد می تواند ایفا کند به شدت دچار تغییر شده است و دولت در آینده میان مدت به لحاظ مالی بسیار ضعیف خواهد بود. این ضعف به ویژه خود را در محدودیت جدی مالی در هزینه های عمرانی نشان خواهد داد که به این ترتیب، نقش مستقیم دولت در ایجاد اشتغال ناچیز خواهد بود. در نمودار ۱۲ روند کسری بودجه در سال های اخیر قابل مشاهده است.

۱- بر اساس گزارش "ارزیابی لایحه بودجه ۱۳۹۲ از منظر بخش خصوصی" بودجه دولت در ده ماهه سال ۱۳۹۱، ۵۰ درصد کسری داشته است.

نمودار ۱۲- کسری بودجه دولت طی دوره ۹۲-۱۳۸۴ (میلیارد ریال)



منبع: ارزیابی لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ از منظر بخش خصوصی، اتاق ایران

انعکاس افزایش تعهدات دولت را در برخی آمارهای اقتصادی می‌توان ملاحظه نمود. برخی از این تعهدات شامل بدهی دولت به سیستم بانکی و بدهی به پیمانکاران بخش خصوصی است. بدهی دولت به سیستم بانکی از دو جزء تشکیل شده است. اول، بدهی آن به بانک مرکزی است که در قالب خطوط اعتباری متبلور می‌شود و جزء دوم، بدهی دولت به بقیه سیستم بانکی است که عمدتاً شامل بدهی بابت انتشار اوراق مشارکت است.^۱ با توجه به نمودار ۱۳ رقم مانده بدهی دولت به سیستم بانکی از سال ۸۴ رشد شتابانی (نمایی) داشته است.

بیشترین بدهی دولت به بخش خصوصی شامل بدهی دولت به پیمانکاران در حوزه صنعت ساخت و احداث بوده است. در مرحله بعد بدهی دولت به پیمانکاران بخش خصوصی در حوزه انرژی که متولی آن وزارت نیرو است، قرار دارد.^۲ تا به حال هیچ گونه آمار رسمی و مستندی از سوی دو طرف در خصوص بدهی دولت به پیمانکاران بخش خصوصی ارائه نشده است و میان ارقام موجود نیز اختلافات فاحش وجود دارد که یکی از دلایل آن محاسبه مبلغ دیرکرد پروژه‌ها بر اساس نرخ روزشمار رسمی بانک‌های کشور از جانب بخش

۱- بدهی دولت به سیستم بانکی (جز بانک مرکزی) علاوه بر اقلام مربوط به انتشار اوراق مشارکت شامل اضافه برداشت از حساب و سایر بدهی‌های دولت به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی است.

۲- "ارزیابی لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ از منظر بخش خصوصی"، اتاق ایران، اسفند ۱۳۹۱:

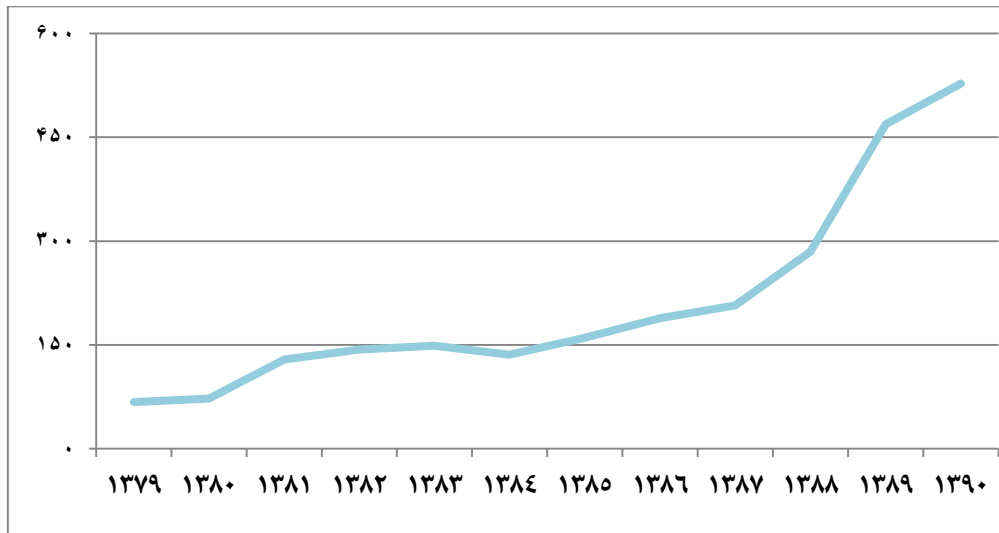
بر اساس برآوردهای اعلام شده از جوامع صنفی بخش خصوصی، بدهی‌های معوق وزارت نیرو به پیمانکاران و مشاوران خصوصی بیش از ۵۵ هزار میلیارد تومان است.

محمدی، میلاد، "دولت هزینه‌ها"، صفحه ۶۹، تجارت فردا، شماره ۳۹:

هر چند آمار دقیقی در خصوص بدهی دولت به فعالان بخش خصوصی اعلام نشده است اما بنا به اظهارات دبیر کل کانون نهادهای سرمایه گذاری ایران (در اوایل اردیبهشت ماه ۹۲)، دولت مبلغی در حدود ۲۰۰ هزار میلیارد تومان به بخش خصوصی بدهکار است.

خصوصی است که به طور کلی دولت این امر را نمی پذیرد. این در حالی است که بدهی های بخش خصوصی به بانک ها و سازمان امور مالیاتی با گذشت زمان مشمول جریمه دیرکرد می شود.

نمودار ۱۳- مانده بدهی دولت به سیستم بانکی طی سال های ۹۰-۱۳۷۹ (هزار میلیارد ریال)



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

اما شرایط خاص کشور به لحاظ قرار گرفتن در وضعیت رکود تورمی و همچنین تشدید تحریم های نفتی، تجاری و بانکی کشورهای غربی موجب شده که چالش های بزرگی در مسیر رشد و توسعه اقتصادی ایران قرار گیرد. در این شرایط و نظر به اهمیتی که متوجه حمایت از تولید در شرایط حساس کنونی است، انتظار فعالان خصوصی و مردم اینست که در سیاست گذاری های جاری و آتی و در برنامه های دولت از جمله در بودجه سال ۱۳۹۲ سیاست های دولت برای مقابله با تهدیدهای اقتصادی و حمایت از تولید و اشتغال بازتاب یابد. یکی از راه های حمایت از تولید و اشتغال، افزایش اعتبارات عمرانی است. اما مطابق گزارش ها و برآوردهای کارشناسی از ۳۹۷ هزار میلیارد ریال بودجه عمرانی مصوب سال ۹۱، دولت تنها توانسته است حدود ۱۵۰ هزار میلیارد ریال از این اعتبارات را خرج نماید. در لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ نیز رقم در نظر گرفته شده برای اعتبارات عمرانی هرچند ۳,۷ برابر اعتبارات جذب شده سال ۱۳۹۱ (۳۷۳ هزار میلیارد ریال) در نظر گرفته شده است. با این حال تحقق این میزان بودجه عمرانی در سال جاری با توجه به محدودیت جدی درآمدهای نفت ناشی از تحریم های نفتی، بعید به نظر می رسد که این امر اثری منفی بر تولید و اشتغال خواهد گذاشت. از طرف دیگر رقم بودجه جاری نیز پاسخ گوی نیازهای مرتبط با آموزش، سلامت و امنیت نیست. بنابراین از آنجایی که نقش دولت در تحقق رشد اقتصادی از مسیرهای یاد شده است، باید در راستای حل این مشکلات گام برداشت.

یکی از آثار تلاطم‌های ارزی، کاهش رشد اقتصادی است. با توجه به اینکه در کشورمان ارزش پول ملی به حدود یک سوم مقدار اولیه خود رسیده، آثار این افزایش ارز بسیار قابل توجه است. در خصوص نحوه اثرگذاری تلاطم‌های ارزی بر رشد اقتصادی باید گفت که تلاطم‌های ارزی اخیر، اثر نامساعدی بر محیط کسب و کار داشته و به شدت بر بی‌ثباتی‌های آن دامن زده است. پس از مسأله تحریم‌ها که دسترسی به ارز را دشوار ساخته است، مسأله سهمیه‌بندی ارز و تخصیص آن به اولویت‌های وارداتی و اشکالات وارد بر آن از نظر حوزه‌های تعیین اولویت‌های ارزی، تعیین میزان ارز مورد نیاز هر گروه و نحوه تخصیص آن موجبات سردرگمی و نارضایتی بسیاری را برای فعالان اقتصادی فراهم کرده است.

در مجموع مشکلاتی نظیر افزایش بی‌رویه و نوسانات شدید نرخ ارز و همچنین مشکلات تأمین ارز جهت تهیه مواد اولیه کارخانجات، اولویت‌های ده‌گانه ارزی، کمبود ارز در مرکز مبادلات و طولانی بودن روند دریافت ارز از این مرکز - که واحدهای تولیدی را ناگزیر می‌نماید که ارز مورد نیاز خود را از بازار آزاد تهیه نمایند - از مشکلاتی است که نوسانات ارزی بر واحدهای تولیدی تحمیل کرده است. همچنین این واحدها بنا به اجبار بانک‌ها در هنگام گشایش اعتبارات اسنادی، به جای پرداخت ۱۰ درصد علاوه بر کل مبلغ اعتبار ناگزیر از پرداخت حدود ۳۰ درصد بیشتر از مبلغ اعتبار (۱۵ درصد پیش‌دریافت و ۱۵ درصد به‌صورت میان-پرداخت) هستند که این امر نیاز آنان به نقدینگی را ۱,۳ برابر بالا می‌برد. مشکلات ذکرشده همگی با هم سبب ایجاد موانع مؤثری در محیط کسب و کار کشور شده‌اند که رفع آنها توجه و برنامه‌ریزی جدی سیاست‌گذاران را می‌طلبد.

یارانه‌ها و اصلاح قیمت انرژی

در دی‌ماه ۱۳۸۹، اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها آغاز شد. به عقیده کارشناسان، اصلاح قیمت انرژی در غیاب ثبات اقتصادی و مهار تورم دو رقمی، موجب وارد شدن شوک قیمتی به اقتصاد می‌شود که این امر نیز به‌نوبه خود افزایش نرخ اسمی ارز را در پی دارد. افزایش نرخ اسمی ارز، مجدداً شکاف میان قیمت داخلی و منطقه‌ای انرژی را افزایش داده و نتیجتاً هدف اصلاح قیمت انرژی بر اساس قیمت‌های فوب منطقه‌ای محقق نخواهد شد. در طول اجرای مرحله اول قانون هدفمندکردن یارانه‌ها به‌علت بی‌توجهی به این امر بدیهی، علیرغم افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و تشدید وضعیت رکودی که طی چند سال اخیر اقتصاد ایران با آن مواجه بوده، از طریق تنزل ارزش پول داخلی به یک‌سوم ارزش سابق، فاصله قیمت حامل‌های انرژی در داخل و منطقه همچنان حفظ شده و اکنون سخن از اجرای فاز دوم این قانون در میان است.

در حین اجرای قانون نیز که هدف آن اصلاح قیمت‌های نسبی در راستای تخصیص کارا تر عوامل تولید بود عملاً به دست فراموشی سپرده شد و دولت عمده توجه خود را بر توزیع یارانه نقدی خانوار معطوف نمود. مطابق قانون در نظر گرفته شده بود که منابع حاصل از اصلاح قیمت انرژی به بخش‌های خانوار و دولت به ترتیب ۵۰ درصد و ۲۰ درصد تعلق گیرد و همچنین به‌منظور حمایت از تولید جهت اصلاح ساختار تکنولوژی و جبران برخی ضررهای وارده از طریق اجرای قانون بر این بخش، ۳۰٪ به بخش تولید اختصاص یابد.

جدول ۱۰- مقایسه توزیع عایدات حاصل از اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها، مطابق قانون مصوب و لایحه بودجه ۱۳۹۲

سهم بخش‌های مختلف در سال ۱۳۹۲، مطابق بودجه مصوب ۱۳۹۲		سهم بخش‌های مختلف در سال ۱۳۹۲، مطابق قانون هدفمندسازی یارانه‌ها		سهم بخش‌های مختلف در سال ۱۳۹۱، مطابق بودجه مصوب ۱۳۹۱		سهم بخش‌های مختلف در سال ۱۳۹۰، مطابق بودجه مصوب ۱۳۹۰		شرح
مبلغ (هزار میلیارد ریال)	سهم (درصد)	مبلغ (هزار میلیارد ریال)	سهم (درصد)	مبلغ (هزار میلیارد ریال)	سهم (درصد)	مبلغ (هزار میلیارد ریال)	سهم (درصد)	
۴۱۰	۸۲	۶۰۰	۵۰	۴۸۰	۷۳	۴۴۰	۸۱	خانوارها
۴۰	۸	۳۶۰	۳۰	۱۰۰	۱۵	۱۰۰	۱۹	بخش تولید
-	-	۲۴۰	۲۰	۸۰	۱۲	-	-	دولت
۵۰	۱۰	-	-	-	-	-	-	سلامت و بهداشت

نکته: سهم ارائه شده در خصوص سهم خانوار در سال ۱۳۹۰ در واقع سهم تخصیص داده شده به خانوار و دولت است که چون در قانون بودجه ۱۳۹۰ از هم تفکیک نشده‌اند در بخش خانوار ذکر شده‌اند. همچنین عدد ۴۰ هزار میلیارد ریال مطابق مصوب مجلس در سال ۱۳۹۲، مشترکاً به دو بخش تولید و دولت تعلق دارد.

منبع: قوانین بودجه سال‌های مختلف و لایحه بودجه سال ۱۳۹۲

همان‌طور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود سهم خانوارها در لایحه بودجه ۱۳۹۲ به ۸۲ درصد از منابع حاصل از اجرای قانون رسیده و سهم بخش تولید کاهش یافته است. گفتنی است که تورم‌های بالا نظیر آنچه اکنون در ایران وجود دارد آثار نامطلوبی بر توزیع درآمدها داشته و سیاست توزیع یارانه نقدی به گروه‌های آسیب‌پذیر که دولت بر آن متمرکز شده است نمی‌تواند در بلندمدت منجر به فقرزدایی شود. در عوض توجه به نحوه اجرای قانون و کمک به توانمندسازی بخش تولید در چارچوب قانون و اختصاص بسته‌های حمایتی بخش تولید در راستای تقویت بنیه آن و کمک به تولید و اشتغال در کشور می‌تواند به بهبود شرایط اقتصادی در حین اجرای قانون کمک نماید. بر اساس قانون بودجه مصوب سال ۱۳۹۰، ۱۰ هزار میلیارد تومان از محل منابع حاصل از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌های انرژی در این سال می‌بایست به حمایت از تولید اختصاص پیدا می‌کرد. با این حال بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس^۱، بخش تولید در این سال تنها بخش ناچیزی از سهم اختصاص یافته به خود یعنی مبلغ ۱۹۳۳ میلیارد تومان در قالب کمک‌هایی به شرح مندرجات جدول شماره ۱۱ بهره‌مند شده است. لازم به ذکر است که مبلغ اختصاص یافته به بخش تولید از محل منابع حاصل از آزادسازی قیمت انرژی پرداخت نشده که این امر مطابق بند ۴۸ قانون بودجه سال ۹۱ ممنوع است (جدول ۱۱). از سوی دیگر تحلیل منابع حاصل از افزایش قیمت‌ها و مصارف آن به تفکیک محل مصرف از تاریخ شروع قانون تا خرداد ۱۳۹۱ حاکی از آنست که منابع حاصل از افزایش قیمت‌ها حتی برای پرداخت نقدی به خانوارها و یارانه نان کافی نبوده و با احتساب پرداختی بیمه رانندگان و تسویه بخشی از تنخواه بانک مرکزی، از تاریخ شروع اجرای قانون تا پایان خرداد ماه سال ۱۳۹۱، معادل ۳۲۰،۹۰۰ میلیارد ریال کسری

۱- بررسی عملکرد اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها در بخش‌های صنعت، معدن و انرژی، آبان ۱۳۹۱، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

وجود دارد که از سایر منابع و عمدتاً بودجه عمومی جبران شده است. این آمار نیز مؤید این مطلب است که سهم بخش صنعت بر اساس پیش‌بینی‌های به‌عمل آمده در قوانین مربوطه اختصاص نیافته است.^۱ در خصوص سال ۱۳۹۱ نیز بر اساس نتایج انجام‌شده فراخوانی در مهرماه ۱۳۹۱ از اتاق‌های سراسر کشور و تشکل‌های وابسته، جز مواردی انگشت‌شمار هیچ یک از اعضای اتاق‌ها و تشکل‌های اقتصادی از تسهیلات و بسته‌های حمایتی در نظر گرفته شده در ماده ۸ قانون هدفمندی یارانه‌ها (ماده مرتبط با حمایت از تولید) بهره‌مند نشده‌اند.

جدول ۱۱- خلاصه منابع تخصیص یافته بر اساس پروژه‌های اجرا شده در بخش صنعت و معدن

منابع دولت به عنوان کمک (میلیارد تومان)	مبلغ پرداخت‌شده (عملکرد: میلیارد تومان)	تعداد بنگاه دریافت‌کننده	پروژه/موضوع
۱,۰۰۰	۱,۰۰۰	۳,۶۰۰	خط اعتباری هزینه انرژی
۱۵۳	۱۵	۱۵۰	بازسازی و تکمیل فرایند تولید پروژه‌های کوچک
—	۰	۰	بازسازی و تکمیل فرایند تولید پروژه‌های بزرگ
—	۰	۰	گسترش مولد برق
۲۵	۰	۰	بازسازی و نوسازی اصناف
۷۸	۷۸	—	کمک بلاعوض سوخت
۷	۰,۵	۳۰	کمک بلاعوض سام (سامانه ارتقای مدیریت بنگاه)
۳۰	۳۰	—	کمک بلاعوض (گاز رسانی)
۶۴۰	۶۴۰	—	کمک غیرمستقیم نفت گاز
۱,۹۳۳	۱,۷۶۳,۵		جمع

ماخذ: بررسی عملکرد اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها در بخش‌های صنعت، معدن و انرژی
آبان ۱۳۹۱، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

نکته دیگری که باید به آن توجه نمود این است که در لایحه بودجه سال ۱۳۹۲، درآمد حاصل از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها ۱۲۰ هزار میلیارد ریال پیش‌بینی شده است که تحقق این درآمد مؤکول به ۴ برابر شدن قیمت حامل‌های انرژی است.^۲ بر اساس اعلام کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی، درآمد حاصل از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها در سال ۱۳۹۲، ۵۰ هزار میلیارد تومان تعیین شد که حاکی از افزایش ۳۸ درصدی قیمت حامل‌های سوخت در سال جاری است. با توجه به اینکه کمبود ارز و منابع تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی را در مضیقه قرار داده است، کاهش سهم یارانه بخش تولید از اجرای قانون هدفمندی و عدم تخصیص یارانه‌های انرژی به این بخش بر مشکلات آنها افزوده است. لذا به‌منظور تحقق اهداف قانون هدفمندی یارانه‌ها،

۱- بررسی عملکرد اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها در بخش‌های صنعت، معدن و انرژی، آبان ۱۳۹۱، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

۲- ارزیابی لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ از منظر بخش خصوصی، اسفند ۱۳۹۱

علاوه بر اهتمام دولت در زمینه حمایت از تولید مطابق قانون، موضوع اصلاح محیط کسب و کار نیز نقش بسزایی دارد. در شرایطی که افزایش قیمت حامل‌های انرژی، هزینه تولید صنایع را افزایش داده است انتظار می‌رود که دولت در زمینه بهبود محیط کسب و کار از نظر دسترسی به بازار و تکنولوژی اقدام کند تا امکان جبران افزایش هزینه‌ها از طریق رفتار رقابتی بنگاه‌ها فراهم شود.

نظام تأمین مالی

ناکارایی نظام تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی که به تعبیری نادرست با عبارت کمبود نقدینگی از آن یاد می‌شود، از دیگر چالش‌هایی است که در حوزه کلان با آن مواجه هستیم. باید اعتراف نمود که کشور نتوانسته است یک نظام تأمین مالی کارآمد ایجاد کند و کوچک بودن بازار سرمایه و عدم مشارکت آن در تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی، نظام مالی در ایران را در حد سیستم بانکی محدود نموده است. از سوی دیگر وابستگی بانک‌ها به بانک مرکزی، پایه پولی را افزایش داده و آثار تورمی نامطلوبی را به همراه داشته است. این ناکارآمدی از طریق تأثیر سوئی که بر بخش تولید می‌گذارد، مسلماً آثار نامطلوبی نیز در زمینه اشتغال‌زایی بر جای گذاشته و خواهد گذاشت.

کمبود نقدینگی و سرمایه در گردش، یکی از مشکلات اساسی بخش تولید کشور است که سال‌ها گریبان‌گیر این بخش بوده و در یک سال گذشته به دلایلی همچون افزایش بیش از حد قیمت مواد اولیه، حامل‌های انرژی، نرخ ارز و عوامل دیگر از یک سو و عدم توفیق واحدها در دریافت تسهیلات بانکی از سوی دیگر، تولید را بیش از پیش با مشکل مواجه نموده است.

از سوی دیگر در سال جاری به دلایل مختلف نیاز فعالان اقتصادی به تسهیلات بانکی به شدت افزایش خواهد یافت. برای مثال تورم بالای حاکم بر اقتصاد موجب افزایش نیاز به اعتبارات ریالی می‌شود.^۱ همچنین به علت کاهش ارزش پول ملی به یک سوم ارزش قبلی آن، معادل ریالی نیاز ارزی واحدهای تولیدی در قالب سرمایه در گردش به حدود سه برابر افزایش خواهد یافت و از آنجایی که در معاملات خارجی، واردکنندگان به‌هنگام گشایش اعتبار ناچار به پرداختی در حدود ۱۳۰ درصد کل مبلغ سفارش به‌صورت نقد هستند تقاضای دسترسی به وام‌های بانکی افزایش خواهد یافت.^۲

اما بانک‌ها نیز به دلایل مختلف در تأمین تقاضای موجود برای دسترسی به منابع بانکی با محدودیت مواجه خواهند بود. عواملی نظیر حجم بالای مطالبات معوق (آخرین آمار ارائه‌شده در این زمینه رقمی معادل ۸۰ هزار میلیارد تومان است)،^۳ رقم بالای بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی (در سه ماهه سوم سال ۱۳۹۰ معادل ۴۷۲٫۲ هزار میلیارد ریال)، برنامه‌ریزی برای انتشار حجم بالایی (معادل ۳۲۰ هزار میلیارد ریال) از اوراق مشارکت در سال ۱۳۹۲ توسط شهرداری‌ها و شرکت‌های دولتی که منجر به جمع کردن بخشی از سپرده‌های مردم از بانک‌ها خواهد

۱- مطابق توضیحات ارائه‌شده در بخش نقدینگی و تورم، آمار پیش‌بینی‌شده توسط صندوق بین‌المللی پول برای تورم ایران حاکی از آن است که تورم در سال جاری مانند سال ۱۳۹۱ از نرخ بالایی برخوردار خواهد بود (پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول از تورم سال ۲۰۱۳ ایران ۲۷٫۲ درصد است) که این میزان از افزایش در سطح عمومی قیمت‌ها در دنیا کم‌نظیر است.

۲- ارزیابی لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ از منظر بخش خصوصی، اسفند ۱۳۹۱

۳- مقاله "رکوردشکنی مطالبات معوق" در روزنامه دنیای اقتصاد، ۲۳ اسفند ۱۳۹۱

شد، روان شدن نقدینگی مردم و عواملان اقتصادی در نتیجه انتظارات تورمی به سایر بازارها نظیر طلا، ارز و اموال برخی از دلایل تنگناهای نظام بانکی در پرداخت تسهیلات در سال جاری را تشکیل می‌دهند.^۱

به این ترتیب، در سال جاری یکی از معضلات اصلی بخش تولید و به تبع آن کل اقتصاد کشور دسترسی به منابع تأمین مالی بانکی خواهد بود که در راستای حل این مشکلات می‌بایست چاره‌ای جدی اندیشید.

محیط کسب و کار و اداره بنگاه‌های اقتصادی

بهبود محیط کسب و کار امروزه به عنوان یک راهبرد اقتصادی شناخته شده است. این راهبرد، مکمل راهبرد خصوصی سازی است و برخی حتی بر این باور هستند که رفع موانع بخش خصوصی یا همان بهبود محیط کسب و کار باید جایگزین خصوصی سازی شود.^۲

چین راهبرد دوم و شوروی سابق و کشورهای اروپای شرقی راهبرد نخست را انتخاب کردند. چین در طول سه دهه بدون خصوصی سازی و تنها با فراهم نمودن محیط مناسب برای بخش خصوصی، سهم بخش خصوصی را از کمتر از ۲۰ درصد در پایان دهه ۱۹۷۰ به بیش از ۷۰ درصد در سال ۲۰۰۴ افزایش داده است. اکثر کشورهای اروپای شرقی و شوروی سابق نیز با تکیه بر سیاست خصوصی سازی توانستند در کمتر از چهار سال سهم بخش خصوصی را به بیش از ۸۰ درصد افزایش دهند اما رشد بخش خصوصی در این کشورها به فاجعه اقتصادی ختم شد و راهبرد بهبود محیط کسب و کار در چین به معجزه اقتصادی انجامید.^۳

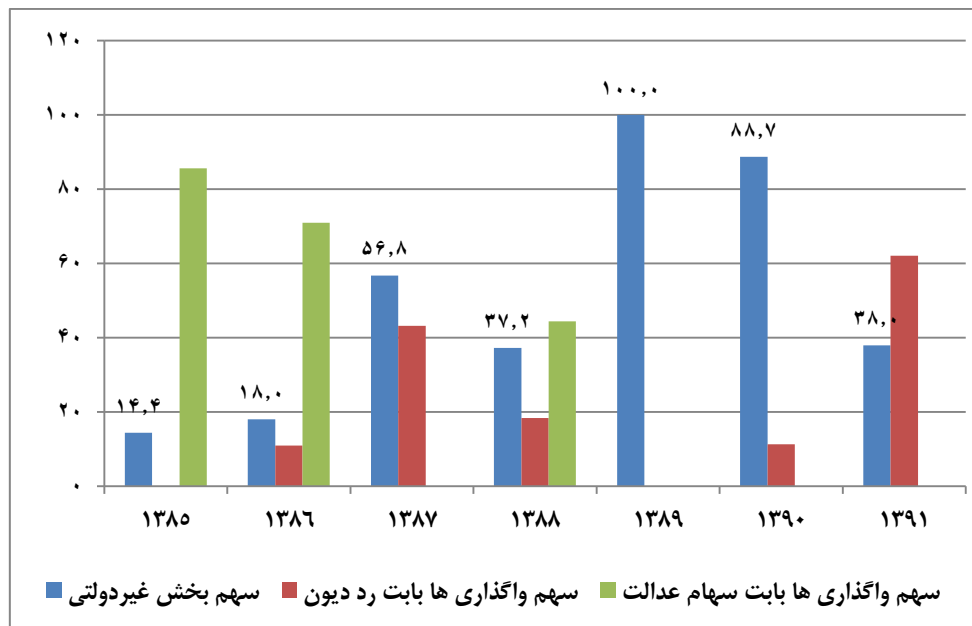
به نظر می‌رسد که سیاست‌گذاران کشورمان به هر دو راهبرد خصوصی سازی و بهبود محیط کسب و کار توجه داشته و اقداماتی در خصوص آنها انجام داده‌اند. قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ یکی از گام‌های مهم در راستای خصوصی سازی و تقویت نقش بخش خصوصی در ایران به شمار می‌رود. اما شیوه اجرای قانون طی دوره ۹۱-۱۳۸۵ همواره با تبعیض علیه بخش خصوصی واقعی همراه بوده و دولت عملاً از واگذاری‌ها به-عنوان ابزاری برای رد دیون و تقویت شرکت‌های شبه دولتی استفاده کرده است. این شیوه اجرا موجب عدم تحقق اهداف قانون که عبارت بود از کارایی اقتصادی و رشد اقتصادی بالاتر شده است. با بررسی عملکرد دولت در دوره ۹۱-۱۳۸۵ مشاهده می‌شود که نهادهای بخش عمومی غیردولتی و خریداران سهام عدالت، سهم اصلی را در واگذاری شرکت‌های دولتی داشته و بخش خصوصی به‌ویژه در سال ۱۳۹۱ سهم کمتری در این میان داشته است. بر اساس آمار سازمان خصوصی سازی، حجم ریالی واگذاری‌ها تا تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۵، معادل ۱۸۱،۱ هزار میلیارد ریال بوده که از این مقدار تنها ۶۸،۷ هزار میلیارد ریال (معادل ۳۸ درصد) به بخش غیردولتی واگذار شده است (نمودار ۱۶)

۴- ارزیابی لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ از منظر بخش خصوصی، اسفند ۱۳۹۱

۱- میدری- قودجانی، "سنجش و بهبود محیط کسب و کار"، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، تابستان ۱۳۸۷، ص ۱.

۲- همان.

نمودار ۱۶- سهم بخش غیردولتی، واگذاری ها بابت رد دیون و سهام عدالت از کل واگذاری ها



منبع: آمار مقایسه‌ای واگذاری سهام از سال ۸۰ تا ۱۳۹۱/۱۲/۱۵، سازمان خصوصی‌سازی

با توجه به اسناد و قوانین مرتبط با خصوصی‌سازی^۱ و همچنین نحوه واگذاری‌های انجام شده می‌توان به سه نکته مهم در مورد خصوصی‌سازی در ایران اشاره نمود. اول آنکه، قوانین بالادستی سیاست خصوصی‌سازی، حمایت لازم را از بخش خصوصی واقعی نمی‌کنند. در واقع آنچه از نظر قانون‌گذار از اهمیت ویژه برخوردار بوده، تنها کاهش و کنترل حجم فعالیت‌های اقتصادی دولت و در مقابل، رشد فعالیت‌های اقتصادی بخش غیردولتی بوده است و به‌هیچ‌عنوان بخش خصوصی واقعی به‌عنوان یک بخش متمایز مورد نظر نبوده و متعاقب آن رساندن بخش خصوصی به جایگاه ویژه و برتر در میان بخش‌های تشکیل‌دهنده نظام اقتصادی جزء اهداف این دو سند قانونی بیان نشده است. دوم اینکه، سهامی که بابت رد دیون و سهام عدالت واگذار شده، نقش چندانی در تقویت بخش خصوصی نداشته است. طی دوره ۹۰-۱۳۸۰ سهم بخش عمومی غیردولتی از کل سهام رد دیون شده در حدود ۶۶,۸۷٪ و در مقابل، سهم بخش خصوصی از این سهام تنها در حدود ۰,۹۷٪ بوده است. در خصوص سهام واگذار شده در قالب سهام عدالت نیز اگرچه این واگذاری در نهایت منجر به افزایش دارایی بخش تعاون در اقتصاد می‌شود اما این تعاونی‌ها یا حق حاکمیت بر سهام خود ندارند و یا آنکه از انگیزه و توان تخصصی لازم در این ارتباط برخوردار نیستند که این مسأله باعث می‌شود دولت یا سایر سهامداران عمده، حاکم بر دارایی‌های این شرکت‌های تعاونی شوند و با تصمیمات خود مسیر حرکت این دارایی‌ها را مشخص سازند. نکته آخر اینکه، بخش خصوصی واقعی جایگاه قابل قبولی میان سهامداران فعلی شرکت‌های واگذار شده از طریق بورس، فرابورس، مزایده و مذاکره ندارد. بررسی سهام‌داران ۳۱۵ شرکت

۱- "ابلاغیه سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهار قانون اساسی توسط مقام معظم رهبری" و "قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی" مورد نظر می‌باشد.

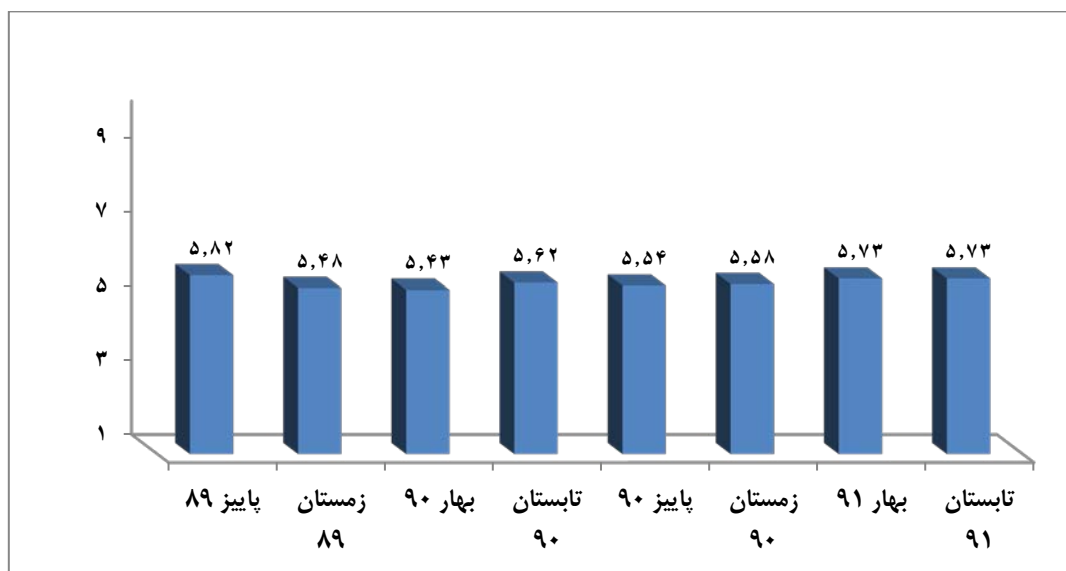
واگذار شده طی دوره ۹۰-۱۳۸۰ نشان می‌دهد که مالکیت بخش خصوصی به‌عنوان کم‌اهمیت‌ترین سهامدار در میان این ۳۱۵ شرکت، صرفاً در خصوص ۴,۹۱٪ از ارزش کل این شرکت‌ها مسجل شده است.^۱

اما در مورد راهبرد بهبود محیط کسب‌وکار و در راستای اجرای اصل ۱۲۳ قانون اساسی، قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۶ مشتمل بر ۲۹ ماده و ۱۹ تبصره به تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان رسید و در آن تکالیفی برای دولت، دستگاه‌های اجرایی، اتاق بازرگانی و تعاون و قوه قضائیه تعیین شد اما بنا به اذعان فعالان بخش خصوصی از سوی دولت اهمیتی بر اجرای این قانون در کشور مشاهده نشده است. دولت پس از تصویب این قانون از ابلاغ آن سر باز زد و یک سال پس از چاپ آن در روزنامه رسمی کشور، هنوز معاونت ریاست جمهوری و وزارت‌خانه‌های مسئول در مواد قانون، اقدامی در جهت تدوین آئین‌نامه، تقسیم کار، تعیین مسؤول و اجرای عملیاتی آن به عمل نیاورده‌اند.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با هدف ارائه ارزیابی نسبتاً جامع و دقیق از وضعیت مولفه‌های موثر بر اداره واحدهای تولیدی در سراسر کشور، از تابستان سال ۱۳۸۹ سلسله پیمایش‌های فصلی را بر اساس نظرسنجی از تشکل‌های اقتصادی کشور درباره مولفه‌های ملی محیط کسب‌وکار آغاز کرده است. آخرین پیمایش صورت گرفته مربوط به تابستان ۹۱ است که ۳۰۱ تشکل اقتصادی در آن مشارکت داشته و ۲۲ مولفه موثر بر محیط کسب‌وکار بررسی شده‌اند. در این پیمایش میانگین نمره ۲۲ مولفه ۵/۷۳ از ۱۰ ارزیابی شده است. (نمره ۱۰ نشان‌دهنده بدترین ارزیابی و نمره ۱ بهترین ارزیابی است).

نمودار زیر به مقایسه‌ای بین فصول مختلف از سال ۸۹ تا تابستان ۹۱ پرداخته شده است.

نمودار ۱۷- نمره محیط کسب و کار ایران در فصول مختلف سال‌های ۹۱-۱۳۸۹



منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

۱- "بررسی مشارکت بخش‌های نظام اقتصادی در فرآیند خصوصی‌سازی در ایران طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۰ با تأکید بر جایگاه بخش خصوصی واقعی، مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق ایران، بهمن‌ماه ۱۳۹۱

جدول ۱۲- مقایسه ارزیابی مساعدترین و نامساعدترین ارزیابی‌ها از مولفه‌های محیط کسب‌وکار ایران در ۵ فصل گذشته

عنوان	تابستان ۱۳۹۱	نمره	بهار ۱۳۹۱	نمره	زمستان ۱۳۹۰	نمره	پاییز ۱۳۹۰	نمره	تابستان ۱۳۹۰	نمره
نامساعدترین مولفه‌های ارزیابی شده، به ترتیب نمره از ۱۰ (ابدترین ارزیابی)	بی ثباتی در قیمت مواد اولیه	۸/۱۶	مشکل دریافت تسهیلات از بانکها	۷/۷۹	مشکل دریافت تسهیلات از بانکها	۷/۴۶	مشکل دریافت تسهیلات از بانکها	۷/۶۵	مشکل دریافت تسهیلات از بانکها	۷/۴۴
	مشکل دریافت تسهیلات از بانکها	۷/۶۱	بی ثباتی در قیمت مواد اولیه	۷/۳۱	بی ثباتی در قیمت مواد اولیه	۷/۱۹	نرخ بالای بیمه اجباری نیروی انسانی	۶/۵۸	بی ثباتی در قیمت مواد اولیه	۷/۲۱
	اعمال تحریم‌های بین المللی علیه کشورمان	۷/۱۴	ضعف بازار سرمایه در تامین مالی تولیدو ..	۶/۷۷	اعمال تحریم های بین المللی علیه کشورمان	۶/۶۹	ضعف بازار سرمایه در تامین مالی تولیدو ..	۶/۲۰	بی تعهدی شرکتها و موسسات دولتی به پرداخت به موقع بدهی	۶/۷۴
	ضعف بازار سرمایه در تامین مالی تولید و نرخ بالای تامین سرمایه از بازار غیررسمی	۶/۷۸	اعمال تحریم های بین المللی علیه کشورمان	۶/۷۶	ضعف بازار سرمایه در تامین مالی تولید و ..	۶/۵	بی ثباتی در قیمت مواد اولیه	۶/۲۰	زیاد بودن تعطیلات رسمی	۶/۶۶
	ضعف زیرساخت های تامین برق	۳/۵۰	ضعف زیرساخت های تامین برق	۳/۴۸	ضعف زیرساخت های تامین برق	۳/۲۵	ضعف زیرساخت های تامین برق	۳/۳۳	ضعف زیرساخت های تامین برق	۳/۷۶
	ضعف زیرساخت های حمل و نقل	۴/۴۵	ضعف زیرساخت های حمل و نقل	۴/۴۲	ضعف نظام توزیع و مشکلات رساندن محصول به دست مصرف کننده	۴/۲۴	ضعف زیرساخت های حمل و نقل	۴/۳۱	ضعف زیرساخت های حمل و نقل	۴/۲۹
	تمایل مردم به خرید کالاهای خارجی و تقاضای کم برای محصولات ایرانی مشابه	۴/۵۲	ضعف نظام توزیع و مشکلات رساندن محصول به دست مصرف کننده	۴/۵۵	ضعف زیرساخت های حمل و نقل	۴/۳۰	ضعف نظام توزیع و مشکلات رساندن محصول به دست مصرف کننده	۴/۳۷	موانع تعرفه ای صادرات محصولات و واردات مواد اولیه	۴/۴۰
	ضعف نظام توزیع و مشکلات رساندن محصول به دست مصرف کننده	۴/۶۲	تمایل مردم به خرید کالاهای خارجی و تقاضای کم برای محصولات ایرانی مشابه	۴/۷۴	موانع تعرفه ای صادرات محصولات و واردات مواد اولیه	۴/۶	موانع تعرفه ای صادرات محصولات و واردات مواد اولیه	۴/۵۳	ضعف نظام توزیع و مشکلات رساندن محصول به دست مصرف کننده	۴/۹۳

نامساعدترین مولفه‌های ارزیابی شده، به ترتیب نمره از ۱۰ (ابدترین ارزیابی)

مساعدترین مولفه‌های ارزیابی شده، به ترتیب وضعیت بهتر (عدد کوچک تر، وضعیت بهتر)

منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس

نتایج این ارزیابی حاکی از آن است که عواملی نظیر بی‌ثباتی در قیمت مواد اولیه، اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، ضعف بازار سرمایه در تأمین مالی تولید، نرخ بالای تأمین سرمایه از بازار غیررسمی و مشکل دریافت تسهیلات از بانک‌ها به‌عنوان اصلی‌ترین چالش‌های محیط کسب‌وکار در سال ۱۳۹۱ از سوی تشکل‌های پاسخ دهنده عنوان شده است.

علاوه بر ارزیابی های صورت گرفته در مرکز پژوهش ها، گزارش های جهانی نیز که توسط نهادهای مختلف در دنیا تهیه می گردد، بر نتایج ارزیابی مرکز پژوهش ها صحت می گذارد. در گزارش سالیانه "سهولت انجام کسب و کار"^۱، رتبه ایران در سال ۲۰۱۳ نسبت به ۲۰۱۲ یک رتبه نزول یافته و از ۱۴۴ به ۱۴۵ رسیده است. همچنین در گزارش سال ۲۰۱۳ محیط کسب و کار که مربوط به سال ۲۰۱۲ است،^۲ وضعیت ایران در زیرشاخص "شروع کسب و کار" بدتر شده است زیرا در این سال شروع کسب و کار جدید مطابق قوانین، مستلزم دریافت عدم سوء پیشینه کیفری^۳ شد.

جدول ۱۳- رتبه ایران در شاخص انجام کسب و کار و برخی

زیرشاخص های مهم آن در سال های اخیر^۴

تغییرات	۲۰۱۲ (۱۸۳ کشور)	۲۰۱۳ (۱۸۵ کشور)	سال
-۱	۱۴۴	۱۴۵	رتبه ایران
-۳۷	۵۰	۸۷	شروع کسب و کار
۰	۱۶۵	۱۶۵	ثبت دارایی ها
+۱۴	۹۷	۸۳	دریافت اعتبار
+۱۷	۱۶۷	۱۵۰	حمایت از سهام داران خرد
-۴	۱۲۵	۱۲۹	پرداخت مالیات
-۴	۱۳۹	۱۴۳	شاخص تجارت فرامرزی
+۱	۵۴	۵۳	الزام آور بودن قراردادهای

علیرغم دشواری محیط کسب و کار برای فعالان اقتصادی در سال ۲۰۱۳، رتبه ایران در زیرشاخص های دریافت اعتبار و حمایت از سهام داران خرد بهبود یافته است که برخی دلایل آن در گزارش "وضعیت ایران در انجام کسب و کار بانک جهانی، ۲۰۱۳" مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی ارائه شده است. زیرشاخص دریافت اعتبار از طرفی قواعد و شیوه های مؤثر بر میزان پوشش، دامنه و دسترسی به اطلاعات اعتباری موجود از طریق ادارات اعتباری دولتی یا خصوصی و از سوی دیگر قوانین مربوط به وثیقه و ورشکستگی را به لحاظ میزان تسهیل در وام دهی مورد بررسی قرار می دهد. وضعیت ایران در سال ۲۰۱۳ در میزان پوشش اطلاعات اعتباری توسط مؤسسات اعتباری خصوصی بهبود یافته که این امر ناشی از عملکرد شرکت مشاوره رتبه بندی ایران بوده است.

زیرشاخص حمایت از سهام داران خرد سه جنبه حمایت از سهام داران خرد یعنی شفافیت معاملات مربوط به اشخاص وابسته (میزان افشا)، مسئولیت معامله با خود (میزان مسئولیت مدیر) و توانایی سهام داران برای شکایت از سوء مدیریت مدیران و اعضاء هیئت مدیره را برجسته می کند. در سال ۲۰۱۳، ایران حمایت از

۱- این گزارش توسط بانک جهانی منتشر می شود.

۲- تحلیل های این گزارش دوره زمانی ژوئن ۲۰۱۱ تا می ۲۰۱۲ را پوشش می دهد.

2- Criminal Record Clearance

3- <http://www.doingbusiness.org>

سهام‌داران خرد را از طریق الزام به افشای فوری اطلاعات مربوط به معاملات اشخاص وابسته تقویت کرد که این امر منجر به بهبود رتبه ایران در این زیرشاخص گردید.^۱

با بررسی نتایج گزارش‌های داخلی و جهانی که در خصوص وضعیت محیط کسب‌وکار در ایران انجام شده است، به نظر می‌رسد که کشور در این زمینه از شرایط مناسبی برخوردار نیست. نتایج پیمایش مرکز پژوهش‌های مجلس و گزارش بانک جهانی نیز مؤید همین امر است. محیط نامساعد کسب‌وکار، هزینه تولید و قیمت فروش را افزایش می‌دهد. نتیجه چنین شرایط نامساعدی رشد بخش غیر رسمی در اقتصاد است زیرا افراد برای گریز از مقررات دست و پاگیر و مزاحمت‌های مختلف به کسب‌وکارهای غیر رسمی دست می‌زنند. همچنین محیط نامناسب کسب‌وکار مانع رشد شرکت‌های کوچک و متوسط است. شرکت‌های کوچک بیش از شرکت‌های بزرگ از محیط نامناسب کسب‌وکار آسیب می‌بینند. شاید شرکت‌های بزرگ بتوانند با تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاران و یا پرداخت‌های غیرقانونی محیط کسب‌وکار را تا حدی برای خود هموار سازند اما صاحبان مشاغل کوچک منابع محدودی برای پرداخت‌های غیرقانونی دارند و معمولاً فاقد روابط مؤثر با سیاست‌گذاران هستند.^۲

مشکل بی‌ثباتی در سیاست‌ها دومین مشکلی است که توسط فعالان اقتصادی در گزارش‌های رقابت‌پذیری جهانی در سه سال اخیر به عنوان مهم‌ترین عوامل مشکل‌آفرین در محیط کسب‌وکار مطرح گردیده است. بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس طی دوره زمانی ۱۳۹۰/۱/۱ تا ۱۳۹۱/۶/۳۱، تعداد ۷۰ بخشنامه ارزی توسط بانک مرکزی صادر شده و سیاست‌های مرتبط با این حوزه اصلاح گردیده‌اند. سیاست‌ها و تصمیم‌های متعدد، متفاوت و بعضاً متناقض به شدت محیط کسب‌وکار را تحت تأثیر قرار داده است که این امر بر تصمیمات سرمایه‌گذاری (فیزیکی و انسانی) اثری منفی دارد.

کثرت بخشنامه‌ها، تعدد، تکرار و بعضاً تناقض مقررات، ضربه سختی به اقتصاد و بازرگانی کشور وارد می‌سازد. از جمله ملاحظات سیاست‌گذاری مؤثر این است که فاصله زمانی لازم برای انتقال پیام سیاستی، برنامه‌ریزی، اقدام و اخذ نتیجه از سوی فعالان اقتصادی، محاسبه و لحاظ شود. به‌طور مثال، هنگامی که سیاستی در زمینه صادرات اتخاذ می‌شود، فرآیند اطلاع‌رسانی به صادرکنندگان، برنامه‌ریزی از سوی آنها، شناسایی مشتریان در بازارهای هدف، بازاریابی، عقد قرارداد، تولید و در نهایت، صادرات محصول در برخی موارد حدود دو سال به طول می‌انجامد. در همین اثنا اتخاذ تصمیمات جدید از سوی مسئولان به علت افزایش قیمت یا کمبود کالای مورد نظر در داخل، مانع از صدور آن می‌شود. این در حالی است که در شرایط عادی، راه مقابله با افزایش قیمت‌های موسمی کالاهای صادراتی، واردات موسمی است. صادرات را باید به‌عنوان یک اصل در نظر گرفت. قطعاً "ثبات سیاست‌ها"، "سازگاری و هماهنگی سیاست‌ها" و "هدفمند بودن سیاست‌ها" سه نکته اصلی است که باید در سیاست‌گذاری رعایت شوند.

۴- برای کسب اطلاعات بیشتر به صفحات ۵۷-۳۹ گزارش "وضعیت ایران در گزارش انجام کسب‌وکار بانک جهانی، ۲۰۱۳" مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی مراجعه کنید.

۱- میدری- قودجانی، "سنجش و بهبود محیط کسب و کار"، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، تابستان ۱۳۸۷، ص ۹.

در مطالعه‌ای که بانک جهانی در مورد سیاست‌ها و برنامه‌های اصلاح تجاری کشورهای مختلف انجام داده است، یکی از نکات مورد تأکید آن است که اصلاح سیستم تجاری موفق نمی‌شود مگر اینکه دیگر سیاست‌های اقتصادی، به‌ویژه سیاست‌های کلان اقتصادی، با آن هماهنگ باشند.

تعامل با دنیای خارج

طی سی سال اخیر پارادایم جدیدی مبنی بر وابستگی متقابل در جهان شکل گرفته که رشد کشورها را عملاً وابسته به فعالیت‌های در چارچوب خود نموده است. به عبارت دیگر در دنیای امروز پیشرفت اقتصادی هر کشوری مستلزم تعامل اقتصادی و سیاسی با سایر کشورها است. چنانچه ذهنیت مدیران ارشد جامعه، ذهنیت توسعه‌گرا باشد، روابط بین‌المللی کشور به نحوی مدیریت می‌شود که ضمن حفظ استقلال سیاسی و توجه به سه اصل عزت، حکمت و مصلحت، تعامل اقتصادی با سایر کشورها تسهیل شود و به پیشرفت اقتصادی کشور کمک شود. در شرایط عادی معمولاً حمایت سیاسی و حقوقی از سرمایه‌گذاران در خارج از کشور، حمایت سیاسی و حقوقی از صادرات کالاها در کشورهای دیگر و جذب و تشویق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌عنوان سه محور اساسی در تنظیم و اجرای سیاست خارجی در راستای توسعه و شکوفایی اقتصادی کشورها انجام می‌گیرد.

تعاملات هر کشور با دنیای خارج، در تراز پرداخت‌های خارجی آن کشور، انعکاس اقتصادی می‌یابد. به عبارت دیگر برآیند روابط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با سایر کشورها در نهایت به صورت صادرات و واردات کالا و خدمات خود را در تراز پرداخت‌های خارجی نشان می‌دهد. پر واضح است آنچه در این ترازنامه حساب جاری و حساب مالی و سرمایه را شکل می‌دهد، متأثر از حوزه‌های غیر اقتصادی نیز می‌باشد. برای کشوری نظیر ایران، که در سال‌های گذشته روابط خارجی با ثباتی را تجربه نکرده، حوزه‌های غیر اقتصادی اثرات شدیدی را بر فعالیت‌های بخش اقتصادی کشور تحمیل نموده است. به همین منظور برخی روندهای اقلام موجود در تراز پرداخت‌های خارجی کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد.

- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

بر اساس آمارهای آنکتاد^۱ طی سال‌های اخیر سهم کشورهای در حال توسعه در جذب سرمایه‌گذاری خارجی روند صعودی داشته و از ۳۶ درصد در سال ۲۰۰۸ به ۴۵ درصد در سال ۲۰۱۱ افزایش داشته است. بررسی آمارهای ایران (جدول ۱۴) نشان می‌دهد که در سال ۲۰۰۸ سهم ایران از جریان ورودی سرمایه‌گذاری خارجی دنیا ۰٫۱۱ درصد بوده که به ۰٫۲۷ درصد در سال ۲۰۱۱ رسیده است.

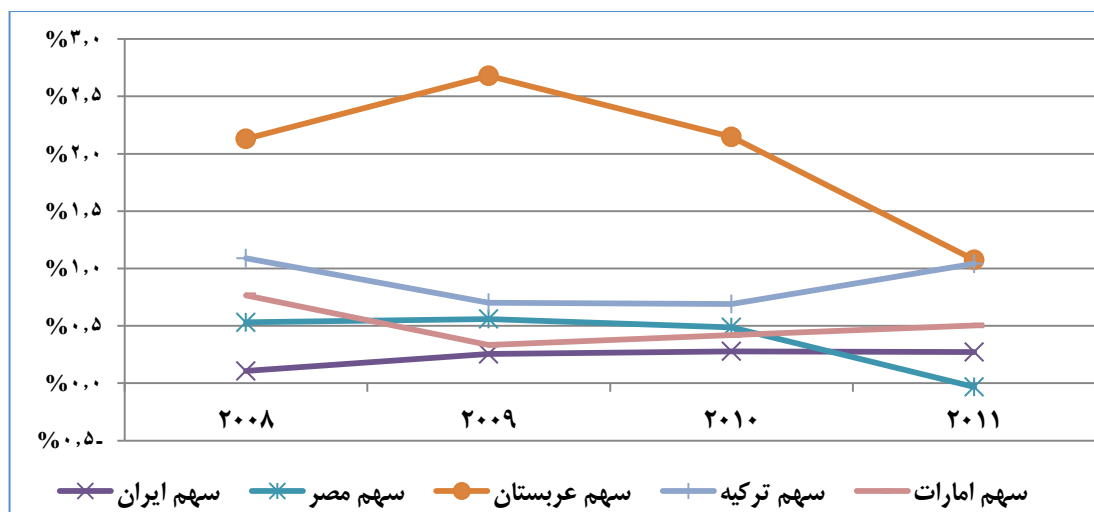
^۱ UNCTAD: United Nations Conference on Trade and Development

جدول ۱۴- سهم ایران در جریان های ورودی سرمایه گذاری خارجی دنیا طی سال های ۱۱- ۲۰۰۸ (درصد)^۱

سال	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱
سهم ایران از جریان ورودی سرمایه گذاری خارجی دنیا	۰,۱۱	۰,۲۵	۰,۲۸	۰,۲۷

با وجود آنکه سرمایه گذاری خارجی در ایران روند افزایشی نشان می دهد اما سهم آن در مقایسه با کشورهای منطقه اندک است و ایران از جایگاه مناسبی در این زمینه برخوردار نیست. (نمودار ۱۸)

نمودار ۱۸- سهم کشورهای منطقه از جریان ورودی سرمایه گذاری در دنیا (%)^۲



انباشت سرمایه ورودی در کشورهای مورد مقایسه در سال ۲۰۱۱ حداقل دو برابر ایران بوده است و سهم پایین ایران از جریان ورودی سرمایه گذاری در دنیا نشان از این واقعیت دارد که با ادامه روندهای موجود، ایران نخواهد توانست حداقل به اندازه کشورهای منطقه در جذب سرمایه گذاری های خارجی و مزایای ناشی از آن موفق باشد.

جدول ۱۵- انباشت سرمایه گذاری مستقیم خارجی^۳

انباشت سرمایه خروجی			انباشت سرمایه ورودی				میلیون دلار
۲۰۱۱	۲۰۰۰	۱۹۹۰	نسبت انباشت سرمایه ورودی سایر کشورها به ایران (۲۰۱۱)	۲۰۱۱	۲۰۰۰	۱۹۹۰	
۲۱۱۶۸۴۸۹	۷۹۵۲۸۷۸	۲۰۹۲۹۲۷	—	۲۰۴۳۸۱۹۹	۷۴۵۰۰۲۲	۲۰۸۱۱۴۷	دنیا
۲۹۱۵*	۵۷۲*	۰*	۱	۳۲۴۴۳	۲۵۹۷*	۲۰۳۹*	ایران
۶۰۷۴	۶۵۵	۱۶۳	۲.۲۴	۷۲۶۱۲	۱۹۹۵۵	۱۱۰۴۳*	مصر

۱- آنکتاد

۲- آنکتاد

۳- گزارش سرمایه گذاری جهانی آنکتاد (۲۰۱۲)



۲۹۹۷۰	۵۲۸۵	۲۳۲۸	۵.۷۶	۱۸۶۸۵۰*	۱۷۵۷۷	۱۵۱۹۳*	عربستان
۲۴۰۳۴	۳۶۶۸	۱۱۵۰*	۴.۳۲	۱۴۰۳۰۵	۱۹۲۰۹	۱۱۱۵۰*	ترکیه
۵۷۷۳۸*	۱۹۳۸*	۱۴*	۲.۶۳	۸۵۴۰۶*	۱۰۶۹*	۷۵۱*	امارات

* داده های تخمینی آنکتاد

سیاست‌گذاری‌های صورت گرفته در سال‌های اخیر در خصوص جذب سرمایه‌گذاری خارجی چندان موفقیت‌آمیز نبوده است و یکی از دلایل عمده آن ریسک بالای سرمایه‌گذاری ناشی از مدیریت ضعیف در حوزه روابط بین‌الملل می‌باشد.

- تولید و صدور نفت

بنابر آمار اوپک، تولید و صادرات نفت خام در کشور در سال‌های اخیر کاهش یافته است که ارقام آن در جدول زیر قابل مشاهده است.

جدول ۱۶- تولید و صدور نفت خام ایران برای سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۷، هزار بشکه در روز

سال	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲
تولید	۳,۸۵۵	۳,۸۹۲	۳,۷۲۵	۳,۷۰۶	۳,۶۲۸	۲,۹۷۳
منبع: گزارش ماهانه بازار نفت اوپک، می ۲۰۱۳						
سال	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱
صادرات	۲۴۸۰	۲۳۷۱	۲۰۵۶	۲۰۲۱	۲۰۳۳	-
منبع: خلاصه تحولات اقتصادی ۹۰، بانک مرکزی						

اهمیت نفت برای اقتصاد ایران نیازی بر کسی پوشیده نیست و به عقیده متخصصان حتی اقتصاد غیر نفتی کشور به نفت وابسته است. این وابستگی به خوبی در بودجه عمومی کشور قابل مشاهده است. برای اندازه‌گیری سهم نفت در بودجه، متغیری تحت عنوان رانت در حساب‌های ملی دولت بر اساس GFSM 2001 تعریف شده که کل درآمدهای نفتی در آن لحاظ گردیده است. بنا به گفته کارشناسان بانک مرکزی، رانت میزان اتکاء بودجه به نفت را بیش از اندازه تخمین می‌زند زیرا دربرگیرنده آن دسته از درآمدهای نفتی که در صندوق ذخیره ارزی ذخیره می‌شوند و برای تأمین کسری بودجه از آنها استفاده نمی‌شود نیز هستند. اما این آمار می‌تواند تقریب خوبی از "اتکاء بودجه به نفت" را نشان دهد.

جدول ۱۷- سهم رانت در بودجه عمومی دولت (وابستگی بودجه به نفت)

ایران	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷*
سهم رانت** در بودجه عمومی دولت	۰,۶۱۴	۰,۵۹۳	۰,۷۰۵	۰,۶۷۸	۰,۶۹۹	۰,۶۸۸	۰,۶۶۹	۰,۶۲۴	۰,۵۵۸

* ارقام مقدماتی
** کل درآمدهای حاصل از فروش نفت در این بخش منظور شده است

منبع: آمارهای مالی دولت بر اساس 2001 GFSM. حساب های ملی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

جدول فوق روند وابستگی بودجه به نفت را نشان می دهد. حتی اگر در این ارقام در مورد سهم نفت اغراق وجود داشته باشد، می توان یک سهم حداقل ۵۰ درصد برای نفت در بودجه عمومی دولت در نظر گرفت. با این توصیفات، روند کاهشی تولید و صدور نفت می تواند توازن بودجه کشور را با مشکلات جدی مواجه سازد، کما اینکه در سال گذشته به دلیل تشدید تحریم ها و کاهش درآمدهای نفتی، مشکلات بسیاری به کشور تحمیل شد که در قسمت های قبل به آنها پرداخته شد.

- صادرات و واردات

در جدول زیر، صادرات غیرنفتی و واردات کشور مشاهده می شود. در سال های اخیر، صادرات کالای غیرنفتی ایران، روندی صعودی داشته است اما نرخ رشد آن در سال ۹۱ منفی شده است. طی دوره ۹۱-۱۳۸۴ نرخ رشد سالیانه واردات به طور میانگین ۴,۵ درصد بوده به طوری که ارزش واردات در سال ۹۱، ۱,۳۵ برابر مقدار متناظر آن در سال ۱۳۸۴ شده است.

جدول ۱۸- صادرات غیرنفتی و واردات کالایی ایران در سال های ۹۰-۱۳۸۶ (میلیون دلار)

سال	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱*
صادرات غیرنفتی	۱۰۴۷۴,۳	۱۲۹۹۶,۹	۱۵۳۱۲	۱۸۳۳۳,۵	۲۱۸۹۱,۴	۲۶۵۴۸,۶	۳۳۸۰۵,۲	۳۲۴۵۳,۶
درصد تغییرات سالیانه صادرات	۵۳,۰	۲۴,۱	۱۷,۸	۱۹,۷	۱۹,۴	۲۱,۳	۲۷,۳	-۴,۰
واردات کالایی ایران از دنیا	۳۹۲۴۷,۶	۴۱۷۲۲,۶	۴۸۴۳۸	۵۶۰۴۲	۵۵۲۸۶,۸	۵۵۷۲۹,۷	۵۷۴۸۷,۵	۵۳۳۴۸,۳
درصد تغییرات سالیانه واردات کالایی	۱۰,۹	۶,۳	۱۶,۱	۱۵,۷	-۱,۳	۰,۸	۳,۲	-۷,۲

* ارقام کارشناسی نشده

منبع: گمرک جمهوری اسلامی ایران

نکته جالب توجه این است که سیاست های اقتصادی کشور با اصول حاکم بر مدیریت روابط خارجی هم سو و هم راستا نبوده اند. این عدم توجه به سازگاری سیاست و اقتصاد کشور در برخی متغیرهای اقتصادی نمود یافته است. شاخص نسبت واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه ای به تولید ناخالص داخلی بیان کننده این مطلب است که برای یک واحد تولید ناخالص داخلی به چه میزان واردات نیازمندیم. به عبارتی مطلق واردات

مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای حائز اهمیت نیست و نسبت آن اهمیت دارد. این نسبت از عدد حدود ۳ در دهه ۷۰ که دهه باثباتی بوده به اعدادی حدود ۱۵ و ۱۶ در سال‌های اخیر رسیده است. روند تغییرات این شاخص مؤید این ادعا است که هم‌زمان با ادغام در دنیا به لحاظ اقتصادی و از طریق واردات، در عرصه سیاست کشور در حال تعارض با کشورهای اثرگذار دنیا بوده است و در اقتصاد و سیاست دو رویکرد ناسازگار و متضاد اتخاذ شده است.

- تحریم

از سال ۱۳۵۸ و در پی اشغال سفارت آمریکا، ایران از سوی این کشور مورد تحریم قرار گرفت و تا کنون همواره به نوعی در تحریم بوده است. پرونده هسته ای ایران از سال ۱۳۸۴ به شورای امنیت سازمان ملل کشانده شد و تا خرداد ۱۳۸۹، شورای امنیت چهار قطعنامه تحریمی علیه ایران به تصویب رسانده است. پس از اعمال دور چهارم تحریم های شورای امنیت، آمریکا، اتحادیه اروپا، انگلستان، فرانسه، کانادا، استرالیا، ژاپن و برخی کشورهای دیگر تحریم های یک جانبه و فراتر از قطعنامه تصویب شده را علیه ایران اعمال کردند. برخی کشورهای دیگر نیز اگرچه تحریم مستقلی علیه ایران وضع نکرده اند ولی اعلام کرده اند که از تحریم های آمریکا پیروی خواهند کرد.

بررسی روند تحریم ها حاکی از آن است که در هر قطعنامه نسبت به قطعنامه های قبلی حلقه فشار تنگ تر گردیده و محدودیت های بیشتری در نظر گرفته شده است و با افزایش کشورهای که به این صحنه وارد شده اند، حلقه فشارهای بین المللی تنگ تر گردیده است. وضع تحریم ها تبعات بسیاری برای بخش های مختلف اقتصادی کشور داشته است و آثار عینی خود را بروز داده است.

- تحریم ها صنعت نفت ایران را هدف قرار داده اند و کاهش توان تولید، ممانعت از سرمایه گذاری خارجی در بخش بالادستی نفت و گاز و در نتیجه تنزل جایگاه ایران در اوپک از اهداف دنبال شده در این تحریم ها بوده که متأسفانه محقق شده است.

- بازرگانی خارجی کشور با کندی فعالیت و افزایش هزینه ها مواجه شده است و برخی شرکای تجاری به دلیل اعمال فشارهای خارجی حاضر به ادامه همکاری نیستند. بر اساس برخی گزارش‌ها، قطع رابطه کارگزاری بانک های معتبر جهان با ایران موجب شده است هزینه تأمین مالی تجارت خارجی کشور از حدود ۲ درصد در زمان قبل از تحریم های اخیر به ۷ درصد افزایش یابد.

- صنعت بیمه ایران نیز تحت تأثیر تحریم ها قرار گرفته است که موجب افزایش هزینه های بیمه ای، طولانی شدن زمان انجام خدمات بیمه ای، افزایش قیمت کالاهای وارداتی و اختلال در فرآیند واردات شده است.

- افزایش ریسک اعتباری کشور، کاهش فروشندگان بین المللی به سیستم بانکی ایران، افزایش هزینه های تأمین مالی بانک ها، تردید عمومی نسبت به سیستم بانکی از آثار تحریم ها بر **نظام بانکی** ایران بوده است. شرکت های دارای مرادده با سیستم بانکی نیز در پی تحریم ها با مشکلاتی نظیر محدودیت در گشایش اعتبار و نقل و انتقال مالی با سایر کشورها مواجه گردیده اند.
 - تحریم ها از دو طریق **بازار ارز** ایران را تحت تأثیر قرار داده است. از یک طرف با اعمال تحریم بر صادرات نفت ایران، درآمدهای ارزی کشور کاهش یافته است و از طرف دیگر دسترسی به این درآمدها را نیز کاهش داده است. همه این عوامل موجب بروز التهاباتی در بازار ارز، به ویژه در ۲ سال گذشته شده است.
 - روند **رشد اقتصادی** کشور در سال های گذشته نزولی بوده است و با توجه به وابستگی تولیدات کشور به واردات، هرگونه تحدید تجاری یا افزایش هزینه های حوزه تجارت به طور مستقیم بر بخش مولد اقتصاد اثرگذار خواهد بود.
 - اثراتی که برای تحریم ها در نکات قبل بر شمرده شد، همگی سطح عمومی قیمت ها را تحت تأثیر قرار داده است و **تورم** بالایی در کشور گزارش شده است.
- همان طور که در این بخش توضیح داده شد، تراز پرداخت های خارجی کشور تحت تأثیر تحریم ها قرار گرفته که نتیجه سیاست ها و کنش و واکنش های داخلی و بین المللی بوده است. بسیاری از مشکلات اقتصادی کشور ریشه در تحریم ها دارد و برای بر طرف ساختن آنها باید با تصمیماتی حکیمانه، ضمن حفظ اقتدار و حراست از حقوق کشور، در جهت مصالح عموم حرکت نمود و در همین راستا برای حل پرونده هسته ای کشور و حرکت به سمت رفع تحریم ها، بازسازی دیپلماسی و سیاست خارجی کشور و توسعه حضور و مشارکت در عرصه های بین المللی تدابیر عاجلی اتخاذ کرد. با توجه به وابستگی اقتصادی کشور به دنیای خارج، با رویکرد مذکور می توان علاوه بر ایجاد هماهنگی در سیاست و اقتصاد، بهره گیری از روابط خارجی جهت افزایش توان اقتصاد ملی از طریق کاهش درجه ریسک پذیری در زمینه جلب سرمایه های خارجی، استفاده از ظرفیت های بین المللی در جهت پیشبرد طرح های ویژه اقتصادی، انعقاد قراردادهای همکاری اقتصادی با کشورهای همسایه و ایجاد بستر مناسب جهت الحاق به سازمان جهانی تجارت، کشور را در مسیر شایسته آن هدایت نمود.

رقابت پذیری

رقابت‌پذیری، بر اساس تعریف ارائه‌شده از طرف OECD، به معنای توانایی یک کشور در تولید کالا و ارائه خدمات جهت ارائه در بازارهای بین‌المللی و در عین حال حفظ یا ارتقاء سطح درآمد شهروندان در بلندمدت است. جهانی شدن، از طریق کم‌رنگ ساختن مرزها و کاستن از موانع رقابت، سبب افزایش شدت رقابت بین مناطق جغرافیایی مختلف شده و موجب به‌وجود آمدن فشاری در جهت ایجاد محیط مناسب کسب‌وکار در این مناطق شده است. ایفای نقش در عرصه رقابت جهانی هم‌اکنون نیازمند وجود یک بخش تولید قوی و رقابتی در کشور است و اقدامات مصنوعی و ایجاد اختلال در بازار از طریق ایجاد دسترسی ترجیحی به بازار، حمایت‌گرایی و تخصیص بارانه‌ها دیگر کافی نیستند. همین مسأله اهمیت شناخت متغیرهای اثرگذار بر رقابت‌پذیری و اندازه‌گیری آن و همچنین توجه به سیاست‌گذاری در حوزه ارتقاء رقابت‌پذیری اقتصاد ملی را دو چندان می‌کند.

شاخص رقابت‌پذیری جهانی^۱ با ارائه مجموعه‌ای از عوامل مختلف که هر یک منعکس‌کننده جنبه خاصی از رقابت‌پذیری هستند^۲، سعی در ارائه شاخصی جامع در این حوزه دارد. این شاخص از ۱۲ رکن تشکیل شده است که نهادها، زیرساخت‌ها، ثبات در حساب‌های دولتی، بهداشت و آموزش ابتدایی، آموزش عالی و حرفه-ای، کارایی بازار کالا، کارایی بازار نیروی کار، پیشرفته بودن بازار مالی، آمادگی تکنولوژیک، اندازه بازار، پیشرفته بودن بنگاه‌های تجاری و نوآوری این ارکان را تشکیل می‌دهند. در جدول ۱۹ رتبه ایران در برخی از این ارکان بیان شده است. آمار و ارقام این جدول حاکی از ضعف در رقابت‌پذیری اقتصاد ایران در عرصه تعاملات جهانی است.

جدول ۱۹- شاخص رقابت‌پذیری جهانی ایران و برخی مهم‌ترین ارکان تشکیل دهنده شاخص^۲

ایران	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰
رتبه شاخص رقابت‌پذیری جهانی	۶۶	۶۲	۶۹
رکن زیرساخت‌ها	۶۹	۶۷	۷۴
رکن محیط اقتصاد کلان	۵۷	۲۷	۴۵
رکن کارایی بازار کالا	۹۸	۱۰۳	۹۸
رکن کارایی بازار کار	۱۴۱	۱۳۹	۱۳۵
رکن سطح توسعه بازار مالی	۱۲۳	۱۲۳	۱۲۰
تعداد کل کشورهای مشمول در گزارش	۱۴۴	۱۴۲	۱۳۹

در گزارش رقابت‌پذیری جهانی ۱۳-۲۰۱۲ که منعکس‌کننده اطلاعات سال ۲۰۱۲ است رتبه ایران بر اساس شاخص رقابت‌پذیری جهانی، نسبت به سال قبل ۴ پله عقب‌تر رفته است که حکایت از ضعیف‌تر شدن

1- Global Competitiveness Index

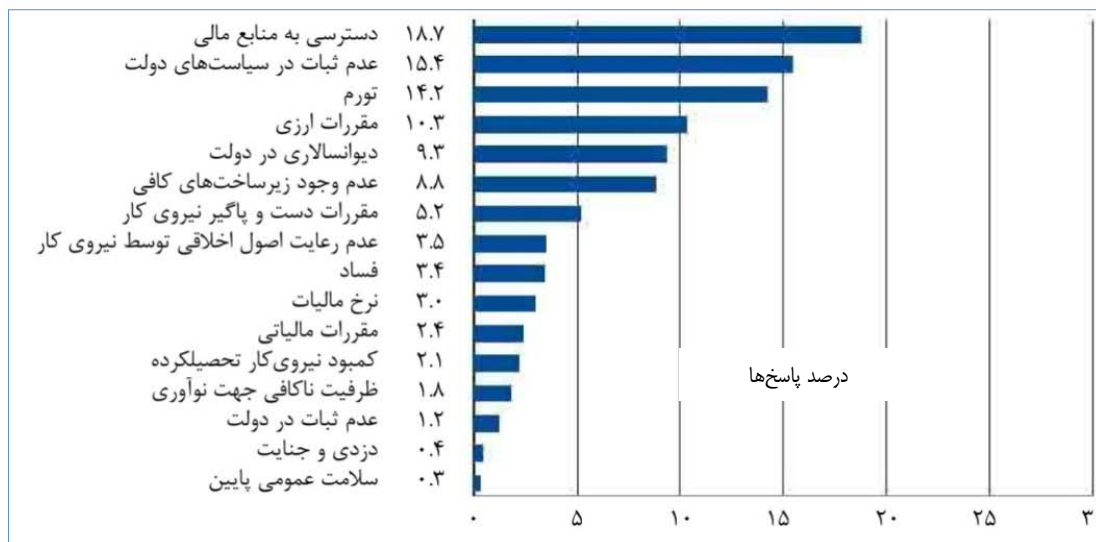
۲- این شاخص توسط مجمع جهانی اقتصاد اندازه‌گیری و منتشر می‌شود.

۳- گزارش رقابت‌پذیری جهانی

اقتصاد ایران به لحاظ رقابت پذیری دارد. تغییرات محیط اقتصاد کلان در میان ارکانی که در جدول فوق معرفی شده‌اند، بسیار چشمگیر بوده است به طوری که در رکن محیط اقتصاد کلان رتبه ایران از ۲۷ در سال ۲۰۱۱ به ۵۷ در سال ۲۰۱۲ تنزل کرده است. توازن بودجه دولت، نرخ پس انداز ملی، تورم، نرخ سپرده بانکی، بدهی دولت و رتبه بندی اعتباری، متغیرهای تشکیل دهنده این رکن هستند و تمامی آنها از منابع اطلاعاتی معتبر استخراج می‌شوند. تغییرات این رکن به خوبی منعکس کننده محیط اقتصاد کلان کشور در طول یک سال گذشته بوده است.

رکن کارایی بازار کالا اندکی بهبود نسبت به سال قبل نشان می‌دهد. رکن کارایی بازار کار و زیر ساخت‌ها نسبت به سال قبل ۲ پله سقوط داشته‌اند و رتبه ایران در رکن توسعه بازار مالی نسبت به سال قبل تغییر نکرده است به طوری که کشور همچنان در جایگاه ۱۲۳ نسبت به ۱۴۴ کشور مورد ارزیابی قرار گرفته است. این رتبه به خوبی می‌تواند منعکس کننده نظر فعالان اقتصادی در اولویت‌دهی به مشکلات پیش روی کسب-وکار آنها باشد. در طول ۳ سال گذشته که رقابت پذیری ایران مورد اندازه‌گیری قرار می‌گیرد، فعالان اقتصادی همواره دسترسی به منابع مالی را به عنوان اولین مشکل خود مطرح نموده‌اند (نمودار ۱۹).

نمودار ۱۹- مهمترین مشکلات فرا روی کسب و کار از دید فعالان بخش خصوصی در سال ۱۳-۲۰۱۲



پنج عامل دسترسی به منابع تأمین مالی، عدم ثبات در سیاست‌های دولت، تورم، مقررات ارزی و دیوان‌سالاری در دولت در طول سه سال گذشته همواره به‌عنوان پنج عامل اول مشکل آفرین در محیط کسب‌وکار توسط فعالان اقتصادی ارزیابی شده‌اند. نکته قابل توجه این است که مشکل مقررات ارزی از جایگاه هفتم در سال ۲۰۱۱ به چهارمین چالش بنگاه‌های اقتصادی در سال ۲۰۱۲ تبدیل شده است. در جدول ۱۹ متغیرهای تشکیل دهنده رکن‌هایی که در این گزارش مورد بررسی قرار گرفته‌اند و رتبه ایران از میان ۱۴۴ کشور، در هریک از متغیرها به نمایش درآمده است.

جدول ۲۰- رتبه ایران در ارکان منتخب و متغیرهای تشکیل دهنده آنها، ۱۳-۲۰۱۲

رتبه	رکن	رتبه	رکن
کارایی بازار کار		نهادهای	
۱۱۹	همکاری در روابط کارگر-کارفرما	۴۱	نقش روابط در تصمیم‌گیری‌های دولت
۱۳۴	انعطاف‌پذیری در تعیین دستمزدها	۵۳	هدر رفتن منابع توسط دولت
۸۹	سهولت استخدام و اخراج	۱۱۶	دست و پاگیر بودن مقررات دولتی
۱۰۴	هزینه اخراج کارکنان اضافی	۱۲۷	شفافیت سیاست‌گذاری دولت
۱۲۴	وجود ارتباط بین دستمزد و بهره‌وری	محیط اقتصاد کلان	
۱۲۲	انکاب به مدیریت حرفه‌ای	۲۹	توازن بودجه دولت (درصد از GDP)
۱۰۹	فرار مغزها	۳	پس‌انداز ناخالص ملی (درصد از GDP)
۱۴۳	مشارکت زنان در نیروی کار	۱۴۲	تورم
سطح توسعه بازار مالی		۱۵	بدهی دولت (درصد از GDP)
۱۳۵	در دسترس بودن خدمات مالی	۱۰۸	رتبه‌بندی اعتباری دولت
۱۲۸	هزینه استفاده اضافه از خدمات مالی	کارایی بازار کالا	
۶۵	تامین مالی از طریق بازار سهام	۷۱	اثر منفی مالیات‌ها بر انگیزه کار و سرمایه‌گذاری
۱۴۱	سهولت دسترسی به وام	۹۳	نرخ مالیات کل
۱۲۹	در دسترس بودن منابع مالی برای سرمایه‌گذاری - مخاطره‌آمیز کارآفرینان	۱۲۵	رواج موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای تجاری
۱۰۴	استحکام مالی بانکها	۱۳۹	تعرفه تجاری (درصد از عوارض گمرکی)
۷۴	مقررات بازار اوراق بهادار	۱۴۴	رواج مالکیت خارجی
۹۹	شاخص حمایت‌های قانونی از قرض‌دهنده و قرض‌گیرنده	۱۲۷	اثر قوانین بر FDI
		۱۳۷	واردات به عنوان درصدی از GDP
رنگ قرمز به معنای قرار گرفتن ایران در میان ۵ کشور آخر دنیا است. رنگ سبز به معنای قرار گرفتن ایران در میان ۳۰ کشور آخر دنیا است.			

جدول فوق گویای نقاط قوت و ضعف کشور جهت رقابت‌پذیر شدن در عرصه رقابت بین‌الملل است. اما شایسته است که وضعیت کشور به لحاظ رقابت‌پذیری با کشورهای منطقه که در سند چشم‌انداز مورد تصریح قرار گرفته‌اند، مورد مقایسه قرار گیرد و حرکت در جهت یا خلاف جهت مسیر پیش‌بینی شده برای دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز، در طول سال‌های گذشته تبیین گردد.

جدول ۲۱- مقایسه رتبه رقابت پذیری ایران و کشورهای مذکور در سند چشم انداز برای سال های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲

۲۰۱۱-۱۲		۲۰۱۲-۱۳		کشور	۲۰۱۱-۱۲		۲۰۱۲-۱۳		کشور
رتبه در کشور ۱۴۱	رتبه در کشور ۱۴۴	رتبه در کشور ۱۴۱	رتبه در کشور ۱۴۴		رتبه در کشور ۱۴۱	رتبه در کشور ۱۴۴	رتبه در کشور ۱۴۱	رتبه در کشور ۱۴۴	
۸۸	۷۷	۱۱	۱۱	گرجستان	۱۴	۱۱	۱۱	قطر	۱
۹۲	۸۲	۱۲	۱۷	ارمنستان	۱۷	۱۸	۱۸	عربستان سعودی	۲
۸۹	۹۱	۱۳	۲۷	لبنان	۲۷	۲۴	۲۴	امارات متحده عربی	۳
۱۰۵	۱۰۰	۱۴	۳۲	تاجیکستان	۳۲	۳۲	۳۲	عمان	۴
۹۴	۱۰۷	۱۵	۳۷	مصر	۳۷	۳۵	۳۵	بحرین	۵
—	۱۱۳	۱۶	۳۴	لیبی	۳۴	۳۷	۳۷	کویت	۶
۱۱۸	۱۲۴	۱۷	۵۹	پاکستان	۵۹	۴۳	۴۳	ترکیه	۷
—	—	۱۸	۵۵	سوریه	۵۵	۴۶	۴۶	آذربایجان	۸
—	—	۱۹	۷۲	قرقیزستان	۷۲	۵۱	۵۱	قزاقستان	۹
—	—		۶۲		۶۶	ایران	۱۰		

تا کنون ۷ سال از تدوین سند چشم انداز ایران در افق ۱۴۰۴ می گذرد، رتبه ایران به لحاظ رقابت پذیری در میان کشورهای مذکور قابل مشاهده است (جدول ۲۰). قطر همچنان جایگاه نخست را در اختیار دارد و عربستان سعودی و امارات در رتبه های بعد قرار گرفته اند. رقابت پذیری در بسیاری از کشورهای منطقه در سال ۲۰۱۲ نسبت به سال قبل، بهبود یافته است که کشورهای قطر، امارات، ترکیه، آذربایجان، قزاقستان، گرجستان و ارمنستان از آن جمله هستند. همچنین کشورهایی نظیر کویت، لبنان، مصر و پاکستان در سال ۲۰۱۲ با کاهش رقابت پذیری مواجه بوده اند. ایران با کسب رتبه ۶۶ در میان ۱۴۴ کشور مورد بررسی، از بین کشورهای مورد نظر در سند چشم انداز در جایگاه یازدهم قرار گرفته است و راهی پر چالش را برای تبدیل شدن به قدرت نخست اقتصادی منطقه در پیش دارد.

انحصار^۱

وجود انحصار یکی از مشکلاتی است که ورود، فعالیت و همچنین رقابت در بسیاری از بازارهای کشور را مختل نموده است. در گذشته بازارهای زیادی در کشورمان از جنبه انحصاری برخوردار بوده‌اند که به‌عنوان نمونه می‌توان از صنایع سیمان، خودرو، فولاد و پتروشیمی نام برد. در خصوص بنگاه‌ها یا صنایعی با سابقه انحصاری چنانچه پیش‌نیازهای لازم به‌خوبی دیده نشوند و تدابیر لازم اندیشیده نشوند حتی بعد از واگذاری نیز ممکن است جنبه انحصاری حفظ شده و واگذاری به فراهم آوردن زمینه‌های رقابتی شدن بازار یا صنعت مورد نظر منتهی نشود.

دستیابی به بازار رقابتی در بخش‌ها و صنایع مختلف نیازمند بسترسازی‌هایی است که متأسفانه در سال‌های اخیر کمتر به آن توجه گردیده است. مبارزه با انحصار بدون ایجاد نهادهای بازار رقابتی، نتیجه مورد انتظار را در بر نخواهد داشت و صرفاً منجر به واگذاری انحصار می‌شود. به‌عبارت دیگر در شرایط غیررقابتی و بدون توجه به الزامات اولیه واگذاری، خصوصی‌سازی به‌معنای واقعی آن حاصل نخواهد شد و صرفاً مالکیت‌ها منتقل خواهد شد. با توجه به اینکه بسیاری از بازارهای کشور پیش از این در انحصار کامل دولت بوده است، جهت دستیابی به اهداف اصل ۴۴ قانون اساسی می‌بایست پیش از واگذاری، چشم‌انداز آینده بازار و فرآیند گذار به خوبی طراحی شود که متأسفانه در اغلب واگذاری‌های انجام‌شده، این برنامه‌ریزی‌ها انجام نشده است. در راستای ایجاد زمینه بازار رقابتی منصفانه آنچه در روند واگذاری می‌بایست مورد توجه قرار گیرد تجدید ساختار بازار است. به‌گونه‌ای که وضعیت جدید بازار موجب بهبود محیط کسب‌وکار، افزایش مزیت‌های رقابتی صنایع، کاهش ناطمینانی‌ها و رشد سرمایه‌گذاری‌های ملی و بین‌المللی در آن صنعت شود. لازمه این امر بازنگری در رابطه دولت-بازار در صنایع مختلف و توسعه و بسط نهادهای بازار به‌عنوان عناصر اصلی سیاست‌گذاری و توسعه‌ای است.

از دیگر شروط توسعه رقابت و اجرای سیاست‌های ضدانحصاری، وجود نهاد ضد انحصار قوی و قوه قضائیه کارآمد است. شورای رقابت به عنوان نهادی ضد انحصار، به جای پایش رقابت در بازارهای رقابتی، تمرکز خود را متوجه تنظیم بازارهای انحصاری نموده است. در این حوزه نیز به‌علت عدم اصلاح قوانین در ایران، بین نهادهای قیمت‌گذاری و سایر مراجع تنظیمی تخصصی که پیش از خصوصی‌سازی وجود داشته‌اند از یک سوی و شورای رقابت از سوی دیگر عملاً تداخل قانونی وجود دارد. دستیابی به قوه قضائیه کارآمد و توسعه قواعد قضایی تجاری بر مبنای رقابت نیز به دلیل ساختار اقتصادی ایران، با مشکلات فراوانی روبه‌رو است.

با توجه به موارد ذکر شده، مشاهده می‌گردد که همچنان درجه تمرکز و انحصار در صنایع مختلف کشور بالا است و تا دستیابی به بازاری رقابتی و شفاف، راهی طولانی در پیش است. علیرغم واگذاری‌های صورت‌گرفته، در صنایع سیمان، خودرو، فولاد و پتروشیمی که سابقه انحصاری داشته‌اند، همچنان تمرکز وجود دارد. چراکه این صنایع قبل از آزادسازی و شکل‌دهی نهادهای بازار واگذار شده‌اند.

۱- عباس آخوندی، "نگاهی سریع به مفهوم و موضوع رقابت اقتصادی در ایران"، ۱۳۹۲/۲/۶.

نمونه بارزی از تمرکز بازار را می‌توان در صنعت پتروشیمی مشاهده نمود. دولت در سال‌های اخیر اقدام به واگذاری بنگاه‌ها و طرح‌های پتروشیمی نموده است. از آنجایی که بنگاه‌های پتروشیمی اغلب از مقیاس بزرگی برخوردار هستند، تأثیر مستقیمی بر اقتصاد و بازرگانی داخلی از یک سو و صادرات و بازرگانی خارجی از سوی دیگر دارند. به این ترتیب حصول اطمینان از وجود یک بازار رقابتی منصفانه شرط موفقیت خصوصی-سازی در این صنعت است. با این حال، خصوصی‌سازی در این صنعت نیز بدون توجه به الزامات آن صورت گرفته که این مسأله بازار پتروشیمی را با خطر عدم قطعیت و امکان مداخله دولت به منظور جبران ناکارآمدی‌های بازار ساخت نیافته فعلی مواجه ساخته است. با وجود واگذاری‌های انجام‌شده در این صنعت، همچنان دولت در رأس زنجیره تأمین پتروشیمی قرار دارد.

واگذاری بدون ایجاد شرایط رقابتی لازم در حوزه صنعت پتروشیمی، اخیراً در خصوص واگذاری هلدینگ خلیج‌فارس نیز مشاهده شد. این بنگاه از یک سو سهم عمده‌ای از بازار پتروشیمی را در اختیار دارد و تعیین‌کننده مقدار و شرایط برای واحدهای پایین‌دستی در شرایطی غیر رقابتی است و از سوی دیگر شاهرگ تولید سایر واحدهای بالادستی و میان‌دستی پتروشیمی در عسلویه را در اختیار دارد. دو شرکت فجر و مبین که تأمین‌کننده آب برای خنک‌کننده سایر واحدها، بخار و سایر خدمات و نهاده‌ها هستند هم‌اکنون در اختیار این هلدینگ قرار دارند که این امر عملاً تولید سایر واحدهای پتروشیمی را به هلدینگ خلیج فارس وابسته ساخته و این هلدینگ را از موقعیت انحصاری بی‌نظیری در منطقه عسلویه برخوردار نموده است. در صنعت خودرو نیز حدود ۹۰ درصد سهم بازار در اختیار دو شرکت ایران‌خودرو و سایپا قرار دارد که علیرغم ظاهر خصوصی، تحت مدیریت وابسته به دولت هستند و در این صنعت بازار به شدت متمرکز است. علاوه بر این، نرخ بالای تعرفه گمرکی در این بازار سبب ایجاد وضعیت غیررقابتی در بازار محصولات داخلی و محصولات خارجی مشابه شده و عملاً شکل‌گیری بازار بین‌المللی قطعه‌سازی را نیز منتفی ساخته است. همچنین خرید بخشی از سهام خودروسازان توسط خودشان، عملاً این بازار را با فساد مزمن مواجه ساخته است.

فساد

بانک جهانی فساد را "سوء استفاده از اختیارات دولتی (عمومی) برای منافع شخصی یا گروهی" تعریف کرده است. فساد به‌عنوان یکی از موانع توسعه‌یافتگی رابطه معکوسی با رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری دارد. افزایش فساد در سیستم اقتصادی به معنای کاهش شفافیت و تنزل آزادی اقتصادی است. در اکثر جوامعی که به‌صورت قانونمند عمل نموده و اکثراً دولتی هستند وضع مقررات پی‌درپی از سوی دولت و عدم توانایی در اجرا و کنترل قوانین به گسترش فساد و اقتصاد زیر زمینی منجر می‌شود.

با توجه به اهمیت و تاثیرگذاری نامطلوبی که فساد در تمامی ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور دارد، موسسات پژوهشی داخلی بررسی این موضوع را در اولویت‌های خود قرار داده‌اند. بر اساس گزارش پایش محیط کسب‌وکار که از سال ۱۳۸۹ به‌صورت فصلی توسط مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی انجام می‌شود و به ارزیابی وضعیت محیط کسب‌وکار در کشور می‌پردازد، وجود مفاسد اقتصادی در دستگاه‌های

حکومتی، جزء ۱۰ مشکل اصلی کسب و کار در ایران گزارش شده است. این گزارش در طول سال به ارزیابی مستمری در خصوص ۲۲ مؤلفه به عنوان مشکلات فعالان اقتصادی^۱ می پردازد که نتایج آن در خصوص وجود فساد تأمل برانگیز است.

جدول ۲۲- مقایسه میانگین وزنی ارزیابی تشکل های شرکت کننده از مولفه وجود مفساد اقتصادی در دستگاه های حکومتی

پیش پاییز ۱۳۸۹		پیش زمستان ۱۳۸۹		پیش بهار ۱۳۹۰		پیش تابستان ۱۳۹۰		پیش پاییز ۱۳۹۰		پیش زمستان ۱۳۹۰		پیش بهار ۱۳۹۱		پیش تابستان ۱۳۹۱	
رتبه	ارزیابی	رتبه	ارزیابی	رتبه	ارزیابی	رتبه	ارزیابی	رتبه	ارزیابی	رتبه	ارزیابی	رتبه	ارزیابی	رتبه	ارزیابی ^۲
۵	۶,۴۵	۷	۵,۹	۹	۵,۶۸	۹	۵,۸۴	۷	۶	۱۰	۵,۶۱	۹	۵,۹۵	۸	۶,۲۶

منبع: گزارش پیش محیط کسب و کار ایران در تابستان ۱۳۹۱، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

اما علاوه بر این گزارش، گزارش هایی نیز در سطح جهانی در خصوص فساد منتشر می شوند که نتایج آنها نیز مؤید ضعف در حوزه کنترل فساد در ایران است. برای مثال هر ساله در گزارشی جهانی، دامنه فساد مالی و اداری در کشورهای مختلف جهان مورد بررسی قرار می گیرد.^۳ در این گزارش جهت اندازه گیری آزادی از فساد، از شاخصی به نام "شاخص ادراک فساد" (CPI)^۴ استفاده می شود. شاخص CPI یک شاخص ترکیبی ترکیبی از نتایج نظرسنجی و داده های واقعی مرتبط با فساد است که بر اساس برداشتی که از میزان فساد موجود در بخش عمومی کشورها و مناطق وجود دارد، کشورها را امتیازدهی و رتبه بندی می کند. این شاخص منعکس کننده دیدگاه و نظر جامعه پاسخ دهندگانی از سرتاسر دنیا، دربرگیرنده کارشناسانی که در کشورها و مناطق مورد ارزیابی زندگی و کار می کنند، می باشد. رتبه ایران در این شاخص در سال های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ به ترتیب برابر با ۱۲۰ و ۱۳۳ بوده است.^۵

در گزارش دیگری که با عنوان شاخص های حاکمیتی جهانی^۶ به بررسی کنترل شاخص فساد در کشورها پرداخته می شود، در خصوص ایران بیان گر آن است که روند کنترل فساد در کشور از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۱ نزولی بوده است.

۱- در این گزارش از ۳۰۱ تشکل اقتصادی نظرسنجی شده است.

۲- ارزیابی بین ۰ تا ۱۰ است و مشکل حادث تر نمره بالاتری دارد.

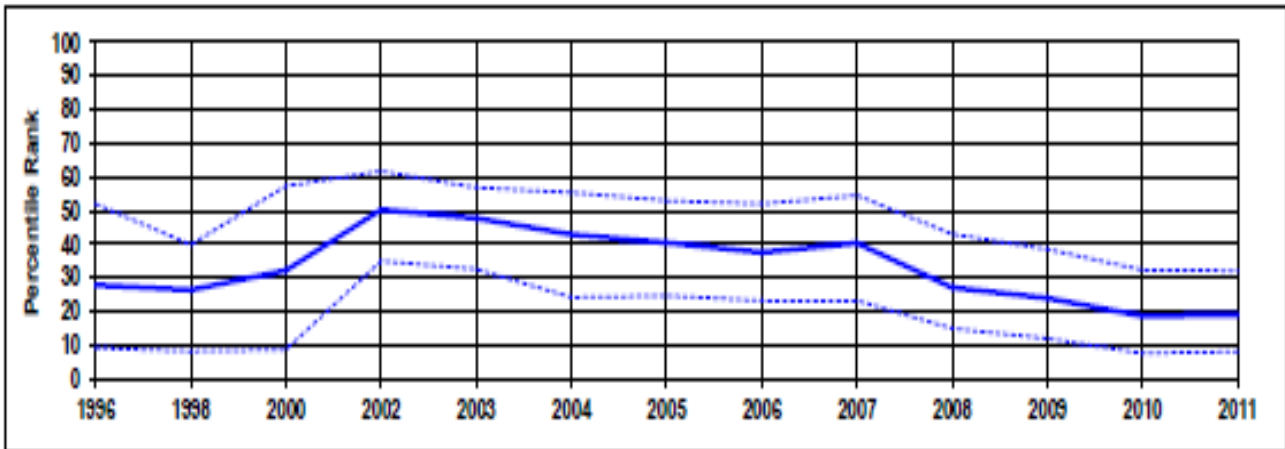
۳- این گزارش توسط سازمان شفافیت بین المللی (IT: International Transparency) منشر می شود.

4- Corruption Perception Index

۵- در سال های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ به ترتیب ۱۸۳ و ۱۷۶ کشور جهان مورد ارزیابی قرار گرفته اند.

6- Worldwide Governance Indicator

نمودار ۲۰- روند شاخص کنترل فساد در ایران از سال ۱۹۹۶ الی ۲۰۱۱



باید متذکر شد که طیف وسیعی از فعالیت‌های اقتصادی کشور به‌طور مستقیم و غیر مستقیم در مجراهای پیچیده اداری دستگاه‌های دولتی قرار می‌گیرند و فساد اداری به عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی فعالان اقتصادی همواره بر حوزه کسب‌وکار اثرگذار بوده است. در آخرین گزارش رقابت‌پذیری جهانی^۱، فساد به عنوان یکی از ۱۰ چالش اصلی کسب‌وکار از سوی فعالان اقتصادی در کشور معرفی شده است. در این گزارش سؤال‌هایی در خصوص میزان تلاش دولت برای مبارزه با فساد اداری و رشوه‌خواری، میزان شیوع فساد اداری و همچنین میزان مرسوم بودن پرداخت‌های ثبت‌نشده و رشوه از پرسش‌شوندگان می‌شود.

بنابراین آمار و ارقامی که در خصوص وجود فساد در ایران در گزارش‌های داخلی و بین‌المللی منتشر شده، بیان‌گر این نکته است که موضوع فساد در بدنه اداری و بخش عمومی ایران موضوعی جدی است و از آنجایی که مبارزه با فساد یکی از پیش‌شرط‌های اجرای درست سیاست‌های اقتصادی است می‌بایست در زمره اولویت‌های سیاست‌گذاری در حوزه کلان کشور قرار گیرد.

۱- بانک جهانی

۲- گزارش ۲۰۱۳-۲۰۱۲

عدالت مفهومی است که هیچ کس نسبت به اصالت و حقانیت آن تردیدی ندارد و دستیابی به آن، به عنوان یکی از اساسی ترین اصول نظام های اجتماعی، طی دوره های مختلف حیات فکری و اجتماعی بشر مطرح بوده است. از سوی دیگر مفهوم عدالت و جایگاه آن در برنامه های توسعه، همواره مورد اختلاف صاحب نظران بوده است.^۱ کشورهای در حال توسعه طی سه ربع قرن گذشته تلاش های بسیاری برای نیل به هدف توسعه عادلانه انجام داده اند اما به دلیل فقدان درک روشنی از چگونگی انجام آن، با شکست روبرو شده اند. در اغلب این تجربه ها، نیت ها و تمایلات صادقانه برای پیشبرد عدالت وجود داشته اما نداشتن یک فهم نظری مشخص از مسئله عدالت و نیز فقدان توجه روشمند و مبتنی بر اسلوب تحلیلی سطح توسعه، موجب شده است که از آن نیت های خوب، کارنامه قابل قبولی حاصل نشود و این گونه است که امروز برای تحلیل گران توسعه این مسئله به مثابه یک فهم عمومی درآمده است که خواستن عدالت اجتماعی و داشتن نیت صادقانه برای پیشبرد آن در بهترین حالت، شرط لازم را فراهم می کند و شرط کفایت عبارت از تمرکز بر دانش چگونگی خواهد بود.^۲

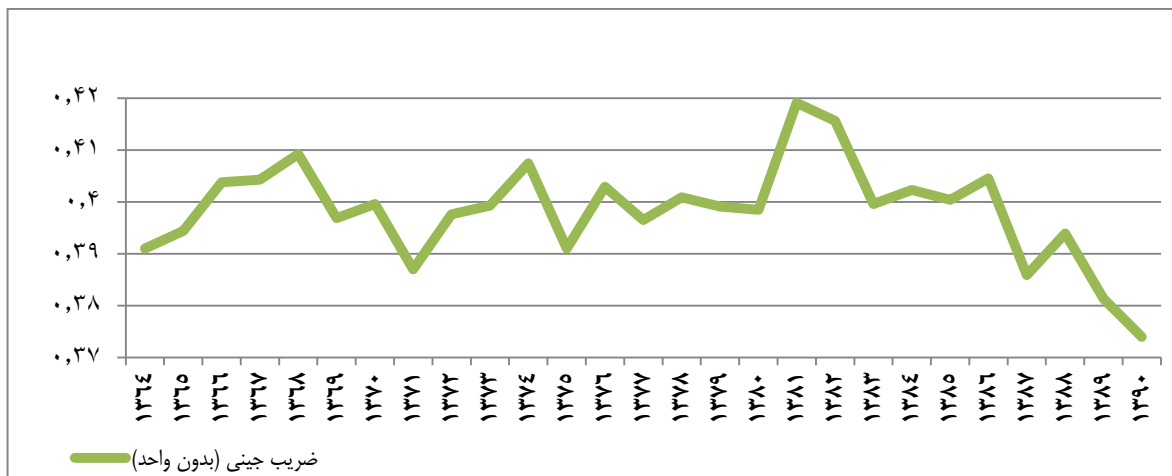
سوء برداشت های موجود از تعریف عدالت اجتماعی تا بدانجا پیش رفته است که گاه برخی آن را با عدالت توزیعی یکسان دانسته اند. با چنین تعریفی از عدالت، سیاست گذاری ها و برنامه های دولت به سمت توزیع برابر درآمد و ثروت پیش خواهد رفت. این روند بدون توجه به عواقب آن، آثار سوئی در سطح اجتماعی و انگیزه های کار و تلاش در پی خواهد داشت. به عنوان مثال توزیع یارانه نقدی در میان مردم، سبب از بین رفتن انگیزه برای انجام کار در بین برخی از اقشار شده است و بنا به اذعان شاهدان امر، برخی خانوارها پس از دریافت مبلغ یارانه دست از کار کشیده اند. از طرف دیگر باور و ترویج اعتقاد به مساوات، فارق از تناسب میان میزان درآمد و ثروت با شایستگی و کار و تلاش، سبب بروز ناهنجاری در سامانه های رفتاری خواهد شد و نخبگان عرصه های تولید و صنعت که از این طریق صاحب سرمایه شده اند، به جای تشویق مورد تقبیح واقع خواهند شد.

برای اندازه گیری میزان نابرابری در توزیع درآمد میان خانوارهای یک جامعه، شاخصی تحت عنوان ضریب جینی معرفی شده است. کاهش این شاخص به معنای کاهش نابرابری در توزیع درآمد در سطح یک جامعه است. در نمودار زیر روند تغییرات ضریب جینی ایران از سال ۶۴ تا ۹۰ مشاهده می شود:

۱- پژوهشنامه ۲۶ عدالت اجتماعی، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، تابستان ۱۳۸۷

۲- دکتر فرشاد مومنی، موسسه مطالعات دین و اقتصاد، ۲۶ بهمن ۱۳۹۰

نمودار ۲۱ - روند تغییرات ضریب جینی در ایران (۹۰-۱۳۶۴)



منبع: بانک مرکزی

بررسی داده های فوق موید آن است که ضریب جینی از سال ۸۷ رو به کاهش گذاشته است؛ کارشناسان پرداخت یارانه های نقدی را در بروز این امر موثر دانسته اند. کم بودن ضریب جینی، لزوماً به معنی وضع خوب اقتصادی خانوارها نیست. برخی کشورها نظیر کشورهای کمونیستی سابق، علیرغم وضعیت نامناسب اقتصادی، ضریب جینی پایینی داشته اند. در نتیجه این مسأله باید مورد بررسی قرار گیرد که طی سال های گذشته در ایران، آیا کاهش ضریب جینی مقارن با بهبود وضعیت آحاد مردم بوده است یا خیر.

طبق محاسبات انجام گرفته توسط کارشناسان، میزان فقر مطلق در ایران بین ۲۵ درصد تا ۳۲ درصد اندازه گیری شده است و از سال ۸۸ تا ۹۱ تقریباً هر سال ۲ درصد به جمعیت فقیر کشور افزوده شده است. هرچند از سال ۶۳ فقر با روند ملایمی رو به کاهش بوده ولی در سال های اخیر، رو به افزایش گذاشته است.^۱ همچنین به لحاظ دسترسی به خدمات پزشکی، افزایش هزینه های آن سبب شده است سالانه ۴ درصد از جمعیت کشور به خاطر هزینه های سلامت به ورطه فقر گرفتار شوند. نرخ بیکاری رقم بالایی را نشان می دهد و تورم کشور در زمره بالاترین نرخ های تورم در دنیا قرار دارد. بنابراین به نظر می رسد تاکید غیرواقعی بر عدالت توزیعی نه تنها موجب عدم توجه به کار مولد، از بین رفتن انگیزه کار آفرینی و تلاش شده است بلکه نتیجه ای جز فقر، بیکاری و تورم در پی نداشته است.

عدالت به واقع امری فرآیندی است که در راستای آن تک تک آحاد جامعه باید از حق داشتن شغل، امکان تامین شرافتمندانه معیشت زندگی و در عین حال حفظ ارزش دارایی هایشان، برخوردار شوند. بنابراین در قلمرو اقتصادی، هر سیاستی که منشأ تورم شود قطعاً مضمون بی عدالتی دارد و هر سیاستی که بحران بیکاری را تشدید کند قطعاً ماهیت ناامن ساز و ضد عادلانه دارد.^۲

۱- دکتر حسین راغفر، عضو هیأت علمی دانشگاه الزهرا (س)

۲- دکتر فرشاد مومنی، موسسه مطالعات دین اقتصاد، ۲۶ بهمن ۱۳۹۰

از طرف دیگر، اتفاقاتی در سال‌های اخیر رخ داده است که نشان می‌دهد اقدامات و سیاست‌گذاری‌ها، برخلاف آن چه به طور شفاهی اظهار می‌شود، درست خلاف عدالت بوده است. به عنوان مثال، براساس ماده ۲۲ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار، کلیه دستگاه‌های اجرائی مکلف هستند در انتخاب طرف قرارداد در معاملات خود از جمله پیمانکاری‌ها و امثال آنها، چنانچه اشخاص حقوقی بخش عمومی اعم از دولتی و غیردولتی و اشخاص حقیقی و حقوقی بخش‌های تعاونی و خصوصی از لحاظ ضوابط عمومی انتخاب طرف قرارداد در شرایط برابر باشند، اشخاص حقیقی و حقوقی بخش‌های تعاونی و خصوصی را در اولویت قرار دهند. اما آن چه عملاً اتفاق افتاده است، ترک تشریفات مناقصه و واگذاری پیمانکاری‌ها به بخش‌هایی غیر از بخش خصوصی و در نهایت به حاشیه راندن، تضعیف و نابودی بخش‌های خصوصی و تعاونی در عرصه پروژه‌های پیمانکاری بوده است.

مثالی دیگر از تصمیماتی که مسیری به جز عدالت را پیموده است، انحرافات است که در موادی از قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی^۱، ایجاد شده است. در ماده ۶ این قانون، مؤسسات عمومی غیردولتی موضوع ماده (۵) قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحات بعدی آن و شرکت‌های تابعه و وابسته آنها حق مالکیت مستقیم و غیرمستقیم مجموعاً حداکثر تا چهل درصد (۴۰٪) سهم بازار هر کالا و یا خدمت را دارند. این در حالی است که متن ماده ۶ در لایحه پیشنهادی به این صورت بوده است: مؤسسات عمومی غیردولتی موضوع ماده (۵) قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحات بعدی آن و شرکت‌های تابعه و وابسته آنها حق مالکیت مستقیم و غیرمستقیم مجموعاً حداکثر تا بیست درصد (۲۰٪) سهم هر بنگاه را دارند. این تغییر به منزله دادن چک سفید امضا به منظور ایجاد هرگونه انحصار در هر بازاری است.

همچنین در تبصره ۱ این ماده عنوان شده است که تأدیه بدهی‌های دولت به این مؤسسات، نهادهای و شرکت‌ها از طریق واگذاری سهام موضوع این قانون تنها با رعایت سقف‌های مقرر در این قانون مجاز است. این در حالی است که دقیقاً در لایحه پیشنهادی عنوان شده بود که تأدیه بدهی‌ها ممنوع است. حتی با متن قانونی فعلی نیز چنانچه نظر بر رد دین باشد لازم است این امر از طریق سه روش واگذاری مندرج در ماده بیست قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ صورت گرفته، بنگاه مورد نظر فرایند واگذاری را طی کرده، بهای حاصل از فروش بنگاه به حساب خزانه واریز شود و تأدیه بدهی‌ها از محل وجوه واریزی به خزانه صورت گیرد.

اگرچه در قوانین بودجه سنواتی امکان برخورداری پیمانکاران خصوصی نیز از تأدیه بدهی‌های دولت به این شیوه فراهم آمده است اما در شرایطی که مطالبات یک بنگاه عمومی غیردولتی به اندازه چندین بنگاه خصوصی است و بهای یک بنگاه قابل واگذاری عموماً بسیار بیشتر از مطالبات پیمانکار بخش خصوصی می‌باشد، عملاً برای پیمانکاران خصوصی غیر ممکن است تا از این طریق مطالباتشان را استیفا کنند. بررسی

۱- قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم (۴۴) قانون اساسی، وزارت امور اقتصادی و دارایی

های انجام گرفته در خصوص لایه های مالکیتی بنگاه های واگذار شده نشان می دهد که مالکیت واگذاری ها در نهایت به نهادهای عمومی غیردولتی، بانکها و دولت رسیده است و سهم بخش خصوصی واقعی از واگذاری های بابت رد دیون کمتر از ۱ درصد برآورد شده است.^۱

اگر چه گسترش مالکیت در سطح عمومی مردم به منظور تحقق عدالت اجتماعی و افزایش سهم بخش های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی در زمره سیاست های کلی اصل ۴۴ قرار می گیرد، اما نتیجه چنین انحرافات، واگذاری بخش عمده ای از شرکت های دولتی به بخش های عمومی غیر دولتی و حضور قدرتمند این بخش در اکثر عرصه های اقتصادی شده است به نحوی که بخش خصوصی و تعاونی را به شدت ناتوان ساخته است. پیامد چنین نحوه عملکردی در سال های گذشته منجر به بیکاری، تورم و رشد اقتصادی منفی در کشور شده است که تحقق شعار عدالت اجتماعی را زیر سوال برده است.

سرمایه اجتماعی

مفهوم سرمایه اجتماعی در سال های اخیر در حوزه های علوم اجتماعی، اقتصاد و علوم سیاسی مطرح شده است. "سرمایه اجتماعی" از مجموعه هنجارها و ارزش های موجود در سیستم های فکری، علمی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه نشأت می گیرد. این هنجارها و ارزش ها نیز حاصل تأثیر نظام های اجتماعی، اقتصادی، نوعی نظام سیاسی و روابط انسانی است که دارای ویژگی هایی از قبیل؛ اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی متقابل، گروه های اجتماعی، احساس هویت جمعی و گروهی، احساس وجود تصویری مشترک از آینده و کار گروهی و تیمی که از عوامل بنیادی آن به شمار می روند، است.

برای اندازه گیری سرمایه اجتماعی از بعد اجتماعی، سه شاخص مورد بررسی قرار می گیرد. شاخص اول اعتماد است که دارای دو سطح اعتماد شخصی و اعتماد عام است. در اعتماد شخصی افراد به کسانی که می شناسند و قبلاً با آنها پیوندی برقرار کرده اند اعتماد می کنند. اعتماد عام آن است که افراد به کسانی که نمی شناسند اعتماد کنند. شاخص دوم مشارکت اجتماعی است که بایستی عقلانی، مستمر و سازمان یافته باشد. سومین شاخص نیز همیاری است.

اما آنچه در حوزه اقتصاد ارتباط تنگاتنگی با سرمایه اجتماعی دارد، هزینه مبادله است. به طوری که گفته می شود وظیفه اقتصادی سرمایه اجتماعی کاهش هزینه های معاملات است که با مکانیسم های رسمی مانند قراردادها، سلسله مراتب و قوانین بروکراسی مرتبط می باشد. هزینه مبادله، به زبان ساده، هزینه ای است که نباید باشد اما هست. به طور مثال تولید کننده ای که به طور مکرر با تغییر سیاستها و قوانین مربوطه روبرو است، مشمول هزینه مبادله می شود. به عبارت دیگر هزینه مبادله هزینه ای است که به علت ناتوانی دولت در

۱- نشست هم اندیشی کمیسیون اصل ۴۴ و محیط کسب و کار با عنوان "بررسی نقش جایگاه و اهمیت بخش خصوصی در اقتصاد کشور" سخنرانی دکتر آخوندی با عنوان تحول ساختاری بخش خصوصی تحت تاثیر اجرای قانون سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی.

حفاظت از حقوق مالکیت شهروندان، افراد جامعه متحمل می‌شوند تا حقوق خود را استیفا کنند و البته در بسیاری از موارد این خود دولت است که هزینه مبادله را بر شهروندان تحمیل می‌کند.^۱

گفتنی است عواملی نظیر عدم توجه به شایسته‌گزینی در انتصابات دولتی و برکناری کارکنان و مدیران کارآمد دولتی، ناکارآمدی و عدم پایبندی به قوانین و مقررات از جمله مواردی است که در سال‌های اخیر اعتماد عمومی نسبت به حاکمیت را تقلیل داده است.

با توجه به اینکه رسیدن به توسعه اقتصادی جزء اهداف مهم اسناد بالادستی کشور به‌شمار می‌رود، باید بر این نکته تأکید کرد که شرط لازم برای حرکت به سوی توسعه، داشتن سرمایه اجتماعی و تلاش برای حفظ و تقویت آن است. اما مشاهدات حاکی از آن است که حوزه سرمایه اجتماعی در کشور نیاز به بازسازی مجدد دارد و در خصوص ارتقاء سطح اعتماد عمومی در جامعه به‌ویژه در مورد بازگرداندن اعتماد مردم به مسؤولان و سیاست‌گذاران می‌بایست اقدامی عملی نمود. پایبندی مقامات و نخبگان سیاسی و حکومتی در عمل به قانون و اقداماتی نظیر مسئولیت‌پذیری در گفتار و کردار و اجتناب از تناقض در اندیشه، گفتار و عمل و همچنین پایبندی به مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی دستگاه‌های دولتی به پرسش‌ها و ابهامات و درخواست‌ها و خودداری از وعده‌های غیرعملی و شعاری از سوی مسؤولان در احیاء این مهم نقش بسیار اساسی دارد.

۱- برگرفته از مقاله "کاهش سرمایه اجتماعی و ناکامی سیاست‌های اقتصادی در ایران" دکتر محسن رنانی

بخش دوم - رویکرد کلان: حوزه های نیازمند اصلاحات

همان‌طور که پیش از این در تحلیلی از محیط کلان اقتصادی کشور مشاهده گردید، متغیرهای بسیاری در این سطح وجود دارند که قادر هستند بخشی از واقعیت‌های موجود را آشکار نمایند. تعدد این متغیرها و درک و برداشت متفاوت از آنها سبب گردیده است که تفاسیر متفاوت و گاه متناقضی از آنها در تحلیل محیط اقتصادی کشور به دست آید. لذا تعیین ارتباط و سلسله مراتب متغیرها بسیار ضروری است. در علم اقتصاد کلان سه شاخص در بالاترین سطح وجود دارد که حوزه اصلی این شاخه را تعیین می‌کند. این شاخص‌ها رشد اقتصادی، تورم و بیکاری هستند. تعیین عنصر مسلط یا به عبارت دیگر تعیین نقطه شروع اصلاحات قدم اصلی است که می‌تواند جهت‌گیری انتظارات، خواسته‌ها و پیشنهادهای اتاق ایران از کاندیداهای ریاست جمهوری را تعیین کند.

با توجه به آنچه گفته شد، اولین خواسته بخش خصوصی از کاندیداهای ریاست جمهوری پذیرش و درک موقعیت خطیر و نامناسب کنونی اقتصاد است. به نظر می‌رسد پذیرش این واقعیات تنها تا زمان انتخاب شدن و به فراموشی سپردن آنها پس از کسب جایگاه اداره کشور، پس از این امکان‌پذیر نخواهد بود چرا که نشانه‌های ارسالی از محیط اقتصادی کشور چنین اجازه‌ای نخواهد داد. گروه همکاران مد نظر کاندیداهای ریاست جمهوری شامل مشاوران، معاونان، وزیران و سایرین نیز باید به حساسیت این موضوعات واقف و با ترکیبی هماهنگ، خود را بخشی از برنامه ریاست جمهوری برای موفقیت در اجرای برنامه‌های کلان کشور بدانند. قدم بعد، اولویت‌دهی به مسایل و مشکلات پیش روی کشور و تعیین نقطه شروع است.

بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول، ایران به لحاظ تورم در سال ۲۰۱۲ در جایگاه چهارم جهان قرار داشته است. تورم یکی از متغیرهای بسیار مهم اقتصادی است که در بسیاری از کشورهای جهان، تنها مأموریت بانک مرکزی کنترل این متغیر است. تغییر مداوم سطح عمومی قیمت‌ها نااطمینانی در محیط کسب‌وکار ایجاد خواهد کرد و سبب حرکت منابع مالی به سمت کالاهای بادوام جهت حفظ ارزش پول ملی خواهد شد. نااطمینانی موجب بروز نوسانات در اقتصاد می‌شود و به عقیده کینز، عامل اصلی در نوسانات را ریسک‌های ناشی از نااطمینانی تشکیل می‌دهد. نرخ تورم کشور هم اکنون مخاطره آمیز است اما خطرناک‌تر از آن افزایش آستانه تحمل مردم و مسئولان نسبت به این متغیر است که متوجه آثار زیان‌بار چنین نرخ‌هایی بر تولید بلندمدت و اقتصاد کشور نیستند. بنابراین یکی از مسائل مهم پیش روی کاندیداهای ریاست جمهوری، حساسیت نسبت به نرخ تورم و مهار آن است.

اما بنابر تحلیل‌هایی که در بخش قبل انجام گرفت، در سال‌هایی نه‌چندان دور بازار کار کشور با عرضه‌ای بین ۵,۵ تا ۸ میلیون نفر مواجه خواهد شد که این تعداد نیروی کار معادل ۲۶ تا ۳۸ درصد از جمعیت شاغل کنونی را تشکیل می‌دهند. به این ترتیب جذب این تعداد نیروی کار که عمدتاً از نیروهای جوان و تحصیل‌کرده تشکیل شده است مسأله اشتغال را به اصلی‌ترین نگرانی و دغدغه کشور برای سال‌های آتی تبدیل کرده است. بیکاری و اشتغال از شاخص‌های اقتصادی هستند که به نوعی نشان‌دهنده عملکرد

اقتصادی کشور هستند. ایجاد فرصت شغلی جدید مسأله‌ای نیست که سیاست‌گذار بتواند به‌طور مستقیم برای آن برنامه‌ریزی کند. هر فرصت شغلی بیان‌گر سرمایه‌گذاری و تولیدی است که در اقتصاد تحقق پیدا کرده است. بنابراین، وضعیت اشتغال و تا حدی بیکاری، انعکاسی است از وضعیت اقتصادی کشور. بیشترین میزان اشتغال در سال‌های ۸۵-۱۳۸۰ در کشور ایجاد شد (سالانه حدود ۶۹۵ هزار شغل) و پس از آن خالص اشتغال در کشور ۱۴۰۰۰ شغل بوده است. در این دوره زمانی اقتصاد ایران بالاترین نرخ‌های رشد را تجربه کرده است.^۱ اشتغال و رشد اقتصادی دو روی یک سکه هستند و آمارها نیز همین امر را تأیید می‌کند. بنابراین با توجه به عرضه بالای نیروی کار که در آینده با آن مواجه خواهیم بود، برنامه‌ریزی برای اشتغالزایی که تنها از طریق تقویت بنیه تولید امکان‌پذیر است، مستلزم در اولویت قرار گرفتن تولید در سیاست‌گذاری‌های کلان کشور است.

محور قرار دادن تولید در سیاست‌های کلان مستلزم انجام اصلاحاتی در حوزه‌های کلان و محیط کسب‌وکار می‌باشد. در همین راستا برگرداندن ثبات و اعتماد به اقتصاد کلان، تنقیح و اصلاح قوانین و مقررات (از جمله اصلاح قانون پولی و بانکی، تأمین اجتماعی و مالیات‌ها) برای تسهیل فعالیت در بخش‌های تولیدی و رفع موانع سرمایه‌گذاری در سطح ملی با رویکرد ثبات نسبی در قوانین، تصمیم‌گیری بر اساس نظرهای کارشناسان در تمامی حوزه‌ها و اجتناب از تصمیم‌های لحظه‌ای، شفافیت و پاسخ‌گویی مسئولان در ارائه آمار و گزارش واقعی از عملکردشان نقش مؤثری در بهبود شرایط خواهد داشت. تحقق این موارد فقط بر عهده بازوی اجرایی کشور قرار ندارد، بلکه همزمان با روی کار آمدن یک دولت منسجم، قانون‌گرا، رشدمحور، تثبیت‌گر و تعامل‌گرا، اجماع، هماهنگی و تلاش‌های همزمان کل حاکمیت را جهت عملی شدن و خارج شدن از جنبه شعاری طلب می‌نماید که الزامات آن به شرح زیر است:

انضباط در بودجه

انضباط مالی دولت نیازمند آن است که دولت تراز بودجه را مد نظر قرار دهد و از درآمدهای نفتی و بانک مرکزی به عنوان منبع تأمین اهداف خود که به‌ویژه در سال‌های اخیر، اقتصادی نبوده اند، استفاده ننماید. بودجه برنامه اقتصادی دولت است که با ارقام حسابداری نوشته می‌شود و منعکس‌کننده تمامی برنامه‌های دولت جهت اداره کشور است. سرفصل‌های منابع درآمدی دولت در بودجه تعیین شده است و استفاده از سرمایه‌های بین نسلی و افزایش کسری بودجه، به معنای به‌گروگان گرفتن منابع دولت‌های بعد و حتی نسل‌های بعدی کشور است.

در سال‌های اخیر بودجه جاری به صورت بی‌رویه رشد کرده است، در حالی که بودجه عمرانی با این سرعت افزایش نیافته است. نتیجه این رشد، افزایش تعهدات دولت و وابستگی بیشتر به درآمدهای نفتی جهت ایفای آنها بوده است که تحریم‌ها و کاهش دسترسی به درآمدهای نفتی، ناصحیح بودن این سیاست‌ها را

۱- نرخ رشد اقتصادی کشور (بر اساس ثابت سال ۱۳۷۶)

۸۵	۸۴	۸۳	۸۲	۸۱
۶۶	۶۹	۶۴	۷۸	۸۲

مجدداً به مجریان امور گوشزد می‌نماید؛ تجربه‌هایی که در سده اخیر بارها و بارها، هم در داخل کشور و در خارج کشور تکرار شده است و تنها کشورهایی موفق به جلوگیری از تکرار آنها شده‌اند که با تقویت حافظه تاریخی خود و اعتماد به علم، مسیر عقلانی سیاست‌گذاری را انتخاب کرده‌اند. لازم است برای کوچک شدن دولت با سازوکارهای قانونی، رشد بودجه دولت کمتر از رشد تولید ناخالص داخلی کشور تنظیم شود و برای کارآمد شدن دولت، اختیارات قانونی لازم برای تشویق مدیریت هدفمند با نظارت و ارزیابی مستمر پیش‌بینی شود. در این خصوص می‌توان به احیاء سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به مسئولیت معاون اول رئیس جمهور اشاره کرد.

مدیریت تعامل با دنیای خارج

تحقق اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ با وجود برخی معضلات، اما به واقع امکان‌پذیر است، اگر واقعیات و بدیهیات اقتصادی مورد پذیرش قرار گیرد. شاخص نسبت واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای به تولید ناخالص داخلی از حدود ۳ درصد در دهه ۷۰ (که دهه باثباتی بوده است) به رقمی حدود ۱۶ درصد در سال‌های اخیر رسیده است. روند این شاخص بیانگر آن است که همزمان با ادغام اقتصادی در دنیا از طریق واردات، ایران در عرصه سیاست، با کشورهای اثرگذار دنیا در تعارض بوده است که به معنای ناسازگاری اقتصاد و سیاست کشور است. با توجه به شواهد بیان شده به نظر می‌رسد رویکردهای سیاسی تعامل با دنیا جهت تحقق اهداف اقتصادی با راهبرد اقتصاد مقاومتی باید مدیریت گردد. قدم اول در این خصوص حل مسأله هسته‌ای ایران و اقدام در جهت حذف تحریم‌ها می‌باشد. بازسازی دیپلماسی و سیاست خارجی کشور، توسعه حضور و مشارکت در فضای بین‌المللی و ارائه تصویر واقعی از ایران (با وجود تبلیغات سوء دشمنان) می‌تواند راهبردی برای سیاست خارجی کشور برای رفع و دفع تحریم‌ها باشد. اتخاذ رویکرد اقتصادی بر پایه منافع متقابل، می‌تواند به راهبرد تعامل کمک کند.

در همین راستا می‌توان از طریق رویکرد ابتکاری در ارائه راه‌حل جامع پیشرفت و امنیت مشترک، گسترش همکاری دو جانبه و منطقه‌ای با همسایگان، پرهیز از تشنج در روابط با کشورهای رقیب و مخالف، ایجاد نزدیکی میان کشورهای اسلامی، تقویت سازمان کشورهای اسلامی (با توجه به بیداری اسلامی) و تلاش جهت ایفای نقش بیشتر این سازمان در حل بحران‌ها و مسائل جهان اسلام، تعاملات با دنیای خارج را بهبود بخشید. همچنین در مناسبات منطقه‌ای نیز، رفع عوامل ناامنی‌کننده مرزها در چارچوب منافع ملی، تقویت مناسبات و پیوندها با قدرت‌های منطقه‌ای و مشارکت مؤثر برای ارائه ظرفیت‌ها و فرصت‌های اقتصادی ملی با کشورهای منطقه کمک شایان توجهی به تعدیل روابط سیاسی با کشورهای همسایه خواهد نمود.

اصلاح قیمت ارز و حامل‌های انرژی

موضوع بسیار مهم و چالش برانگیز دیگری که در برنامه‌های کاندیداهای ریاست جمهوری باید به روشنی تصریح گردد، اصلاح قیمت‌های انرژی و استمرار ارزیابی‌شده و سنجیده قانون هدفمندی یارانه‌ها است. موفقیت سیاست اصلاح قیمت انرژی منوط به از بین بردن تلاطم‌های ارزی و یکسان‌سازی نرخ ارز می‌باشد

تا در تعیین قیمت‌های انرژی، قیمت‌های رقابتی جهانی مد نظر قرار گیرد - در عین حال، مزیت نسبی انرژی برای سرمایه‌گذاری در ایران مورد توجه باشد- تا سیاست اصلاح قیمت‌های داخلی با تغییر نرخ ارز و ارزش پول ملی، بی‌اثر نگردد. همچنین باید سیاست‌های واگذاری بنگاه‌های دولتی به بخش خصوصی مورد بازبینی قرار گرفته و تجربه سایر کشورها در به‌کارگیری هم‌زمان بهبود محیط کسب‌وکار به همراه سیاست خصوصی‌سازی، مد نظر سیاست‌گذاران قرار گیرد.

اما از آنجایی که این سیاست‌ها در کوتاه مدت ضد اشتغال هستند، باید در فرصت باقیمانده اندک و پیش از ورود نیروی کار پیش بینی شده به بازار کار، تثبیت نرخ ارز و اصلاح قیمت انرژی انجام گیرد تا بنگاه‌ها بتوانند با بهره‌گیری از نظام تأمین مالی مناسب، از طریق بهره‌وری به سودآوری دست پیدا کنند. از طرف دیگر، به کارگیری سیاست‌های بهبود محیط کسب‌وکار توسط دولت جدید می‌تواند منجر به رشد طبیعی بخش خصوصی و بکارگیری نیروی کار در این بخش گردد. از این طریق مأموریت دولت در فراهم ساختن شرایط اشتغال بدون افزایش تعهدات خود امکان پذیر خواهد شد.

بهبود محیط کسب‌وکار

نقش بنگاه‌های اقتصادی در جامعه همانند قلب در جریان خون بدن است. درآمدی که در بنگاه‌های اقتصادی ایجاد می‌شود، از طریق نظام مبادله در خانوار و سایر اجزاء اجتماع جریان می‌یابد. هم‌اکنون محیط کسب‌وکار کشور مشوق سرمایه‌گذاری و تولید در کشور نیست و گزارشات و اخبار مربوط به وضعیت تولید در کشور مؤید همین امر است. به همین منظور باید مجموعه اصلاحاتی در این حوزه انجام گرفته و تجربیات ارزشمند سایر کشورها مورد توجه قرار گیرد.^۱ به همین منظور حوزه‌های گوناگونی در راستای اصلاح محیط کسب و کار قابل شناسایی است و باید عزم جدی برای ایجاد تغییرات ساختاری در آنها حاصل شود. یکی از این موارد نحوه پیاده‌سازی قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ بوده است. روش واگذاری‌ها به گونه‌ای انجام گرفته است که موجب قدرت گرفتن بخش عمومی غیر دولتی شده است. دولت عملاً از واگذاری‌ها به عنوان ابزاری برای رد دیون و تقویت شرکت‌های شبه‌دولتی استفاده کرده است. این شیوه اجرا موجب عدم تحقق اهداف قانون که عبارت از کارایی اقتصادی و رشد اقتصادی بالاتر بوده، شده است. نهادهای بخش عمومی غیردولتی و خریداران سهام عدالت، سهم اصلی را در واگذاری شرکت‌های دولتی داشته و بخش خصوصی - به‌ویژه در سال ۱۳۹۱ - سهم کمتری در این میان داشته است. قوانین بالادستی سیاست خصوصی‌سازی، حمایت لازم را از بخش خصوصی واقعی ننموده است و واگذاری‌ها نقش چندانی در تقویت بخش خصوصی^۲ نداشته است. همچنین بخش خصوصی واقعی جایگاه قابل قبولی میان سهامداران فعلی شرکت‌های واگذار شده از طریق بورس، فرابورس، مزایده و مذاکره ندارد. لذا باید در ادامه سیاست واگذاری به روشی که قبلاً وجود داشت تجدید نظر اساسی صورت گیرد.

۱- به عنوان مثال، در گزارش سال ۲۰۰۶ محیط کسب‌وکار، رتبه کشور گرجستان در شاخص محیط کسب‌وکار برابر ۱۰۰ است که در سال ۲۰۱۲ به ۱۲ و در سال ۲۰۱۳ به ۹ ارتقاء یافته است. مطالعه در نحوه عملکرد کشورهای نظیر گرجستان که موفقیت‌های چشم‌گیری در حوزه بهبود کسب‌وکار و در زمان نسبتاً کوتاه کسب نموده اند، چراغ روشنی در مسیر راه‌کنندگی آینده ریاست جمهوری روشن خواهد ساخت.

۲- بررسی سهام‌داران ۳۱۵ شرکت واگذار شده طی دوره ۹۰-۱۳۸۰ نشان می‌دهد که مالکیت بخش خصوصی صرفاً در مورد ۴٫۹۱٪ از ارزش کل این شرکت‌ها مسجل شده است.

از آنجایی که روش انجام واگذاری ها مطابق با روح قانون سیاست های کلی اصل ۴۴ انجام نگرفته، در صناعی که سابقه انحصاری داشته اند، جنبه انحصاری این بنگاه ها حفظ شده و واگذاری ها صرفاً منجر به انتقال مالکیت شده است. لذا در تجدید نظر در روش واگذاری ها باید به این مهم توجه داشت که پیش شرط موفقیت در خصوصی سازی، ایجاد نهادهای بازار رقابتی است.

نهادهای از عوامل سازنده محیط کسب و کار هستند و تاریخ اقتصادی کشورها نشان داده است که می توانند گاهی نقش ضد توسعه ای پیدا کنند. به عبارتی فقدان نهادهای ضروری یا وجود نهادهای نادرست، که صرفاً به حوزه اقتصاد محدود نیست و به حوزه های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی هم مربوط می شود، خود عامل ضد توسعه است. بهبود محیط کسب و کار در کشور مستلزم برخی اصلاحات نهادی نظیر ایجاد یک دستگاه قضایی کارآمد، احیاء سازمان مدیریت و برنامه ریزی، تغییر نگاه به بانک مرکزی و افزایش استقلال این نهاد در راستای اجرای وظایف اصلی آن و تقویت شوراهای کلان تصمیم گیری نظیر شورای پول و اعتبار است.

اما عوامل دیگری وجود دارند که از دید بنگاه های اقتصادی ادامه فعالیت در محیط کسب و کار کشور را با چالش مواجه ساخته است که برای رفع این مشکلات اقداماتی نظیر اجرای کامل قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار، ایجاد شفافیت در قراردادهای بخش عمومی، ایجاد ثبات در قیمت مواد اولیه، تلاش در جهت رفع تحریم های بین المللی علیه ایران، تقویت بازار سرمایه و حل مشکل تأمین مالی بخش تولید و مدیریت بازار ارز انجام گیرد. در بخش بعد به تفصیل به ارائه راهکارهایی در راستای بهبود محیط کسب و کار و تشویق و توانمندسازی بخش مولد اقتصاد کشور، پرداخته می شود.

به عنوان جمع بندی می توان گفت ثبات اقتصاد کلان، اصلاح محیط کسب و کار در جهت رقابتی شدن و فراهم نمودن امکان دسترسی به بازارهای رقابتی از طریق بهبود تعامل با کشورهای جهان، اهم مواردی است که در جهت بهبود اوضاع اقتصادی کشور می بایست در رأس سیاست های دولت آینده قرار گیرد.

بخش سوم - راه کارها و پیشنهادها

با توجه به مطالبی که گفته شد، دولت آینده با چالش‌های بزرگی مواجه خواهد شد و باید به محض روی کار آمدن یک سلسله اقدامات فوری در جهت سامان بخشی به وضعیت اقتصادی کشور انجام دهد. این اقدامات به گونه‌ای باید باشد که موجب ایجاد جو روانی مثبت، افزایش امید به آینده و بازگرداندن اعتماد جامعه به سیاست‌گذاران گردد. اتخاذ این رویکرد می‌تواند علاوه بر تشویق و تحریک سرمایه‌گذاری به دلیل ایجاد نگاه مثبت نسبت به آینده، اثرگذاری سیاست‌های اقتصادی را تقویت کند. در همین راستا می‌توان به اقدامات زیر که مستخرج از پیشنهادات کمیسیون‌های تخصصی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران است، اشاره نمود:

۱. تشکیل شورای عالی توسعه اقتصادی به منظور ایجاد هماهنگی، پیگیری و عبور از بحران‌ها و همچنین تعیین سیاست‌های باثبات در راستای ترسیم چشم‌اندازی روشن و مسیری پایدار برای فعالیت‌های اقتصادی
 ۲. اعلام دوره تنفس و اعمال بخشودگی‌های متناسب در حوزه بدهی‌های بانکی، مالیاتی و تأمین اجتماعی از طریق تبادل نظر و همفکری با بخش خصوصی
 ۳. تعیین تکلیف بدهی‌های دولت به بنگاه‌های اقتصادی حداقل از طریق تهاتر بدهی‌های مالیاتی، بانکی، گمرکی و تأمین اجتماعی بنگاه‌ها با مطالبات ایشان از دستگاه‌های دولتی
 ۴. ارائه لایحه دوفوریتی رفع موانع تولید و صادرات
 ۵. اعطای جایزه اشتغال‌زایی به‌طور مثال از طریق پرداخت یک‌سوم سهم بیمه کارفرما
 ۶. تدوین بسته‌های مشوق سرمایه‌گذاری با استفاده از ابزارهایی که منجر به سهولت کسب و کار شود
 ۷. مهار و اصلاح بحران‌ها و بی‌ثباتی‌های موجود در نظام ارزی کشور
 ۸. رفع موانع ترخیص کالاها از گمرک
 ۹. مدیریت قیمت در بازار کالاهای اساسی و دارو
 ۱۰. احیاء سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به ریاست معاون اول
 ۱۱. کاهش دخالت در قلمرو وظایف بانک مرکزی در راستای ایفای وظیفه اصلی این نهاد
 ۱۲. حضور فعال تمامی وزرا و معاونین رئیس‌جمهور در جلسات شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی و راه‌اندازی این شورا در مراکز استانی
 ۱۳. تدوین بسته حمایت از اقشار آسیب‌پذیر به‌منظور گسترش عدالت اجتماعی
- علاوه بر اقدامات فوق، نظام اقتصادی کشور نیازمند سیاست‌های میان‌مدت و بلندمدتی در حوزه‌های گوناگون است که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد:

پول، بانک، سیاست‌های پولی و تأمین مالی

- اصلاح نظام بانکی کشور
- اجازه گشایش اعتبارات اسنادی داخلی (ربالی)
- دریافت حداکثر ده درصد (۱۰٪) مبلغ گشایش اعتبار به هنگام درخواست گشایش اعتبار

- اولویت واحدهای تولیدی برای اخذ تسهیلات بانکی
- الزام بانکها به رعایت نرخ روز ارز در زمان عقد قرارداد برای کلیه ثبت سفارشها
- رعایت نرخ روز به هنگام محاسبه نرخ برابری بازپرداخت تسهیلات ارزی مأخوذه از حساب ذخیره ارزی و صندوق توسعه ملی
- تنفيذ حکم بند ۲۸ قانون بودجه سال ۱۳۹۰ و ۲۹ قانون بودجه سال ۱۳۹۱ در بودجه سال ۱۳۹۲
- اصلاح قانون پولی و بانکی در جهت اتخاذ رویه های با ثبات پولی و مالی و تسریع در افزایش سرمایه بانک های دولتی (اعم از تجاری و تخصصی) با توجه به نیاز مالی فعالیت های اقتصادی کشور به خصوص امر تولید ملی
- بکارگیری نظام پوشش بیمه ای برای تسهیلات بانکی
- تنظیم سیاست های پولی در پشتیبانی کامل از تولید و صادرات
- مدیریت بازار ارز
- تقویت بازار سرمایه در راستای ایفای نقش این بازار در تأمین منابع مالی بنگاه های اقتصادی

مالیات

- رفع ممنوع الخروجی بدهکاران و اتخاذ رویه های دیگر برای رفع بدهی های قطعیت یافته مالیاتی
- تشویق سرمایه گذاری های تولیدی با کاهش معنی دار نرخ مالیات موضوع ماده ۱۰۵ قانون مالیات های مستقیم و جذب مالیات مورد انتظار با افزایش تولید و سودآور نمودن آن. همچنین حذف معافیت های مالیاتی و وصول مالیات حقه از تمام فعالیت های اقتصادی به دور از ملاحظات صنفی و سیاسی و تهیه و تصویب طرح جامع مالیاتی
- مکانیزه کردن سیاست های سخت افزاری و نرم افزاری مالیاتی در راستای عدالت و شفافیت برای همه بخش های اقتصادی
- معافیت مالی خرید دانش فنی و انتقال تکنولوژی
- حذف مالیات بر ارزش افزوده از واردات کالاها و خدمات
- اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده برای تمام سطوح فعالیت های اقتصادی مشمول

هدفمندی یارانه ها و انرژی

- ایجاد زمینه نقش آفرینی ایران به عنوان مرکزیت بازار انرژی منطقه ای
- تدوین و ابلاغ هرچه سریعتر آیین نامه های سیاست های اصلاح الگوی مصرف ابلاغی مقام معظم رهبری، مندرج در قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی شماره ۱۷۷۰
- اقتصادی کردن مصارف داخلی نفت و گاز از دید بازده اقتصادی
- اجرای دستور پنج سال پیش مقام معظم رهبری دایر بر ضرورت کاهش ضریب شدت انرژی وارد کردن بهای حجم عظیم گازهایی که هدرسوزی می شود در حساب منفی خزانه

- تدوین سیاست‌های صحیح برای جریمه‌های بین‌المللی گازهای گلخانه‌ای که از سال آینده برقرار می‌شود
- تامین سهم سرمایه‌گذاری در نفت و گاز از محل فروش داخلی نفت و گاز
- جلوگیری از خام‌فروشی انرژی تا حد امکان و در وهله اول اولویت‌بخشی به صادرات برق نسبت به صادرات گاز
- اختصاص ۳۰ درصد درآمد هدفمندسازی (سهم بنگاه‌ها) برای اصلاح ساختار مصرف انرژی به نسبت ترکیبی ۳۰-۷۰ با صاحبان صنایع جهت اصلاح مصرف انرژی
- اجرای صحیح قانون هدفمندی یارانه‌ها و توجه ویژه به تخصیص یارانه‌های بخش تولید

گمرک

- ممنوعیت دریافت نقدی حقوق ورودی از مواد اولیه و کالاهای سرمایه‌ای
- بازنگری و همگن سازی تعرفه واردات
- بالا بردن کارایی گمرکات و بنادر و کوتاه ساختن زمان ترخیص کالاها
- ایجاد پنجره واحد تجاری جهت کاهش زمان و هزینه و افزایش بهره‌وری
- ایجاد ثبات در قوانین مرتبط با حوزه واردات و فرآیند تصویب قوانین از پایین به بالا (اخذ نظر تشکلهای مرتبط با موضوع)

بیمه و نظام تأمین اجتماعی

- همگانی کردن پوشش بیمه تأمین اجتماعی
- افزایش سرمایه صندوق‌های بیمه تخصصی
- ایجاد فضای رقابت در نظام تأمین اجتماعی از طریق رفع انحصار از بیمه تأمین اجتماعی و توجه به شکل‌گیری صندوق‌های تأمین اجتماعی مذکور در قانون برنامه پنجم
- اجرای کامل قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی با رویکرد استقلال کامل سازمان تأمین اجتماعی و واگذاری کامل اداره آن به صاحبان اصلی منابع مالی این صندوق توأم با نظارت دولت

تجارت

- اتخاذ یک رژیم تجاری شفاف، ساده و کلان‌نگر شامل پیمان‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای، ارائه برنامه مشخص در خصوص پیوستن به سازمان جهانی تجارت و چگونگی عملکرد صنایع پس از الحاق
- حمایت از تولید صادرات‌محور
- تشویق و حمایت از حضور تولیدگران ایرانی در زنجیره عرضه جهانی
- تسهیل واردات مواد اولیه بنگاه‌های اقتصادی
- معافیت از سپردن تعهد برگشت ارز حاصل از صادرات گمرک صادرکنندگان کالا و خدمات به کشورهای همسایه از قبیل عراق، افغانستان، آذربایجان به دلیل دریافت ریال به جای ارز

- مدیریت بخش واردات و صادرات از طریق مکانیسم بازار، تعرفه ها و نرخ ارز
- افزایش اعتبارات و مشوق های صادراتی
- ارائه جایزه صادراتی به صادرات خدمات فنی و مهندسی و تسهیل شرایط برای صدور این خدمات

سرمایه گذاری

- حمایت پایدار از سرمایه گذاری در حوزه های:
 - صنعت از طریق تسهیل در مشارکت سرمایه گذاران داخلی و خارجی، معافیت مالیاتی خرید دانش فنی وانتقال تکنولوژی همچنین معافیت واردات ماشین آلات تولیدی از مالیات برارزش افزوده
 - منابع طبیعی از طریق اولویت دهی به سرمایه گذاری در زمینه منابع مشترک با همسایگان
 - گردشگری از طریق تقویت ارتباطات دیپلماتیک در زمینه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و به خصوص گردشگری و همچنین تأمین اعتبارات و هزینه های طرح ها و پروژه های عمرانی و جاری
- تشویق حداکثری اجرای قوانین و مقررات حمایت از سرمایه گذاری خارجی
- تأمین امنیت سرمایه گذاری

سیاست خارجی

- تعامل مثبت با جهان و تنش زدایی در مناسبات بین المللی
- باور داشتن تأثیر عمیق دیپلماسی اقتصادی با محوریت بخش خصوصی در تعاملات بین المللی
- تدوین یک برنامه گذار از تحریم و بحران اقتصادی با محوریت نجات تولید به منظور جلوگیری از تداوم و تشدید نابسامانی های موجود به موازات ایجاد همگرایی در میان نخبگان سیاسی و اجتماعی کشور

نظام اجرایی

- اجرای کامل قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار
- توقف اعمال ماده (۲) محکومیت های مالی به نفع دستگاه های اجرایی در مورد مدیران بنگاه های تولیدی خصوصی و تعاونی
- مبارزه با فساد در دستگاه های دولتی و پایبندی به قانون از سوی مدیران ارشد اقتصادی
- ایجاد شفافیت در معاملات دولتی
- اهتمام جدی در اولویت دهی به شرکت های بخش خصوصی و تعاونی و اتخاذ رویکردی شفاف در امر واگذاری و اجرای طرح های عمرانی
- عدم واگذاری و اجرای طرح های عمرانی به سازمان ها، شرکت ها و مؤسسات دولتی و شبه دولتی
- پایبندی به تخصیص به هنگام و پرهیز از کاهش اعتبارات عمرانی در اجرای قوانین بودجه سنواتی
- عزم بر تکمیل پروژه های نیمه تمام در بردارنده منافع ملی
- کاهش وابستگی بودجه کشور به نفت از طریق حمایت واقعی و مؤثر از صادرات غیرنفتی، توسعه زیرساخت های لازم و سمت گیری تأمین بودجه از محل وصول مالیات ها

- مهار تورم و پرهیز از اعمال رفتارها و سیاست‌های شکل‌دهنده انتظارات تورمی
- کاهش مستمر دیون‌سالاری و ایجاد هماهنگی در قوانین و مقررات و شفاف‌سازی روابط بین دستگاه‌های اجرایی در جهت حمایت مؤثر از فعالیت‌های تولیدی
- ثبات و انسجام در تشکیلات اداری دولت و پرهیز از شتابزدگی در اصلاحات ساختاری
- التزام به اجرای اسناد بالادستی به‌ویژه سند چشم‌انداز، قانون برنامه پنجم، و اجرای صحیح و همه‌جانبه قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ بر اساس روح این قانون
- توقف اقداماتی که به اسم پروژه‌ها و تحت‌عنوان تملک‌های جدید (یعنی سرمایه‌گذاری از محل منابع دولتی در شرکت‌های دولتی) سرمایه‌های ملی را به اموال غیرمولد تبدیل می‌کنند
- تفکیک وظایف حاکمیتی و تصدی‌گری دولت و ایفای نقش دولت به‌عنوان سیاست‌گذار، هادی و ناظر در اقتصاد و بهینه‌سازی اندازه آن
- پرهیز از اعمال سیاست قیمت‌گذاری دستوری و جلوگیری از تعزیراتی شدن محیط اقتصادی به استثنای کالاهای اساسی و دارو
- ایجاد شفافیت اطلاعاتی از طریق تولید، تحلیل و ارائه اطلاعات درست، دقیق و به‌روز
- به‌کارگیری افراد متخصص و متعهد با رویکرد شایسته‌گزینی و پرهیز از تغییرات مکرر در کادر اجرایی و مدیران سازمانی
- استقرار نظام پاسخگویی در کلیه سطوح
- پایبندی به قانون و پرهیز از برخورد سلیقه‌ای و شخصی با قوانین
- برخورداری از سرعت عمل در اجرا و اجتناب از شتابزدگی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی
- تبیین دقیق جایگاه نهادهای تصمیم‌گیری ملی و استانی برای فعالان اقتصادی
- ایجاد فضای رقابتی و تلاش مستمر برای انحصارزدایی

نظام حقوقی و قضایی

- آسیب‌شناسی و اصلاح حقوق مالکیت فکری در ایران
- اجرای صحیح قوانین، حذف قوانین مزاحم، موازی و مانع
- برخورد جدی با قانون‌گریزان و کسانی که در اجرای قانون تعلل می‌نمایند
- برخورد جدی با مقوله قاچاق و مبادی ورودی کالاهای غیر رسمی
- ثبات در قوانین و پرهیز از تغییر مکرر قوانین
- ایجاد قانون بازنگری شده در خصوص حمایت از حق مالکیت افراد در حوزه های اختراع، نام و نشان تجاری و سایر موارد مرتبط
- التزام به قواعد حقوقی اوفوا بالعهود و اوفوا بالعقود در تعهدات میان دولت و سایر نهادها (اعم از دولتی و خصوصی)
- احترام به قاعده تسلیط و مالکیت شخصی

- احترام به اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین
- همکاری با قوای مقننه و قضائیه در تصویب، اجرا و تضمین اجرای قوانین حمایت کننده از فعالان اقتصادی
- التزام به قاعده لاضرر
- اجرای قاعده هاردشیپ، مذاکره مجدد و بازنگری در تعهدات بخش خصوصی در تعاملات با دولت (با هدف جبران قسمتی از زیان های وارده به بخش خصوصی در اثر نابسامانی های اقتصادی سالهای اخیر)
- کارآمد سازی نظام قضایی
- اصلاح قانون کار در راستای تقویت بهره وری و تولید

صنعت

- تدوین استراتژی توسعه صنعتی بر مبنای مدل رقابتی و در تعامل با جهان با همکاری و مشورت نمایندگان و تشکل های بخش خصوصی و کارشناسان این امر
- صدور مجوزهای جدید مشروط به احداث واحدهایی با ظرفیت بالا (با توجه به نوع صنعت) برای حفاظت از واحدهای تولیدی موجود و همچنین حرکت به سمت ظرفیت های تولیدی بالا، جهت استفاده از مزیت های تولید انبوه و جلوگیری از اتلاف منابع کشور

کشاورزی

- اساسی ترین و منطقی ترین راهکار بلندمدت، تدوین برنامه جامع توسعه کشاورزی کشور و پایبندی به اجرای آن است.
- تامین سرمایه کافی (ریالی و ارزی) حداقل با افزایش سالیانه ۳ برابر مقدار فعلی آن تا افق ۱۴۰۴ به منظور نوسازی، مدرن سازی و استقرار و بهره برداری از تکنولوژی های پیشرفته پربازده در انواع فعالیت های کشاورزی به منظور کاهش قیمت های تمام شده و رقابتی کردن و افزایش تولیدات داخلی و تقویت امنیت غذایی کشور و رونق فضای کسب و کار ضرورت اجتناب ناپذیر دارد.
- کاهش مداخلات دولت و حمایت از خصوصی سازی (نه شبه دولتی) کلیه فعالیت های خدماتی به نحوی که حداکثر ظرف سه سال فعالیت های دولت منحصرأ در امور حاکمیتی تمرکز گردد.
- تقویت همکاری های عملی با مرکز تحقیقات بین المللی (CGIAR) و مرکز تحقیقات پیشرفته با اولویت محصولات مهم زراعی، باغی و دام طیور و آبزیان کشور
- سامان دهی منابع آب، خاک و زیست محیطی کشور
- تأمین به موقع نهاده ها و عوامل تولید نظیر انواع کودهای شیمیائی و عناصر ریزمغذی و رشد، سموم دفع آفات و بیماری ها و علف های هرز، واکسن و داروها و مکمل های غذایی دام و طیور، انواع بذور رایج و مورد مصرف کشت، کسری علوفه متراکم (جو، ذرت و کنجاله)، انواع لوازم یدکی به مقدار

- کافی و با کیفیت های مطلوب و استاندارد به نحوی که تولیدکنندگان محصولات کشاورزی و پرورش دهندگان دام و طیور از پائیز سال جاری با نارسائی و کسری مواجه نباشند.
- ایجاد تمهیداتی که نیازمندی های اساسی تولیدات مرغ، تخم مرغ (نظیر تولید و عرضه جوجه یکروزه) بر اساس یک برنامه دقیق تولیدی در جامعه جریان یابد.
 - نوسازی و مدرن سازی ناوگان ماشین های کشاورزی و فراهم کردن دسترسی آسان و مستمر فعالان بخش به ماشین ها و ادوات پیشرفته با تکنولوژی مناسب ظرف ۵ سال بخصوص تراکتورهای سنگین، انواع ماشین های برداشت، ماشین های چندمنظوره کشاورزی حفاظتی
 - ساماندهی اساسی امر بذر و نهال با اصل خصوصی سازی آنها و امکان دسترسی به مواد و منابع پیشرفته ژنتیکی و همکاری شرکت های خارجی (سرمایه گذاری و انتقال تکنولوژی و تجارت) ظرف سه سال از شروع برنامه ها با اولویت در واگذاری امکانات و ظرفیت های دولتی موجود.
 - فراهم کردن موجبات دسترسی آسان مستمر فعالان بخش کشاورزی به سرمایه یافته های علمی و تکنولوژی پیشرفته تولید و خدمات خارجی
 - فراهم کردن موجبات دسترسی آسان و مستمر به نهاده های تولیدی با تکنولوژی های مفید و سازگارتر (محیط زیست دوست) تولیدی به خصوص انواع سموم شیمیائی، واکسن ها و داروهای دام و طیور.
 - حمایت از ایجاد، حضور و فعالیت بخش خصوصی در انجام تحقیقات کاربردی بخصوص در انجام بررسی های مربوط به معرفی ارقام جدید محصولات زراعی و پایه و نهال محصولات باغی و اجازه سرمایه گذاری و مشارکت شرکت های خارجی با بخش خصوصی کشور در این زمینه ها و اولویت در واگذاری امکانات و تجهیزات و تاسیسات دولت به این واحدها
 - حمایت خاص از انجام فعالیت های زیربنائی (احداث و تکمیل شبکه های آبیاری زهکشی، تجهیز و نوسازی مزارع، زهکشی و اصلاح اراضی شور، استقرار سیستم های آبیاری کارآمد (اعم از ثقلی یا تحت فشار) به طور خلاصه امور زیربنائی و امکان ارتقاء راندمان آبیاری (سطحی ۵۰ درصد و تحت فشار ۷۰ درصد) برای ۸۰ درصد اراضی آبی کشور
 - اعمال دیپلماسی آب به منظور مدیریت ریزگردها در غرب کشور و تامین و بهره مندی از حقابه های مرزی و مشترک
 - تهیه و تدوین طرح های ویژه برای کنترل بحران دریاچه ارومیه، سدگتوند و بحران آب های زیرزمینی و اولویت خاص در اجرای آنها
 - تجدیدنظر، تبیین سیاست ها و ساختار جدیدی با تکیه بر فعالیت های غیر سازه ای در چارچوب های حوضه ای و با مشارکت کلیه بخش ها (دولتی و غیر دولتی) به منظور حفاظت کیفیت منابع آب و محیط های آبی
 - تبیین سیاست های بلند مدت که کلیه عوامل تهدید کننده خاک (فرسایش، کاهش شدید حاصلخیزی، شور شدن، خرد شدن، کمبود مواد آلی و تغییر کاربری های کنترل نشده) را کنترل و این منابع را به سمت پایداری و افزایش حاصلخیزی و یکپارچگی سوق دهد.



- اتخاذ سیاست مناسب اصلاح ساختار اقتصادی و کاهش شاغلین (بهره برداران) که فعالان اقتصادی بخش کشاورزی قادر به ایجاد پس انداز و جذب اقتصادی سرمایه باشند.

انتظارات فعالان اقتصادی از دولت آینده

فعالان اقتصادی کشور در نشست ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۲ هیأت نمایندگان اتاق ایران، انتظارات و خواسته های خود از دولت آینده را در قالب بیانیه ای مطرح کردند. متن کامل این بیانیه به شرح ذیل است:

فعالان بخش خصوصی کشور به دلیل ارتباط مستمر و نزدیک با محیط کسب و کار کشور و تأثیر مستقیمی که از رویکردهای دولت در این حوزه می بینند، درک روشن و همه جانبه ای از تمامی زوایای پیدا و پنهان اقتصاد ایران و بایسته ها و اقتضائات آن دارند.

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران به نمایندگی از فعالان اقتصادی کشور، با بهره گیری از این دانش و تجربه و به لحاظ مسئولیتی که به عنوان مشاور قوای سه گانه در جمهوری اسلامی ایران بر عهده دارد و با احساس وظیفه ای که درقبال حفظ اشتغال و بهبود معیشت اقشار آسیب پذیر می نماید، انتظارات فعالان اقتصادی از دولت آینده را به شرح ذیل به عنوان بیانیه فعالان اقتصادی بخش خصوصی تقدیم نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری یازدهم نموده، ضمن اعلام آمادگی خود برای مشارکت جدی و همه جانبه در تحقق این خواسته ها، از ایشان توقع امعان و اعلام نظر تفصیلی آن را دارد.

الف - رویکردهای کلان:

۱- اولویت دادن به حل مسائل اقتصادی:

اولین خواسته بخش خصوصی از دولت آینده، پذیرش و درک موقعیت خطیر کنونی اقتصاد کشور است. لذا انتظار می رود دولت آینده به اهمیت حل مسائل اقتصاد کلان کشور آگاه و با توجه و استفاده از اندوخته علمی و تجربی اقتصاد در کشور نسبت به تنظیم و اجرای برنامه های کوتاه، میان و بلند مدت به منظور اصلاح مسیر به سمت اهداف پیش بینی شده در برنامه های کلان، اقدام نماید.

۲- ثبات بخشی به فضای اقتصاد کلان:

برای آنکه فعالان اقتصادی قادر به پیش بینی و برنامه ریزی جهت فعالیت ها و سرمایه گذاری های آتی خود باشند، باید ثبات در متغیرهای کلان اقتصاد کشور و نیز در مقررات و سیاست های عمومی حاکم باشد. کنترل و کاهش نرخ تورم، مدیریت نرخ ارز و کاهش نرخ بیکاری ضرورت های امروز کشورند که تنها از همین طریق قابل تحقق خواهند بود. در همین راستا، بازگرداندن اعتماد عمومی به سیاست گذاران با پرهیز از شتابزدگی در اتخاذ تصمیمات اقتصادی ضروری است.

۳- توجه به گروه‌های کم درآمد:

معیشت گروه‌های کم درآمد جامعه آسیب زیادی را طی سال‌های اخیر دیده است. بنابراین، دولت آینده باید با کنار گذاشتن تدریجی روش‌های اعانه‌ای، زمینه ایجاد اشتغال پایدار و کسب درآمد مبتنی بر کار و تلاش برای آحاد جامعه، خصوصاً طبقه کم درآمد را فراهم آورد. در همین رابطه توزیع مجدد درآمد در جامعه از طریق ساز و کار مالیاتی، به شرط کوچک و چابک شدن دولت، رویکرد درستی است که منابع کافی برای کاهش شکاف طبقاتی را فراهم می‌سازد.

۴- تنظیم سیاست‌های اقتصادی بر اساس استراتژی‌های بلند مدت صنعتی، معدنی، کشاورزی و تجاری:

اقتصاد ایران تا به حال از یک برنامه راهبردی جامع که با تغییر دولتها و سلیقه‌ها دچار اختلال نشود، بهره‌مند نبوده است. از این رو مقتضی است دولت آینده با همکاری تمامی بخش‌های حاکمیت، برنامه کلان، جامع و هماهنگی تدوین کند که رویکردها و سیاست‌ها در بلند مدت مبتنی بر این برنامه تنظیم شود.

۵- اتخاذ رویکرد تولید محور:

تولید و تولید محوری، اساسی‌ترین نیاز اقتصاد ایران در شرایط فعلی است. بنابراین سنجه و معیار برای انتخاب هر سیاستی باید نقش و تأثیری باشد که در تقویت تولید ملی بتواند ایفا کند. از این روی، انتظار می‌رود مجموعه سیاست‌ها و رویکردها در سطح کلان حاکمیت در راستای رفع موانع تولید تدوین و اجرا شود. تأمین نقدینگی مورد نیاز واحدهای تولیدی و کاهش فشارهای سیستم بانکی و دواير دولتی در شرایط رکود اقتصادی، مصداق بارز و مورد توقع نگاه تولید محور به اقتصاد است.

۶- تعامل با فعالان اقتصادی:

طی سالهای اخیر، زیرساخت‌های مناسبی مانند شورای گفت و گوی دولت و بخش خصوصی و کمیته ماده ۷۶ قانون برنامه پنجم توسعه برای ایجاد فضای تعامل میان دولت و فعالان بخش خصوصی ایجاد شده است. توقع فعالان اقتصادی از دولت آینده استفاده بهینه از این ظرفیت‌ها و مشارکت مستمر در این نهادها است.

۷- اصالت بخشی به محیط کسب و کار در مسیر پیشرفت:

از میان روش‌های موجود برای دستیابی به شرایط اقتصادی بهتر، رویکرد بهبود محیط کسب و کار به عنوان زمینه ساز و بستر ساز مناسبی برای تسریع آهنگ توسعه اقتصادی، مورد توصیه فعالان بخش خصوصی به دولت آینده است. لذا اجرای کامل و سریع قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار، که به مثابه نقشه راهی برای این رویکرد است، ضرورتی جدی است.

۸- اصلاح مناسبات بین‌المللی:

توجه به پیوند هم‌افزای میان اقتصاد و روابط بین‌المللی به عنوان یکی از اصول پذیرفته شده در توسعه اقتصادی در جهان امروز مورد تأکید است. لازم است دولت آینده بر مبنای این اصل، تعامل سازنده با دیگر کشورها را در عین پایبندی بر ارزشها در دستور کار قرار دهد.

۹- اصلاح و بهبود سیاست‌های تجاری:

اتخاذ سیاست‌های تجاری متناسب و مبتنی بر رویکرد کاهش وابستگی به نفت و جایگزینی درآمدهای ناشی از ارزش افزوده صادرات غیر نفتی به منظور تقویت تراز تجاری کشور، اصل مهمی است که لازمه آن شفافیت در سیاست‌های تجاری دولت آینده است.

۱۰- قانون مداری در لایه‌های اجرایی:

عدم تطابق رویه‌های اجرایی در لایه‌های میانی با قوانین موضوعه، یکی از چالش‌های مهم فعالان اقتصادی می‌باشد. شایسته است دولت آینده در تمامی لایه‌های اجرایی، پایبندی خود به قوانین و مقررات را حفظ کند تا به توان مدیریتی و برنامه ریزی فعالان اقتصادی کمک شود.

۱۱- تشویق سرمایه‌گذاری:

کاهش نرخ تشکیل سرمایه ثابت در سالهای اخیر، پیامدهای منفی فراوانی برای کشور به دنبال داشته است. دولت یازدهم باید با تسهیل شرایط، حمایت مستمر و تأمین امنیت برای سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، زمینه‌های لازم برای تولید محوری را فراهم آورد تا به این ترتیب مشکلاتی نظیر تورم، بیکاری و فساد اقتصادی کاهش یابد.

۱۲- اخلاق و سرمایه اجتماعی:

سرمایه‌های اجتماعی در سه بعد اعتماد، مشارکت و همیاری طی سال‌های اخیر کاهش یافته است. از این روی، دولت آینده باید اقداماتی عملی به منظور ارتقای سطح اعتماد عمومی در جامعه به ویژه بازگرداندن اعتماد مردم به مسئولان از طریق مبارزه با فساد در دستگاه‌های دولتی، پرهیز از تناقض در گفتار و عمل و همچنین احیای اصول اخلاق حرفه‌ای فراهم آورد.

۱۳- استفاده از مدیران متخصص:

استفاده از مدیران متخصص و کارآمد ضرورت انکارناپذیر مدیریت کلان کشور خصوصاً در برهه خطیر کنونی است. دولت آینده باید زمینه بازیابی و بکارگیری تجربه‌های انباشته کشور و حضور مدیران موفق را فراهم آورد. در این راستا، احیای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به عنوان نماد مدیریت کلان حرفه‌ای و تخصصی کشور امری ضروری است.

۱۴- توانمندسازی بخش خصوصی:

نقش و جایگاه بخش خصوصی در توسعه با ثبات اقتصاد ایران انکارناشدنی است. از این روی، ضروری است دولت یازدهم در تمامی مراحل تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات، بخش خصوصی را نیز در نظر داشته باشد تا این بخش فرصت لازم برای نقش آفرینی بیشتر و بهتر در اقتصاد را پیدا کند.

ب - رویکردهای بخشی:

۱- ایجاد فضای رقابتی و رفع هرگونه امتیاز و تبعیض در فعالیتهای اقتصادی، ضرورت گذار از اقتصاد دستوری به اقتصاد مردمی است. برای تحقق این مهم لازم است دولت آینده اهتمام خود را به اجرای پیوسته و مدبرانه قانون اجرای سیاست های اصل ۴۴ قرار دهد.

۲- اجرای صحیح قانون هدفمندسازی یارانهها و توجه ویژه به تخصیص یارانههای بخش تولید و صادرات، ضرورت به ثمر رسیدن این تصمیم مهم اقتصادی است. مقتضی است دولت آینده ضمن فراهم کردن پیش نیازهای اجرای قانون، به روش درست اجرای آن همت بگمارد.

۳- بالا بردن کارایی گمرکات و بنادر و کوتاه ساختن زمان ترخیص کالا، کاهش موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه-ای و توجه به اصلاح و تقویت عملکرد صنایع آسیب‌پذیر، زمینه ساز حرکت با برنامه مشخص در مسیر پیوستن به سازمان جهانی تجارت است. لذا لازم است دولت با برنامه و چشم‌انداز مشخص و مدون در یک مسیر مطمئن در این راستا گام بردارد.

۴- توجه به امنیت غذایی با اهمیت به آمایش سرزمینی در کشاورزی و محصول محوری با تکیه بر تکنولوژیهای نو جهت تولید کمی و کیفی در برنامه های دولت امری ضروری و اجتناب ناپذیر است.

۵- تخصیص منابع حاصل از فروشهای داخلی و خارجی نفت خام و فرآورده‌های نفت و گاز به حساب سرمایه برای تأمین نیازهای سرمایه‌گذاری در اشتغال‌های پایدار باید در صدر برنامه‌های دولت یازدهم در بخش انرژی کشور باشد.

۶- تعامل با بخش خصوصی زیان دیده از تصمیمات اقتصادی سال‌های اخیر با تعریف و استفاده از ساز و کار حقوقی عسروحرج، موجب حرکت سرمایه‌های ثابت بخش تولید به سمت رونق و اشتغال‌زایی است. لازم است دولت آینده با این رویکرد از تضييع سرمایه‌های تولیدی و مدیریتی کشور جلوگیری نماید.

۷- توجه به توسعه آموزش و تحقیقات، به ویژه در زمینه‌های فن‌آوری‌های نوین، نوآوری و حمایت معنوی و فرهنگی از کارآفرینان در راستای توسعه اقتصادی، لازمه گذر از اقتصاد مبتنی بر منابع به اقتصاد مبتنی بر نوآوری است. لازم است دولت آینده به این مهم توجه کند.

۸- تعیین فقط یک دستگاه دولتی به عنوان تنها متولی صنعت گردشگری و ممانعت جدی از دخالت دیگر نهادها و همچنین اختصاص بودجه متمرکز جهت ارتقای جایگاه صنعت گردشگری می تواند این صنعت پر ظرفیت در کشور را بدیل درآمدهای نفتی نماید. شایسته است دولت آینده به این امر مهم توجه جدی مبذول دارد.